

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال چهارم، شماره سی و هشتم، مهر ۹۶

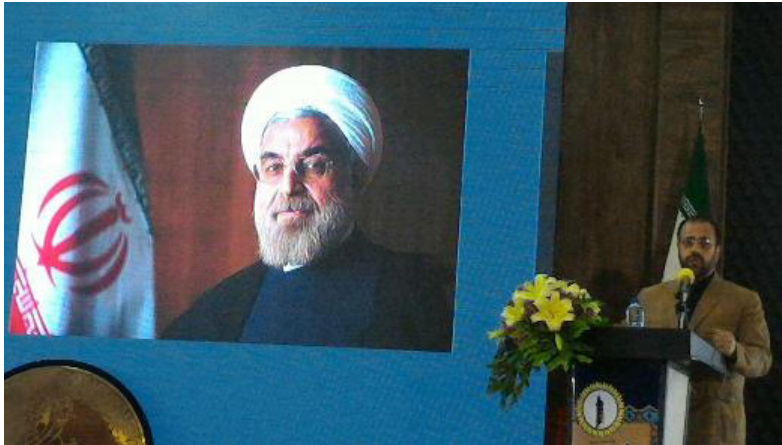
پیام رئیس جمهور به سومین همایش بین المللی
«شمس و مولانا»



پیام رئیس جمهور به سومین همایش بین‌المللی شمس و مولانا

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند بزرگ را سپاس می‌گوییم که «بنیاد و تولیت شمس تبریزی» را در برگزاری این همایش علمی، ادبی و عرفانی، آن هم در دارالقرار شمس و دارالصفای شهرستان خوی و در قلمرو سه استان عرفان ستای و ادب خیز و هنرآفرین آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی و اردبیل توفیقی برسزا ارزانی داشت.



بدیهی است از ره گذر ارائه مقاله‌های وزین و ایراد سخنان عارفانه و فاضلانه استادان، پژوهشگران و جوانان فرهیخته تشنه معرفت، این همایش از دل برخاسته، سرآغاز تحولی بنیادین و جامع در حوزه‌های عرفانی، فلسفی، کلامی، ادبی، فرهنگی و اعتقادی بود و به دلیل بستگی و شیفتگی مردم سراسر گیتی به این دو پدیده ناب حوزه معرفت و این دو ودیعه گران‌سنگ جهان معنی از خلال آثاری ماندگار و پربار چون مثنوی معنوی مولانا که: خود آن را اصول اصول‌الدینش نامیده و گفته:

«نردبان آسمانست این کلام، عروج پله پله انسان کامل را تا ملاقات رب‌الارباب میسر تواند ساخت».

اثر دیگر مولانا - که همان دیوان کبیر غزلیات شمس تبریزست - حکایتی است از شوریدگی‌ها، فراهنجاری‌ها و پرواز به ابدیتی توصیف‌ناپذیر که «مرگ» را گشایش درب زندان دانسته است.

فیه مافیه «مولانا»، و مجالس سبعة و مجموع مقاله‌های شمس تبریزی که برخاسته از تأثیرات شگرف عرفانیست و نقش معنوی شمس در همه آن آثار سترگ آشکارست - در جامعه جهانی مبدأ رستاخیزی شده است که نوع آن را پس از کتاب‌های آسمانی در کمتر اثر جهانی می‌توان یافت و برحسب آمار، نشر آثار مولانا در کشورهای شرق و غرب جهان از تیراژی خیره‌کننده برخوردار است و فهرست ترجمه‌های آثار یاد شده موجب شده است که بسیاری از شیفتگان این آثار، بویژه جوانان پرطلب برای رهایی از شرایط صرفاً مادی جهان امروز، به فراگیری زبان فاخر فارسی روی آوردند، تا ظرفیت‌های معجزه‌آسای فرهنگی، هنری، ادبی و اعتقادی آن را بیش از پیش بازشناسند، چنانکه در قلمرو ادب غنایی، حماسی و تعلیمی نیز، استقبال روزافزون آنان از زبان فارسی مشهود است. باری:

اختلاف خلق از «نام» اوفتاد

چون به «معنی» رفت، آرام اوفتاد

اگر ۲۶ هزار بیت مثنوی و ۳۶ هزار بیت دیوان شمس را بازتابی از مفهوم ۱۸ بیت نخستین مثنوی - یعنی «نی‌نامه» - بدانیم، سخنی بر گزاف نیست، چه مولانا با الهام از شمس و با اندیشه گسترده و احاطه بر مفاهیم قرآنی، روایت‌ها و احادیث اسلامی سایر کتاب‌های آسمانی و نیز آرای فیلسوفان، متکلمان و عارفان پیشین - از رهگذر داستان‌ها و امثال و حکم - توانسته است با غور در زوایای روح آدمی و معرفی اغراض و عوارض نفسانی، او را به شناخت حقیقت وجودی خود و پرواز به ساحت ربانی مدد رساند. اینک این مولاناست که در این مجمع روحانی، با عالمان سخن می‌گوید و او را با زندانیان صورت پرست و گرفتار وسوسه‌های اهریمنی پیوندی نیست.

هر کشوری در جهان حق دارد از آبخور این فرهنگ گسترده و متعالی در همه حوزه‌ها بهره‌برگردد. نیکلسون شارح مثنوی با شوریدگی تمام، عمر عزت‌مند خویش را در تجلیل مفاهیم این کتاب ارجمند مصروف داشت و همچنین پژوهش‌های عمیق پرفسور کربن در زمینه عرفان اسلامی و اندیشه‌های فرهنگی ایرانی، کوشش‌های حوزه مولاناشناسی و شمس‌شناسی در «قونیه» ترکیه، و مساعی ارزشمند مردم روسیه، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ارمنستان در گسترش زبان فاخر فارسی و بزرگداشت چهره‌های چون رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، خاقانی و نظامی شایسته تقدیر است و جمهوری اسلامی ایران از طریق فرهنگستان، دانشگاه‌ها و مراکز علمی ایران از هیچ همکاری و مساعدتی در گسترش این زبان دریغ نخواهد کرد، موفق و سربلند باشید.



سومین همایش بین‌المللی شمس و مولانا

سومین همایش بین‌المللی شمس و مولانا با مشارکت علمی پژوهشگاه علوم انسانی بر اساس تفاهم‌نامه پژوهشگاه و مؤسسه تولید آرامگاه شمس تبریزی در روزهای ۱۵ و ۱۶ مهرماه در شهرستان خوی برگزار شد. این همایش با خیرمقدم استاندارد و فرماندار خوی آغاز شد. وی با اشاره به ظرف و زمینه پذیرش افکار و اندیشه‌های ناب در استان به سخنرانی پرداخت و زندگی محبت‌آمیز اقوام و ادیان در آذربایجان غربی را الگویی بی‌نظیر در دنیا دانست.

سپس دکتر یوسف محمدنژاد، دبیر علمی همایش، گزارشی از این همایش ارائه داد. متن کامل گزارش بدین شرح است:

گزارش اجمالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در چارچوب راهبرد «توسعه فرهنگی - اجتماعی» و بر اساس سیاست «تقویت و توسعه تعاملات فرهنگی - اجتماعی با نهادهای مدنی و فرهنگی - اجتماعی کشور» و پشتیبانی علمی از هر گونه فعالیت‌های تحقیقی و ترویجی آنها در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌ویژه معرفی آثار و شخصیت‌های برجسته ادبیات ایران به جهان، و توسعه فعالیت‌های ترویجی زبان و ادبیات فارسی، در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۵ تفاهم‌نامه‌ای با مؤسسه تولید آرامگاه شمس تبریزی در شهرستان خوی امضا کرده است. مشارکت علمی پژوهشگاه در سومین همایش بین‌المللی شمس و مولانا بر پایه همین تفاهم‌نامه صورت گرفت که براساس آن پژوهشگاه عهده‌دار برنامه‌ریزی بخش علمی این همایش بین‌المللی گردید. بنابراین، دبیرخانه علمی همایش در پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی تشکیل شد و رئیس این پژوهشکده، در جایگاه دبیر علمی، مسئولیت برنامه‌ریزی علمی همایش را بر عهده گرفت.

پس از تشکیل دبیرخانه علمی همایش در پژوهشکده زبان و ادبیات، فعالیت‌های مختلفی در این دبیرخانه انجام شده است، که مهم‌ترین این فعالیت‌ها را می‌توان در قالب تشکیل کمیته علمی، تعریف اهداف، تعیین موضوعات و محورهای اصلی همایش، برنامه‌ریزی برای نشست‌های تخصصی، پنل، داوری مقالات، انتخاب مقالات برتر و مانند آن دسته‌بندی کرد.

انتشارات همایش

۱. کتاب «کتاب‌شناسی توصیفی شمس تبریزی»، تألیف دکتر ابوالقاسم رادفر، که با تمهیدات دبیرخانه علمی، همزمان با برگزاری همایش در خوی رونمایی شد و در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت.



۲. چاپ و انتشار، و توزیع کتاب «چکیده گفتارها و مقاله های سومین همایش بین المللی شمس و مولانا» که در دبیرخانه علمی همایش گردآوری شده است، در نخستین روز برگزاری همایش
۳. چاپ و انتشار دفترچه راهنمای سومین همایش بین المللی شمس و مولانا، دبیرخانه علمی همایش تهیه و منتشر کرده است.

۴. چاپ و انتشار ۶ مقاله به صورت پوستر که در دبیرخانه علمی همایش تهیه و با همکاری روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ و منتشر شده و همزمان با برگزاری همایش در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته است.

۵. برنامه ریزی برای چاپ و انتشار کتاب «مجموعه مقالات سومین همایش بین المللی شمس و مولانا»، که قرار است با مؤسسه تولید شمس با همکاری علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ و منتشر خواهد شد.

۶. برنامه ریزی برای اختصاص یک شماره از فصلنامه «کهن نامه ادب پارسی» به موضوع «شمس و مولانا» با سفارش مقاله به استادان و مولوی شناسان برجسته کشور، که به صورت ویژه نامه همزمان با برگزاری همایش چاپ و منتشر شود، که علی رغم دریافت مقاله های مورد نظر متأسفانه به دلیل برخی اشکالات اجرایی و فنی پیش آمده، این مهم محقق نشده است. امیدواریم به یاری خداوند بزرگ این امر حداکثر تا یک ماه دیگر محقق شود.

سخنران ویژه همایش

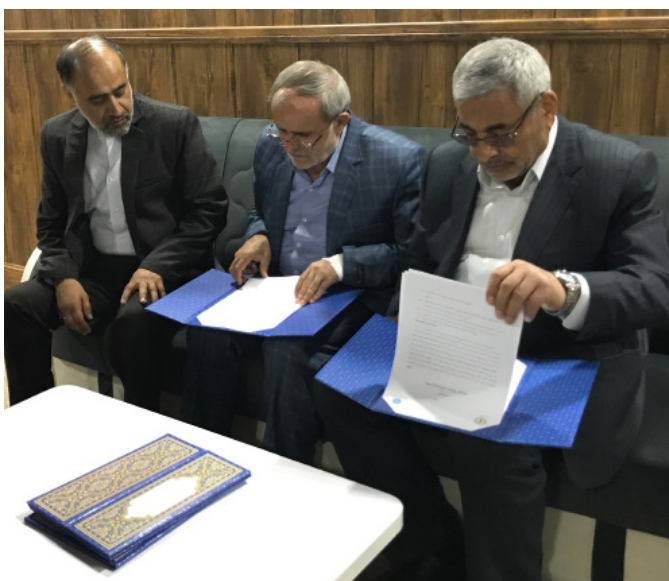
افزون بر فراخوان مقاله، با هماهنگی دبیر علمی همایش، از برخی از نام آورترین و برجسته ترین استادان زبان و ادبیات فارسی و شمس پژوهان و مولوی شناسان کشور برای حضور و سخنرانی در این همایش دعوت شد، که خوشبختانه همه این استادان بزرگوار در همایش حضور یافته و سخنرانی کردند.

نشست های تخصصی / پنل های همایش

دو نشست تخصصی / پنل نیز در حاشیه همایش با مشخصات زیر برگزار شده است:

۱. نشست تخصصی / پنل «بررسی و نقد شمس پژوهی در دهه اخیر»
۲. نشست تخصصی / پنل «شمس تبریزی و گمانه های موجود درباره مزار او» در این نشست، چهار سخنرانی با عناوین زیر انجام شد:

- روند اثبات وجود آرامگاه شمس تبریزی در خوی
 - اسناد تاریخی اثبات وجود مزار شمس تبریزی در خوی
 - دیار شمس تبریزی از دوران روستانشینی اولیه تا دوران آغاز شهرنشینی: براساس مطالعات باستان شناختی
 - بررسی باغ سلطنتی شاه اسماعیل صفوی با بازخوانی کاخ زمستانی و منار شمس تبریزی
- در بخش دیگری از این همایش، تفاهم نامه همکاری مابین استانداری آذربایجان غربی و پژوهشگاه علوم انسانی کشور در مورد شمس تبریزی منعقد شد.







دکتر قبادی: هدف از برگزاری مراسم هفته دفاع مقدس، شناساندن و تداوم ارزش‌های دفاع مقدس است



مراسم بزرگداشت «هفته دفاع مقدس» به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی و با حضور سرهنگ دکتر جعفری، مدیر آموزشی مرکز معارف جنگ شهید صیاد شیرازی ارتش، روز سه‌شنبه سوم مهرماه برگزار شد. در ابتدای این مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: «ما باید پیش از برگزاری چنین مراسمی، به هدف از برگزاری آنها بیندیشیم. آیا برگزاری این مراسم فقط نوعی امر متعارف و عادت است یا اینکه می‌تواند هدفی فراتر از آن داشته باشد؟» وی برای پاسخ به این سؤال با استناد به حدیث «بقیه السیف ابقا عددا و اکثرا ولدا» از امام علی(ع)، به این سؤال چنین پاسخ داد: «هدف از برگزاری هفته دفاع مقدس افزایش دایره مخاطبان است تا ارزش‌های دفاع مقدس شناسانده و تداوم یابد و به نسل‌های بعد منتقل شود».

دکتر قبادی با ابراز تأسف از اینکه براساس آمار و ارقام به‌دست آمده از یونسکو، ایران به عنوان کشور فرار مغزها شناخته شده است، گفت: «با برگزاری نشست‌های بیشتر در این حوزه، می‌توان ارزش‌های دفاع مقدس را بیشتر به نسل‌های جوان‌تر شناساند و به نسل‌های بعد منتقل کرد.» وی افزود: «جنگ بخشی از واقعیت سرزمین‌مان است و موجب پیدایش ادبیاتی، هم به معنای عام و هم به معنای خاص، شده است. با نگاه فرهنگی می‌توانیم نحوه استدلال خود را برای نسل‌های فردا متحول کنیم.»

رئیس پژوهشگاه در ادامه، پیشنهادهایی برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس و تداوم آن مطرح کرد و گفت: «اولین پیشنهاد من این است که دست‌اندرکاران دفاع مقدس باید از گفتمان درون‌متنی خارج شوند تا همه افراد و اقشاری که در جنگ شرکت داشتند را بشناسیم و از ارزش‌های آنها و جنگ، آگاهی یابیم و دانسته‌های خود را به مخاطبان انتقال دهیم. دوم اینکه تحلیل فرهنگی از جنگ می‌تواند یکی



دیگر از عوامل تداوم ارزش‌های جنگ و دفاع مقدس باشد و در این راستا تاریخ، تمدن و اسطوره‌های کشورمان باید مورد توجه قرار گیرد. سومین پیشنهاد، کوشش همه‌جانبه، برای هم‌ساز و سازگار جلوه دادن عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی و دینی است که یکی از عوامل مهم پیروزی و رشادت‌های رزمندگان ما در جنگ بود.»

دکتر قبادی در پایان سخنان خود ضمن تأکید بر این نکته که برای ما جنگ موجب تالان و پیوند بیشتر آیین و رسوم شده است، گفت: «احترام به رزمندگان، احترام به شرف ایرانی است؛ احترام به جانبازان، احترام به عزت ایران است و فروتنی در مقابل شهیدان این سرزمین، فروتنی در مقابل شرف و عزت هر مسلمان است. اینها جزئی از واقعیت‌های سرزمین ماست و باید بتوانیم آنها را بیشتر بازکاوی کنیم و به نسل‌های جوان و دانشجویان امروزی بشناسانیم.»

در ادامه این مراسم دکتر کریمی‌علوی رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات و روایتگر دفاع مقدس در رادیو، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره رزمندگان و شهدای دفاع مقدس اظهار داشت: «من در آن سال‌ها در رادیو گویندگی می‌کردم و نتوانستم به صورت مستقیم در جنگ حضور داشته باشم. تنها افتخار داشتم که دورادور روایتگر حماسه آنان باشم. ما به واسطه فداکاری‌های ایشان قادر نیستیم که به رزمندگان عزیز ادای دین کنیم.»

وی با یادآوری ایام محرم، به پیوند دفاع مقدس و عاشورا اشاره کرد و گفت: «در آن سال‌ها شهید آوینی که در گروه جهاد صدا و سیما حضور داشتند و از این طریق با ایشان آشنایی پیدا کردیم، با ما قراری گذاشتند که در رابطه با عاشورا و دفاع مقدس برنامه مشترکی بسازیم. من هنوز دست نوشته‌های ایشان را در آن سال‌ها دارم. ایشان بسیار انسان شریف، دل‌سوخته، پخته و در عین حال کم‌گوی بودند. بعد از آزادی خرمشهر هم که من آن خبر را اعلام کردم، ایشان با همان هوشمندی که داشتند، آمدند و اصرار کردند که همان برنامه اعلام خبر آزادی خرمشهر فیلمبرداری شود تا در تاریخ ثبت گردد. ما خودمان ابتدا به دلیل صبغه رادیویی مخالفت کردیم، اما بعد با صحبت‌های ایشان قانع شدیم و در نتیجه برنامه ضبط و ماندگار گردید.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه، با ذکر خاطرات دیگری از آن دوران، خاطر نشان کرد: «آن نسلی که تبلیغات جنگ را انجام می‌دادند، به لحاظ سنی متوسط ۲۵ سال داشتند و از لحاظ تحصیلی نیز در حد دیپلم و لیسانس بودند، اما در کار خود موفق بودند، به‌طوری‌که بی بی سی و رادیو کلن و... از ما نقل قول می‌کردند. در حالیکه اگر مقایسه کنیم، اکنون مدیران ما بسیار با تجربه شده‌اند و سن و سالی پیدا کرده‌اند و از نظر تحصیلی هم در حد دکتری و استاد دانشگاه هستند، اما عملکرد رادیو و تلویزیون بسیار ضعیف شده، به‌طوری‌که بسیاری از شبکه‌های داخلی در خانواده‌ها کور هستند و گیرنده‌ها تنها بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای تنظیم گردیده است.»

وی تصریح کرد: «آن عنصری که در آن سال‌ها وجود داشت و باعث موفقیت رادیو یا تلویزیون بود و اکنون متأسفانه تا حدودی کم رنگ شده، صداقت است. در آن دوره ادا بازی وجود نداشت و لذا آنچه از دل بر آید، بر دل نشیند. اما چنانچه فقط در حد ظاهر باشد، بیشتر از سطح ظاهری هم تأثیرگذار نیست. ما در آن سال‌ها توانستیم با همین عنصر صداقت، مخاطبین خود را پیدا کنیم.»

دکتر کریمی‌علوی در انتها قطعاتی از سرودهای سال‌های دفاع مقدس و همچنین از سرودهای جدید خود را برای مخاطبین خواند که با تشویق حضار همراه شد.



در ادامه سرهنگ دکتر جعفری، مدیر آموزشی مرکز معارف جنگ شهید صیاد شیرازی، در سخنان خود با ذکر اتفاقات و رویدادهای آن سالها اظهار داشت: «در سال ۱۳۶۴ من فرمانده گروهان ارتش بودم. من را انتخاب کردند که بروم در دل گردان سپاه (گردان مقداد) و با همدیگر عملیات مشترک برگزار کنیم. برادرم بسیجی بود و به من پیغام داد که حالا که تو به اینجا آمدی، بیا دنبال من که با همدیگر باشیم. من سراغ او و دوستش در منطقه عملیاتی بُستان رفتم. فرمانده آنها گفت که آنها جلو رفته‌اند و وقتی برگشتند هر کدام یک مین بزرگ ضد تانک همراه داشتند. همزمان آتش خمپاره عراقی‌ها شروع شد و



یک فضای بسیار رعب‌آور و در عین حال مملو از گرد و غبار ایجاد شد. وقتی همه سر و صداها تمام شد، برادرم و دوستش شروع به خندیدن کردند.»

وی ادامه داد: «شما شنیدید که بسیجی‌ها به مرگ لبخند زدند، اما من به عین دیدم که آنها مرگ را به مسخره گرفته بودند. عین خیال‌شان هم نبود. مورد دیگر وقتی بود که قرار شد گروهان ارتش خط شکن شود. برادر من اصرار داشت که در گروهان ما باشد، ولی فرمانده مخالفت کرد و گفت به این دلیل که من نمی‌توانم جواب بسیجی‌های دیگر را بدهم، نمی‌توانم با این امر موافقت کنم. یعنی نسل بچه‌های جنگ برای مواجهه با مرگ پیش‌قدم می‌شدند و مخالفت فرمانده به این دلیل بوده که پارتی بازی برای برادرم می‌شده که خط در اصلی حمله به دشمن باشد.»

وی در ادامه تأکید کرد: «در بیان حق اهالی جنگ، حق هیچکس ادا نشده، چه برسد به اینکه بخواهند حق واقعی آنها را بدهند که در آن مورد اساساً دنیا گنجایش آن را ندارد که این حق ادا شود. یکی از گروه‌هایی که حقشان در حوزه جنگ ادا نشده است، خانم‌ها هستند. ما اگر در جنگ، با خیال راحت ۸۰ یا ۹۰ روز در جبهه بودیم و اصلاً دل نگرانی نسبت به خانواده خودمان نداشتیم، به خاطر حضور زنان و همسران بود.»

سرهنگ جعفری خاطر نشان کرد: «آنچه که ما حاصل جنگ است، امنیت و آرامشی است که ۳۰ سال است ادامه دارد. من به سربازان هم می‌گویم که فرزندان سربازان هم به سربازی بیایند، ما دیگر درگیر جنگ نظامی نخواهیم شد. یعنی اثری که جنگ فقط در بُعد نظامی در دنیا باقی گذاشته، این است که هیچ کشوری در دنیا به خود اجازه شروع یک نبرد نظامی گسترده و همه جانبه را تا سال‌های سال نخواهد داد.»



وی با اشاره به آمارهای مرتبط با جنگ گفت: «۵ میلیون انسان مستقیماً در این جنگ ۸ ساله شرکت کردند و ۲۰۰ هزار شهید و ۴۶ هزار آزاده و جانباز داشتیم. اینها هستی کمی نیست. بعد هم به معنی واقعی کلمه پیروز شدیم. چون خوابی که صدام برای ما دیده بود، این بود که ظرف یک هفته کار ایران



تمام است. وقتی اولین توپ را شلیک کرد، گفت یک گردش یک هفته‌ای در ایران خواهیم داشت و به ایرانیان درسی خواهیم داد که فراموش نکنند. اما کار به جایی رسید که وقتی سازمان ملل قطعنامه صادر کرد، خود صدام ابتدا پیشنهاد آتش بس را داد.»

وی در پایان اظهار داشت: «امام (ره) همان زمان گفتند دزدی آمده و سنگی انداخته تا ببیند که آیا صدای کسی بلند می‌شود؟ و اگر بلند نشد به تجاوزگری خود ادامه دهد. ولی جوانان رفتند و جواب دادند و البته با پشتیبانی که از صدام می‌شد، ۸ سال این جنگ طول کشید. خدا به ما توفیق دهد که قدر این نعمت ارزشمند را بدانیم و از بیمه‌ای که ما را کرده که در آرامش زندگی کنیم، استفاده ببریم.»

در انتهای این نشست دکتر ربانی‌زاده، معاون اداری و مالی پژوهشگاه، خاطراتی از دوران جبهه بیان کرد و سپس از رزمندگان دفاع مقدس پژوهشگاه تقدیر به عمل آمد.





مراسم آغاز سال تحصیلی جدید در پژوهشگاه

مراسم آغاز سال تحصیلی جدید، روز سه‌شنبه ۱۸ مهرماه، با حضور رئیس پژوهشگاه، معاونین، اعضای هیأت علمی و دانشجویان جدیدالورود پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای مراسم دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی جدید و خیرمقدم به دانشجویان از کلیه دست اندرکاران این مراسم، معاونت‌ها، روابط عمومی، استادان و به‌ویژه مدیریت تحصیلات تکمیلی تشکر کرد و گفت: «وجود استادان برجسته و پیشکسوت در این پژوهشگاه را باید به عنوان فرصتی برای دانشجویان پژوهشگاه و دیگر مراکز آموزش عالی در سطح کشور مغتنم دانست.»



وی در ادامه سخنان خود، با تأکید بر اینکه: «علوم انسانی برای کشوری که تمدن غنی دارد، یک فرصت و مزیت است و باید راز و رمز این مزیت برای اصحاب علوم انسانی و دیگران، با زبان منطقی و روش علمی بازگو شود»، گفت: «با تقویت علوم انسانی در کشور امکان بازخوانش میراث‌های عظیم و راز و رمز تمدن ما بیشتر فراهم می‌شود. البته باید توجه داشت که معرفی دقیق این تمدن چند هزار ساله ما، به روش‌ها و فوننی نیاز دارد که عظمت این تمدن را به دنیا ارائه کند.»

دکتر قبادی ضمن بیان اهمیت علوم انسانی در کشور افزود: «هر چقدر علوم انسانی در کشور ما تقویت شود و بتوانیم دانشجویان دانش‌ورز و روش‌دان تربیت کنیم، به جمهوری اسلامی ایران و تمدن ایرانی خدمت کرده‌ایم.»

وی در ادامه به نقش مهم دانشجو اشاره کرد و گفت: «دانشجو گنجی است که در اختیار استاد قرار دارد، تا ضمن روزآمدی دانش خود، رشد همه جانبه‌ای داشته باشد و بالندگی و سرزندگی خود را حفظ کند. با پیشرفت بیشتر علم نیاز استاد به دانشجو بیشتر می‌شود، لذا دانشجو، مصاحب و هم‌سخن استاد است و در گفتگو و مباحثه علمی می‌تواند نقش همراه مشارکت‌جو را ایفا کند.»

رئیس پژوهشگاه در بخشی از سخنان خود ضمن تأکید بر پژوهش‌محور بودن آموزش در پژوهشگاه، داشتن صفت



مطالبه‌گری را یک ویژگی مهم برای دانشجویان دانست و تأکید کرد «دانشجویان می‌بایست از همان ابتدای تحصیل خود به دنبال کشف مسئله مورد نظر برای انجام پایان‌نامه و یا رساله دکتری خود باشند، چرا که پیامد خدمت آموزشی و پژوهشی روش‌مند دانشجو، کمک به کوتاه کردن مدت زمان تحصیل خود و در نتیجه کاهش بهره‌گیری از اموال بیت‌المال و عمر دانشجو است».

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پیوند آموزش و پژوهش در پژوهشگاه اشاره کرد و گفت: «پژوهشگاه علوم انسانی به دنبال آموزش پژوهش‌مدار و تربیت دانشجویان پژوهش‌محور و مسئله‌محور است، چرا که برای بهره‌وری مطلوب در حوزه علوم انسانی باید از زاویه مسئله‌شناسی وارد شد.» بر همین اساس، وی ضرورت ترمیم شکاف موجود میان بخش پژوهش و آموزش را یادآور شد و گفت برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه با رویکرد کاربردی‌سازی پژوهش‌ها، تنظیم شده است و پایان‌نامه‌ها نیز باید از دل پژوهش‌های جاری پژوهشگاه که به برنامه توسعه گره می‌خورد، استخراج شود تا ضمن انطباق با مرزهای جهانی دانش و دستاوردهای روز علمی در دنیا، مسائل و مشکلات جامعه و راه‌حل‌های آن نیز به خوبی در آنها منعکس شود.»

دکتر قبادی، آشنایی دانشجویان با تحولات علمی در دنیا و گسترش همکاری با استادان و مراکز علمی کشورهای دیگر را از جمله مهم‌ترین الزامات ارتقای کیفیت آموزشی معرفی کرد و تأکید کرد: «دفتر همکاری‌های بین‌المللی پژوهشگاه می‌تواند با برگزاری کارگاه‌هایی برای آشنایی دانشجویان با امکانات این حوزه، در تسهیل ارتباطات بین‌المللی دانشجویان نقش ایفا کند. همچنان که پژوهشگاه کاربردی‌سازی علوم انسانی نیز می‌تواند با برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی، دانشجویان را با ویژگی‌های پژوهش کاربردی و مسئله‌یابی نیازمحور آشنا کند و در جهت‌گیری پایان‌نامه‌های دانشجویی در مسیر نشان دادن نقش علوم انسانی در رفع مشکلات جامعه نقش ایفا کند که این امر می‌تواند در آینده نیز در حل مشکل اشتغال دانش‌آموختگان علوم انسانی در کشور، به عنوان یک الگو در نظر گرفته شود.»

در ادامه جلسه، دکتر علم‌الهدی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: «تمام تلاش این مجموعه این است که دانشجویان بتوانند تحصیلات تکمیلی خود را به بهترین نحو به پایان برسانند.» وی تأکید کرد: «دغدغه دانشجو در مرحله اول و آخر باید درس باشد یعنی آنچه به عنوان رسالت و هدف است مباحث آموزشی و پژوهشی است و سایر امکانات رفاهی در اولویت دوم قرار دارد. از این نظر پژوهشگاه در فراهم کردن محیط مناسب آموزشی و پژوهش تمام توان و تلاش خود را خواهد کرد.»



در ادامه مراسم، دکتر کریم مجتهدی، عضو هیأت علمی گروه پژوهشی فلسفه غرب و استاد پیشکسوت پژوهشگاه، به اهمیت دانستن و آموختن اشاره کرد و آن را به عنوان حق دوم هر شخص قلمداد کرد و گفت: «زندگی کردن حقی است که خداوند به همه انسان‌ها داده است اما حق دوم، حق یادگیری است و کسانی که مانع یادگیری می‌شوند، ظلم می‌کنند.» این استاد پیشکسوت در ادامه سخنان خود به تفاوت شخص و فرد اشاره کرد و اذعان کرد: «همه ما یک فرد هستیم و باید به شخص تبدیل شویم؛ فرد به معنای افراد است و شخص فردی است که مسئولیت‌پذیر است و تنها تفاوت یک شخص و فرد، در مسئولیت‌پذیری است. اگر کسی مسئولیت‌پذیر باشد یعنی در زندگی خود فکر و هدفی اصلی و اساسی دارد و یک شخصیت معتبر است.»



در بخش دیگر این مراسم، دکتر کسرای، معاون فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه، به بهبود امکانات رفاهی دانشجویان اشاره کرد و گفت: «با تمام تلاش درصدد بهتر کردن امکانات رفاهی هستیم.» وی همچنین به تشکلهای دانشجویی اشاره کرد و گفت: «این تشکلهای هر دو هفته یکبار برگزار می‌شود که لازم است دانشجویان در آنها مشارکت داشته و مسائل و دیدگاههای خود را مطرح کنند.»

دکتر حسنی‌فر، مدیر تحصیلات تکمیلی، نیز در بخش دیگر مراسم با ارائه اطلاعات و نکاتی، ابتدا به معرفی تحصیلات تکمیلی پرداخت و گفت: «براساس ضوابط و مقررات، این مدیریت وابسته به حوزه پژوهش و آموزش است و کلیه خدمات آموزشی و پژوهشی پژوهشگاه از این مدیریت انجام می‌شود که البته در کنار همه این موارد پژوهشکده‌ها و سایر معاونت‌ها نیز به انجام کارهای مربوطه کمک می‌کنند.»

وی افزود: «ما در حوزه آموزش و نسبتی که با پژوهش برقرار

می‌کنیم آئین‌نامه و برنامه‌ریزی‌هایی داریم تا براساس آن بتوانیم توان پژوهشی دانشجویان و نیز قابلیت پژوهش‌ورزی آنان را ارتقا دهیم. پژوهشگاه برنامه راهبردی تفکیک شده براساس پژوهشکده‌ها دارد که باید رساله و پایان‌نامه‌ها متناسب با برنامه راهبردی پژوهشگاه ارائه شود، که یکی از سیاست‌های مورد تأکید پژوهشگاه است.»

دکتر حسنی‌فر با اشاره به یکی از برنامه‌های مهم پژوهشگاه یعنی «طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» که در جهت کاربردی کردن پژوهش‌های دانشجویان است گفت: «در این رابطه برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای طرح‌های دانشجویی انجام شده و تلاش بر این است تا رساله و پایان‌نامه‌های دانشجویی در این راستا ارائه گردد. همچنین در پژوهشگاه دفتری با عنوان کرسی ترویجی و نوآوری وجود دارد که هدف از بخش نوآوری آن به نوعی تشویق و ایجاد انگیزه لازم برای انجام طرح‌های نوآورانه دانشجویان است.»

در پایان مراسم با اهدای جوایزی از دانشجویانی که با رتبه‌های برتر پذیرفته شده‌اند، تقدیر شد.







همکاری‌های علمی و پژوهشی با بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری



جلسه‌ی مقدماتی انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری‌های علمی و پژوهشی میان پژوهشگاه و بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری و افتتاح کرسی مطهری‌پژوهی، با حضور دکتر علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس بنیاد، دکتر محمد مطهری و دکتر محمد کوکب، مدیر انتشارات صدرا و اعضای هیأت مدیره‌ی بنیاد، به اتفاق اعضای هیأت علمی و هیأت رئیسه پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، ضمن معرفی این مرکز پژوهشی، پرداختن به میراث تفکر اسلامی و نواندیشی دینی را از جمله اهداف پژوهشگاه در چارچوب برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی دانست و تشکیل کرسی مطهری‌پژوهی را در همین جهت معرفی کرد.

در ادامه، دکتر شجاعی، مسئول راه‌اندازی کرسی مطهری‌پژوهی در پژوهشگاه، گزارشی از اقدامات صورت‌گرفته در این زمینه ارائه کرد. وی با اشاره به سخنی از شهید مطهری، گره‌گشایی از مشکلات جامعه و دفاع از جوهر آموزه‌های الهی اسلام را دغدغه‌ی ایشان در تمامی آثار دانست و تأکید کرد: «راه‌اندازی این کرسی با توجه به همین دغدغه انجام می‌شود.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه، با اشاره به کم‌توجهی به ظرفیت‌های آکادمیک برای پژوهش در آثار شهید مطهری و مواجهه امروزی با این میراث فکری به عنوان یکی از ضعف‌های پژوهش‌های علوم انسانی کشور، برنامه‌ی کرسی مطهری‌پژوهی در پژوهشگاه را در همین جهت معرفی کرد و ارائه‌ی آثاری که به رفع نیازهای امروزی کشور مدد می‌رساند را جهت‌گیری محوری آن دانست.

در ادامه دکتر محمد مطهری ضمن تقدیر از اقدام پژوهشگاه در راه‌اندازی کرسی مطهری‌پژوهی، قلت پژوهشگرانی که آشنایی عمیق و کافی با اندیشه‌های شهید مطهری داشته باشند را یکی از مشکلات موجود برشمرد و غرابت شهید مطهری در دانشگاه و حوزه را متذکر شد و راه‌اندازی کرسی را اقدام مبارکی برای رفع این نقیصه دانست.

وی با اشاره به سال ۱۳۹۸ که مصادف با صدمین سال ولادت و چهلیمین سال شهادت شهید مطهری است، برنامه‌ریزی برای نکوداشت این سال و اهدای جایزه‌ای علمی به نام ایشان را یکی از اقدامات پیشنهادی برای گشودن فضای آکادمیک در زمینه مطهری‌پژوهی اعلام کرد و همکاری بنیاد علمی



و فرهنگی شهید مطهری و پژوهشگاه علوم انسانی را گام مؤثری در این راه دانست. دکتر علی مطهری نیز در ادامه با تقدیر از اقدام پژوهشگاه در راه‌اندازی کرسی مطهری پژوهی، گفت: «این کار از مدت‌ها پیش مدنظر بنیاد بوده است. وی ابراز امیدواری کرد تا پژوهشگاه و بنیاد بتوانند با فهم مشترکی از مفهوم کرسی، برنامه عملیاتی برای همکاری مشترک تدوین کنند که بر اساس آن، به تربیت نیروهای پژوهشی آشنا به اندیشه‌های شهید مطهری اهتمام شود.»

در ادامه، دکتر کوکب، مدیر انتشارات صدرا، طی سخنانی با اشاره به تعبیر شهید مطهری

مینی بر نقش «حجاب معاصرت» در کم‌توجهی به اندیشه‌های بزرگان در زمان حیات‌شان، گذشت ۴۰ سال از شهادت ایشان را زمان مناسبی برای برطرف کردن این حجاب دانست و اقدام پژوهشگاه در همکاری با بنیاد شهید مطهری را در این راه بسیار مغتنم معرفی کرد.

اعضای هیأت علمی پژوهشگاه نیز در ادامه این جلسه نکاتی را برای برگزاری هرچه بهتر کرسی، مطرح و در این زمینه به بحث و گفتگو پرداختند. در نهایت مقرر شد نمایندگان پژوهشگاه و بنیاد، ضمن برگزاری جلسات تخصصی، متن مورد توافق تفاهم‌نامه را تهیه کنند.



مشارکت پژوهشگاه در برگزاری همایش بین‌المللی «دین، فرهنگ و فناوری»

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، در جلسه‌ای با رئیس شورای سیاست‌گذاری و مسئولین برگزاری همایش «دین، فرهنگ و فناوری» ضمن تأکید بر اهمیت موضوع، نسبت دین و فناوری در جهان امروز و نقش فرهنگ در ارتقای بهینه این رابطه، آمادگی پژوهشگاه را برای مشارکت در برگزاری این همایش اعلام کرد. در این جلسه حجت‌الاسلام، دکتر پارسانیا با تبیین فرآیندهای برگزاری همایش، مشارکت پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه در زمینه‌های فرهنگی، تاریخی، فلسفی، سیاسی و... را بسیار مهم دانست و از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دعوت کرد در این همایش مشارکت جدی داشته باشند. لازم به ذکر است تاریخ برگزاری همایش بین‌المللی «دین، فرهنگ و فناوری» و فرمت ارسال چکیده‌ها و مقالات و متعاقباً اعلام خواهد شد.



نشست شورای سیاستگذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی، معطوف به پیشرفت کشور»

هجدهمین نشست شورای سیاستگذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی، معطوف به پیشرفت کشور» در تاریخ ۳۱ تیرماه ۹۶ در حوزه ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اکثریت اعضا برگزار شد. در این نشست پس از بیانات دکتر قبادی، رئیس شورا و توضیح دبیر جلسه گزارشی از کارگروه -فعالیت‌های بین‌المللی- میان فرهنگی در حوزه علوم انسانی- ارائه شد. دکتر مصلح نیز گزارش مبسوطی در مورد تشکیل کارگروه و اهداف آن ارائه کرد که از جمله می‌توان به شناسایی کشورهایی که همچون ایران دغدغه علوم انسانی دارند، اشاره کرد. در بخش دوم این نشست، عملکرد گذشته طرح اعتلاء مورد بازنگری قرار گرفت که دکتر قبادی در این زمینه گفت: «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی باید در کنار انجام امور جاری خود، کار شاخصی هم داشته باشد که این کار شاخص، «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی، معطوف به پیشرفت کشور» است.» دکتر قبادی تأکید کرد: «در برنامه توسعه پژوهشگاه، ما موظف به ارتقای علوم انسانی در کشور شدیم که باید این طرح، مسأله‌محور باشد همچنین ضمن سه لایه‌ای بودن طرح (مبانی، تاریخ تحلیلی - انتقادی و کاربری علوم انسانی) باید در این کار هم دغدغه بومی داشته باشیم و هم اینکه بتوانیم در مرز دانش جهانی حرکت کنیم و با دغدغه‌های خارجی و بین‌المللی علوم انسانی ارتباط برقرار کنیم.» وی گفت: «ما پس از فعالیت طرح اعتلاء تلاشمان بر این اساس بوده که تک رشته‌ای و تک ساحتی حرکت نکنیم ضمن اینکه تلاش‌های ما باید خروجی و محصول داشته باشد البته ما دغدغه‌های نظری هم داریم.» در ادامه نشست اعضای حاضر دیدگاه‌ها، نقدها و پیشنهادهای خود را پیرامون آینده علوم انسانی در ایران مطرح کردند که دکتر قبادی رئیس شورا نیز به جمع‌بندی بحث پرداخت و مقرر شد مباحث و متن نشست هیجدهم شورای سیاستگذاری طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی با مشورت استادان برجسته علوم انسانی مورد ارزیابی قرار گیرد و در نشست آتی مطرح شود. یادآوری می‌شود در این جلسه، دکتر قبادی، دکتر محمدرضا بهشتی، دکتر داوری اردکانی، دکتر علم الهدی، دکتر علی اصغر مصلح، دکتر ملایی توانی، دکتر حسنی فر، دکتر ربانی زاده، دکتر امیری‌تهرانی‌زاده، مهندس حق‌شناس، دکتر کمالی‌زاده و... شرکت داشتند.

جلسات شورای مدیران و مشاوران طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی

در جلساتی که هر هفته در روزهای شنبه در حوزه ریاست پژوهشگاه برگزار شده است، موضوعات طرح‌نامه و فرایند ارزیابی طرح‌نامه‌های طرح اعتلاء، برای مدعوین جلسه ارائه گردیده و در ادامه اعضای این شورا، بعد از بحث و بررسی دستور جلسه و سایر موارد ارجاعی مصوبات را به تصویب رساندند.

هفتمین جلسه کمیته علمی «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی»

جلسه کمیته علمی، روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار گردید. پس از خوشامدگویی و بیانات اولیه رئیس پژوهشگاه، دکتر زیویار، دبیر کمیته علمی طرح اعتلاء، برنامه‌ها و دستور این جلسه را اعلام و سپس گزارش و توضیحات دیگری توسط دکتر فوزی جانشین رئیس در امور طرح اعتلاء به مدعوین جلسه اعلام گردید. در ادامه اعضای کمیته علمی درباره مباحث جاری طرح اعتلاء با یکدیگر تبادل نظر کردند و گزارش مدیران کارگروه‌های تخصصی کمیته علمی در مورد طرح‌نامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در انتهای این جلسه اعضای کارگروه‌های تخصصی پس از بررسی و تبادل نظر طرح‌نامه‌های مورد نظر را تصویب نمودند و مقرر شد برای بررسی مجدد در کمیسیون مبانی به کمیته علمی ارجاع شود.



برگزاری نمایشگاه دفاع مقدس در پژوهشگاه

به مناسبت هفته دفاع مقدس، نمایشگاهی به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی و بسیج پژوهشگاه برگزار شد. دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، در بازدید از این نمایشگاه ضمن تقدیر از تلاش‌های معاونت فرهنگی و بسیج، پیشنهادهایی را جهت بهبود و ارتقای سطح نمایشگاه ارائه کرد.





نشست «زن، رسانه و دفاع مقدس»



گروه پژوهشی مطالعات زنان، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، با همکاری پژوهشکده تاریخ اجتماعی ایران و معاونت فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه، نشست علمی «زن، رسانه و دفاع مقدس» را با حضور زهرا الماسیان (رزمنده و جانباز دفاع مقدس)، دکتر فاطمه داداشیان (عضو هیأت علمی دانشگاه امیرکبیر و مدیر کل دفتر آموزش عالی غیردولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، دکتر الهام ملک‌زاده (دبیر نشست و عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ اجتماعی ایران)، دکتر فاطمه راکعی (عضو هیأت علمی پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه، دبیر کل جمعیت زنان مسلمان نواندیش و مدیر عامل انجمن شاعران ایران) و دکتر محمود کریمی علوی (رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات) برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر ملک‌زاده، دبیر نشست، گفت: «موضوع زنان، رسانه و دفاع مقدس از دو منظر قابل بررسی است، ابتدا نقش رسانه در انتقال تجربیات و سوابق حضور زنان برای نسل آینده و دیگری، زنانی که به مثابه رسانه در دفاع مقدس نقش آفرینی کرده‌اند. زنانی که برای رزمندگان شعر، داستان، حماسه نوشتند، موسیقی، فیلم و تئاتر ساختند، عکس، خبر و گزارش تهیه کردند و شهید، جانباز یا اسیر شدند را نباید از نظر دور داشت. مقام زنانی که در دفاع مقدس حماسه آفریدند و در سنگرهای مختلف جبهه و پشت جبهه به مصاف دشمنان رفتند، همچنین نقش رسانه در ثبت این ایام و انتقال این تجربیات به نسل‌های آینده و حضور زنانی که خود در این جبهه‌ها رسانه زنده‌ای از این نبرد به شمار می‌آیند، ستودنی است.»

در ادامه جلسه دکتر صانع‌پور، مدیر گروه پژوهشی مطالعات زنان، نیز با ذکر این نکته که رشادت زنان در صحنه‌های دفاع مقدس، نتیجه اعتماد به نفسی است که امام خمینی به زنان دادند. در آن روزگاران زنان می‌توانستند به عنوان عضو مجلس خبرگان انتخاب شوند؛ چنانکه خانم منیره گرجی سال ۱۳۵۸ عضو خبرگان شد، و می‌دانیم خبرگان می‌توانند رهبری را بازخواست یا عزل و نصب کنند. همچنین از سه نفر نماینده‌های اعزامی امام به شوروی، یک نفر زن، یعنی خانم مرضیه دباغ بود. اگر این روند ادامه می‌یافت امروز زنان علاوه بر حضور در مجلس خبرگان رهبری، حداقل یک سوم از هر یک از قوای مقننه، مجریه و قضاییه را به خود اختصاص می‌دادند.



سپس خانم زهرا الماسیان رزمنده و جانباز دفاع مقدس به ایراد سخنرانی و بیان خاطرات خود پرداخت. وی که در آن زمان ۱۵ سال داشت و به عنوان پرستار خدمت می‌کرد اظهار کرد: «ما در تاریخ و در عظمت‌ها گم شدیم. جبهه جنگ گم شد. ما به واقع هرگز به نقش زنان در عرصه تاریخ جنگ و جبهه نپرداختیم. آیا خطراتی داشت که حقایقی که زنان در جنگ خلق کردند بازگو کنند؟ آیا تاکنون فیلمی ساخته شد که بتواند رسالت من دختر پانزده ساله را

در جبهه‌های جنگ چیزهایی که ما در کربلای خرمشهر دیدیم و مجاهدات زنان در این عرصه را بازگو کند؟ آیا می‌توانیم بگوییم که انقطاع زینب تمام شدنی است؟»

در ادامه این نشست دکتر محمود کریمی‌علوی به عنوان گزارشگر رادیو در زمان جنگ به ایراد سخنرانی پرداخت و گفت: «بعضاً از صحنه‌هایی که در جنگ مشاهده می‌کردم وقتی پشت میکروفن قرار می‌گرفتم، الهام می‌گرفتم. دکتر کریمی‌علوی در پایان صحبت‌های خود به ایراد شعر خود درباره زن پرداخت.»

در بخش دیگری از نشست دکتر فاطمه داداشیان به ایراد سخنرانی پرداخت و اظهار کرد: «زنان همواره در همه اعصار و قرون بسته به نوع فرهنگ و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند در مواقع خطر به شکل رزمنده، خبرنگار، پشت صحنه و خط مقدم به ایفای نقش می‌پرداختند. همان‌طور که مهم‌ترین رسانه‌ای که توانست عاشورا را به اعصار منتقل کند حضرت زینب(س) بود.»

وی افزود: «توسعه پایدار بدون امنیت شعاری بیش نیست و خداوند را شاکرم که جان برکفانی از جمله مردان و زنانی که در گذشته و حال این مملکت را محافظت می‌کنند در این راه قدم برداشتند.»

در پایان نشست دکتر فاطمه راکی گفت: «بزرگترین افتخاری که می‌تواند برای هر ملتی باقی بماند این است که زنان و مردان آن برای زیباترین امال و آرزوها انقلاب کردند و عزیزانشان را فدا کردند و در جنگ تحمیلی بزرگترین حماسه‌ها را آفریدند. آن عشق، ارزش و شجاعت‌ها باید ما را برانگیزد که راه را ادامه دهیم تا جایی که به افق روشن فردا برسیم و در راه توسعه با همه ایمان و اعتقادمان گام برداریم.»

ایشان سپس به ایراد اشعار خود در وصف جانبازان و همسران جانباز پرداخت.



جلسه هیأت رئیسه پژوهشگاه با دانشجویان

طبق روال سال‌های اخیر، در ابتدای نیمسال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶، هیأت رئیسه پژوهشگاه با هدف آشنایی با مسائل و مشکلات دانشجویان و کمک به رفع آنها، طی جلسه‌ای صمیمی در ساختمان تحصیلات تکمیلی، به سخنان آنها گوش داد. در ابتدای این جلسه، دکتر حسنی‌فر، مدیر تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه گزارشی از نتایج دیدارهای گذشته هیأت رئیسه با دانشجویان پژوهشگاه ارائه داد و آن‌را منشأ رخدادهای مثبتی برای دانشجویان عنوان کرد.

در ادامه، دانشجویان پژوهشگاه ضمن توضیح برخی مسائل در حوزه آموزشی و رفاهی دانشجویان، پیشنهادهایی را جهت ارتقا در این زمینه‌ها و گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی با سازمان‌های دیگر ارائه کردند و اعضای هیأت رئیسه نیز ضمن ارائه توضیحاتی درباره مسائل موجود، بر ضرورت پیگیری مسائل تأکید کردند. علاوه بر این، تصویب شد به منظور رفع مشکلات آموزشی دانشجویان، جلسه آتی شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه نیز با حضور و مشارکت دانشجویان برگزار شود.



بیست و چهارمین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت:

«بررسی شاخص‌سازی ترکیبی اقتصاد مقاومتی در ایران»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت، بیست و چهارمین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت را با موضوع «بررسی شاخص‌سازی ترکیبی اقتصاد مقاومتی در ایران» با ارائه دکتر وحید شقاقی، روز سه‌شنبه ۱۸ مهر برگزار کرد.



در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی، با اشاره به اهمیت مطالعه بر روی روش‌شناسی و الگوی شاخص‌سازی در زمینه‌های مختلف، اظهار داشت: «اقتصاد مقاومتی از حوزه‌هایی است که نیازمند رصد مدام و پیگیر است. در واقع، اقتصاد مقاومتی ملازم با پایش اقتصادی امنیت است و از این طریق باید مشخص شود اقتصاد در چه نقطه‌ای به مرز بحران می‌رسد؛ امری که به منظور سیاستگذاری از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار است.»

در ادامه دکتر شقاقی به طرح بحث در رابطه با شاخص‌سازی در حوزه اقتصاد مقاومتی پرداخت و گفت: «به لحاظ کلی اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی - اقتصادی و اتخاذ راهبردهایی است که: ۱. آسیب‌پذیری کشور را در مقابل ریسک‌های متعددی که اقتصاد را تهدید می‌کند کاهش می‌دهد. ۲. به افزایش انعطاف‌پذیری و کارآمدی اقتصاد ملی کمک می‌کند. ۳. ظرفیت‌های بالقوه‌ای در اقتصاد ایجاد می‌کند تا بتواند خطر تخریب ساختار و زایل شدن پایداری را از بین ببرد.»

وی در ادامه گفت: «اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، فرصت‌ساز، پویا و پیشرو، برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و هدف آن عینیت‌بخشیدن به الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام است. در رویکرد اقتصاد مقاومتی، محورهای تغییرناپذیری وجود دارد که حفظ آنها از ضرورت‌های انکارناپذیر است و بدون آنها مقاومت از قدرت کافی برخوردار نیست. این محورها عبارتند از: حفظ دستاوردهای کشور، تداوم پیشرفت، تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله، نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی و مردمی بودن اقتصاد، دستیابی به اقتصاد متکی به دانش و فناوری، تحقق عدالت بنیانی در اقتصاد، درون‌زاسازی روندهای اقتصادی، برون‌گرا بودن اقتصاد، رشد پویا و پیشرو بودن اقتصاد، و همچنین برقرارسازی الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام.»

دکتر شقاقی تأکید کرد: «برای محاسبه شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی محورهایی احصاء شده‌اند که با ابتناء بر آنها می‌توان سنجه‌ها و نماگرهایی را به منظور پایش اقتصاد مقاومتی تولید نمود که در ادامه محورهای یاد شده می‌آید و رو به روی هر کدام از محورها که برخی از سنجه‌های آنها نیز اشاره خواهد شد:



۱- بخش پولی (که با شاخص‌هایی نظیر نرخ تورم، نرخ سود سپرده‌های بانکی، نرخ بهره واقعی و نرخ رشد نقدینگی سنجیده می‌شود).

۲- بخش مالی (که با شاخص‌هایی نظیر نسبت نقدینگی بخش خصوصی، میزان بدهی مالی دولت به بانک‌ها و غیره سنجیده می‌شود).

۳- بخش تجارت خارجی (برونگرایی اقتصاد) (که با شاخص‌هایی نظیر تراز صادرات غیر نفتی، تراز تجارت خارجی و سهم واردات سنجیده می‌شود).

۴- توسعه اجتماعی (شاخص‌های عدالت) (که با شاخص‌هایی نظیر کاهش ضریب جینی، شاخص ادراک فساد و سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین سنجیده می‌شود).

۵- اثربخشی دولت و ثبات اقتصاد کلان (درونزایی اقتصاد) (که با شاخص‌هایی نظیر نرخ تورم، نرخ بیکاری، افزایش درآمد سرانه و غیره سنجیده می‌شود).

۶- توسعه علم و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان (که با شاخص‌هایی نظیر تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، صادرات محصولات دانش‌بنیان، شاخص جهانی حق مالکیت معنوی، شاخص کاربران اینترنت، دولت الکترونیک و سرمایه انسانی سنجیده می‌شود).

با این وجود، دکتر شقاقی با ذکر آمار و ارقام‌های مربوط به شاخص برون‌گرایی اقتصاد، وضعیت اقتصادی کشور را در این زمینه، مطلوب ندانسته و معتقد بودند که انتظارات مد نظر از الگوی اقتصاد مقاومتی برآورده نشده است. از جمله آنکه سهم صادرات به ۴ کشور اصلی در سال ۱۳۹۵، ۵۷،۲۹ درصد و سهم واردات از ۴ کشور اول در سال ۱۳۹۵: ۵۳،۴۷ درصد بوده است که نشانگر محدود بودن دایره حرکت ایران در اقتصاد جهانی است و همچنین شاخص رقابت‌پذیری ایران ۷۶ ام جهان، شاخص آزادی اقتصادی ۱۷۱ ام جهان و شاخص سهولت کسب و کار ۱۲۰ ام جهان است که بیانگر مشکلات بنیادین در حوزه اقتصاد کشور است. برآیند این آمارها در حوزه اقتصادی آن است که سهم صادرات غیرنفتی ایران از کل صادرات جهانی ۲ درصد و سهم واردات ایران از کل واردات جهانی ۱،۹۷ درصد است.

در پایان آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست، ضمن ارائه جمع‌بندی نهایی جلسه خاطر نشان ساخت با توجه به اهمیت مضاعف مبحث اقتصاد مقاومتی در شرایطی امروز جامعه ایرانی، جلسات و نشست‌های تخصصی به‌منظور تمهید زمینه‌های شاخص‌سازی برای پایش اقتصادی امنیت ضروری بوده و در باب این موضوع جلسات دیگری نیز برگزار خواهد شد.



بیست و سومین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت:

«متدولوژی شاخص‌سازی ترکیبی»

(کارکرد تحلیل‌های چندمتغیره در تدوین شاخص‌های ترکیبی)



گروه پژوهشی جامعه و امنیت، بیست و سومین نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی و ارزیابی وضعیت امنیت را با موضوع «متدولوژی شاخص‌سازی ترکیبی (کارکرد تحلیل‌های چندمتغیره در تدوین شاخص‌های ترکیبی)» با ارائه دکتر مهدی رجبیون در تاریخ ۴ مهرماه برگزار کرد.

در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص‌سازی، ضمن تسلیت ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در رابطه با بیست و سومین نشست، نکاتی را خاطر نشان کرد؛ «تاکنون عمده مباحث مطرح شده در نشست‌های مطالعات راهبردی

از جمله نشست شاخص‌سازی جنبه مطالعات بنیادین داشته و دارای صبغه نظری بوده‌اند اما در عین حال مباحثی کارکردی به شمار می‌آیند که با رویکرد حل مسئله در پی توصیف، تبیین و تحلیل فرصت‌ها و آسیب‌ها در راستای ایجاد فهمی سیاستگذارانه از مسائل طرح می‌شوند. موضوع «متدولوژی شاخص‌سازی ترکیبی (کارکرد تحلیل‌های چندمتغیره در تدوین شاخص‌های ترکیبی)» نیز از همین دست موضوعات است و با توجه به آنکه پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران در رابطه با اجرای طرح بررسی روایی و پایایی شاخص‌های امنیت اجتماعی در ایران همکاری‌ای را با مرکز مطالعات جامعه و امنیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز کرده است، این نشست می‌تواند در راستای طرح مقدمات نظری و کارکردی طرح مزبور مفید واقع شود.»

وی ادامه داد: «یکی از معضلات موجود در مسیر شاخص‌سازی در ایران، موازی‌کاری در زمینه مزبور می‌باشد. تا جاییکه در برخی از حوزه‌ها نظیر حوزه امنیت ارکان متعددی به طور موازی به تولید اطلاعات، سیاست‌ها و راهبردهای امنیت مبادرت می‌ورزند که این خود موجب تشتت و سردرگمی در شناسایی و تحلیل وضع موجود می‌شود. در این راستا، یکی از بهترین ابزارها به منظور تجمیع داده‌ها و رصد آنها و استفاده از شاخص ترکیبی توسط یک مرکز واحد می‌باشد. ضرورت شاخص‌سازی در ایران از آن رو مهم است که به منظور سیاست‌گذاری، سیاست‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح کلان نمی‌توان بدون داده‌های لازم موفق بود.»

در ادامه آقای دکتر مهدی رجبیون بیان کرد: «ضرورت شاخص‌سازی بر همگان آشکار است، به‌ویژه شاخص ترکیبی که با ادغام چندین شاخص در درون خود، پهنه گسترده‌تری از واقعیات علمی و حقایق نظری را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. شاخص‌های ترکیبی به طور روزافزون به عنوان یک ابزار مفید در جهت ممیزی کارایی کشورها در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. این شاخص‌ها می‌توانند به عنوان یک ابزار ساده برای مقایسه کارایی یک کشور در مورد مسائل پیچیده و بعضاً بغرنج در سالیان متمادی و همچنین مقایسه کشورها با یکدیگر در سطح بین‌المللی به کار برده شود. و حتی چنین به نظر می‌رسد که عموم جامعه نیز از شاخص‌های ترکیبی تفسیر بهتری دارند تا از تفسیر روندها به‌واسطه تعداد زیادی از شاخص‌ها. زیرا شاخص‌های ترکیبی بسیار شبیه به مدل‌های ریاضی و یا مفهومی هستند. بدین معنی که تدوین این شاخص‌ها بیشتر به مهارت مدل‌ساز بستگی دارد





تا به یکسری از قوانین پذیرفته شده عمومی برای تدوین شاخص‌ها و در زمینه مدل‌ها، توجیه یک شاخص ترکیبی به سازگاری شاخص مزبور با اهداف مورد نظر و همچنین توافقی سایر همکاران بستگی می‌یابد. در واقع، این شاخص‌ها به یک معنا خلاصه و یا جمع بندی از شاخص‌های متفرد هستند و صاحب‌نظران حوزه

شاخص‌سازی معتقدند که یک چنین خلاصه‌ای از آمارها (شاخص ترکیبی) می‌تواند واقعیت را بهتر نشان داده و معنای بهتری از رویدادها ارائه نماید و همچنین به غایت در جلب توجه رسانه‌ها و نتیجتاً جلب نظر سیاستگذاران مفید واقع افتد.»

در این نشست همچنین به اهمیت آمارها و ضرورت شاخص‌سازی به صورت متمرکز و مستقل از نهادها اجرایی نیز اشاره و بر لزوم ارتقاء جایگاه نهادهای شاخص‌سازی و آمارگیری به مثابه نهادهای رصدکننده امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اشاره شد. در این راستا، برخی از تنگناهای موجود در مراکز آمار کشور و همچنین عملکرد موازی نهادهای دخیل در رصد آمار در کشور مطرح گردید و در رابطه با امکان جدایی نهاد اجرا از نهاد نظارت مباحثی مطرح شد. در واقع، به منظور رفع مشکل در حوزه ارائه آمارهای کلان و شاخص‌سازی مستقل بودن نهاد ذی‌ربط شرط اصلی در کیفیت آمارها و همچنین تضمینی برای سلامت آنها محسوب می‌شود.

در پایان آقای محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع بندی نهایی جلسه با اشاره به اهمیت روش‌شناسی در تحقیقات علمی، خاطر نشان کرد: «تدوین شاخص ترکیبی در زمره یکی از مهمترین ابزارها به منظور رصد وضع موجود می‌باشد و طرح بررسی روایی، پایایی و اعتبار سنجی شاخص‌های امنیت اجتماعی در ایران نیز در راستای تدوین شاخص ترکیبی مناسب به منظور رصد وضعیت امنیت است.»



نقد و بررسی کتاب

«پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی»

جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران

پژوهشکده علوم تاریخی با همکاری انجمن ایرانی تاریخ، نشست نقد و بررسی کتاب «پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی» نوشته دکتر مهدی کیوانی را با حضور دکتر شهرام یوسفی‌فر، احمد ابوحمزه و سعید نجار، روز یکشنبه دوم مهرماه برگزار کرد.

این نشست با هدایت دکتر شهرام یوسفی‌فر عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس هیأت مدیره انجمن ایرانی تاریخ و همچنین دکتر یزدان فرخی، مترجم اثر و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور، برگزار و جمع منتقدان به ارائه نظرات و آرای خود پرداختند و در پایان نشست نیز جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.

کلیات مباحث نشست به این شرح بود: در ابتدای نشست دکتر شهرام یوسفی‌فر به عنوان سرپرست «طرح نقد و بررسی تخصصی کتاب‌های حوزه تاریخ اجتماعی» توضیحاتی درباره اهداف این طرح و فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه ارائه کرد و افزود: «هسته اولیه طرح از جلسات کلاس‌های درس مقطع دکتری رشته تاریخ ایران دوره اسلامی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۳ شکل گرفت و در همین راستا دو هدف اصلی مورد توجه بود: نخست، حرکت به سوی تدوین ساختار و الگویی تقریباً جامع برای نقد تخصصی آثار و کتاب‌های منتشر شده در حوزه تاریخ ایران و به‌ویژه حوزه تاریخ اجتماعی و دوم، استفاده حداکثری و حقیقی از ظرفیت‌های کار جمعی و مشارکتی در نقد و رسیدن به این الگو بود.» ایشان ضمن اشاره به وجود شیوه‌های گوناگون نقد و بررسی آثار منتشر شده در حوزه علوم انسانی و رشته تاریخ افزود: «هرچند که در میان روش‌های گوناگون نقد و بررسی، برخی از اقبال بیشتری برخوردار هستند اما این به معنای استاندارد بودن و بی‌عیب و کاستی بودن این شیوه‌ها نیست، به همین منظور شایسته است تا اقداماتی روشمند و معطوف به اهداف مشخص از سوی نهادهای علمی و متخصصان صورت گیرد که این فعالیت اخیر نمونه‌ای از این دست محسوب می‌شود، تأکید می‌شود الگوی ارائه شده در این کار نیز مسلماً خالی از اشکال و کاستی نبوده و تنها نخستین قدم‌ها برای رسیدن به اهداف اشاره شده است و نیازمند بررسی و واکاوی از سوی دیگر منتقدان و همچنین استادان متخصص و صاحب‌نظر است.»

وی افزود: «این طرح در مباحث درسی دانشجویان دکتری تاریخ پژوهشگاه در سال ۹۳ شکل گرفت و به دلیل وجود برخی ظرفیت‌ها در این دانشجویان اجرای مرحله نخست آن نیز با همراهی آنها عملیاتی شد. در همین راستا، تعداد زیادی از آثار منتشر شده در ۵ سال منتهی به سال ۱۳۹۳ در حوزه تاریخ اجتماعی و به‌ویژه تاریخ اجتماعی ایران شناسایی شدند و پس از بررسی‌های اولیه ۵ اثر بر اساس مجموعه‌ای از ویژگی‌ها دارای شرایط برای بررسی و نقد شناخته شدند، و از میان آن کتاب‌ها، اثر استاد دکتر مهدی کیوانی، با وجود اینکه به تقریب ۳۵ سال از چاپ و انتشار آن به زبان انگلیسی می‌گذشت اما تازه به زبان فارسی ترجمه شده بود -در سال ۹۲- برای بررسی و نقد تخصصی انتخاب شد. چارچوب اولیه برای نقد، طی جلساتی به بحث و بررسی گذارده شد و در نهایت بر اساس آنچه که نهایی شد، بررسی کتاب پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی آغاز شد.»

دکتر یوسفی‌فر در پایان این بخش ضمن اشاره به ارزش کتاب، ویژگی‌های خاص و توانمندی مؤلف در گردآوری و ارائه اطلاعات و در نهایت تدوین کتابی کم‌نظیر در نوع خود و در زمان انتشار، افزود: «آنچه که در ادامه این نشست به وسیله هریک از دست‌اندر کاران طرح ارائه خواهد شد حاصل همین ساختاری است که تاکنون به آن رسیده‌ایم و نیازمند اعلام نظر صاحب‌نظران است.»

در ادامه نشست، ۵ منتقد به ترتیب به ارائه آرای خود درباره اثر پرداختند. احمد ابوحمزه، عضو هیأت



علمی دانشگاه فرهنگیان، ضمن ارائه نکات تکمیلی درباره شکل‌گیری طرح، تعداد جلسات مشترک برگزار شده بین اعضا و همچنین چگونگی رسیدن به اشتراک نظر بعد از مجموعه تضارب آراء، به ارائه بخش نخست بررسی و نقد کتاب در قالب: «معرفی اثر و مشخصات کلی آن؛ بخش‌بندی‌ها، فصول و محورهای اصلی کتاب و میزان ارتباط ساختاری و ارگانیک میان این بخش‌ها» پرداخت. در ادامه درباره جایگاه خانوادگی و مدارج تحصیلی مؤلف اثر استاد مهدی کیوانی، مطالبی ارائه و به اختصار دیگر آثار ایشان در حوزه تاریخ اجتماعی و همچنین مرتبط با اثر را برشمردند. بخش دیگر صحبت‌های وی درباره جایگاه علمی و تخصصی مترجم اثر بود. ایشان ضمن برشمردن هریک از اطلاعات درباره زندگی و کارنامه علمی مؤلف و مترجم اثر به ارتباط و پیوستگی‌های آن با خود اثر اشاراتی داشتند. سخنان و آرای دو عضو بعدی «طرح نقد و بررسی تخصصی کتاب‌های حوزه تاریخ اجتماعی» در راستای بررسی پیشینه توجه و پژوهش در حوزه موضوعی اصناف و پیشه‌وران در خارج و داخل ایران اختصاص داشت.

امیر صمدیان‌آهنگر، ارائه بررسی خود را با طرح نکاتی درباره نگاه و شیوه پژوهش استاد کیوانی در این اثر آغاز کرد و درباره تأثیر روش‌شناختی برخی پژوهشگران و نظریه‌پردازان پیشرو در اروپا بر روش مؤلف کتاب گمانه‌هایی را طرح کرد. در ادامه همین موضوع درباره روند شکل‌گیری «Guild» در برخی کشورهای اروپایی، ارتباط اصناف با شهر و تحولات شهرنشینی و همچنین چگونگی ایجاد توجه به موضوع



صنف و حواشی مرتبط با آن، در پژوهش‌های پیشرو اروپائیان و از جمله آرای «کارل مارکس» و «ماکس وبر» مطالبی بیان کردند. اشاره‌هایی درباره ارتباط این پیشینه با مجموعه‌های «انجمن اخوت» در اروپا و تجلی آن در پژوهش‌های متقدم و متأخر و همچنین

نظریه‌های خاورشناسان شوروی درباره اصناف شرقی و... از بخش‌های پایانی صحبت‌های صمدیان آهنگر بود.

در ادامه قشقای نژاد ضمن اشاره به بخش بعدی چارچوب نقد طراحی شده، به تبیین آرای شاخص و نظرات پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی درباره اصناف و پیشه‌وران در ایران پرداخت. وی ضمن اشاره اجمالی به آثار برخی محققان غیرایرانی درباره اصناف ادوار گوناگون تاریخ ایران، از پژوهشگران شاخص ایرانی همچون «احمد اشرف» «سید کاظم روحانی» «احمد سیف» «عباس ولی» «حسین سلطان‌زاده» «سیدمحسن حبیبی» «ابوالفضل رضوی» «شهرام یوسفی‌فر» و غیره که در تحقیقات خود به اصناف توجه داشتند، یاد کرد و جایگاه اصناف و پیشه‌وران در آثار آنها به اجمال معرفی و بررسی شد. همچنین در ادامه به برخی آثار در سنت پژوهشی مارکسیستی در این موضوع اشاره کرد. بخش پایانی صحبت‌های ایشان اشاره به دو پژوهش مرتبط با موضوع کتاب «پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی» بود که در بازه زمانی نزدیکی با این اثر در غرب منتشر شدند اما دو اثر «امین بنانی» و «داریوش نویدی» درباره اصناف فاقد رویکردی خاص بودند.

عضو دیگر طرح، به‌رنگ ذوالفقاری، ضمن تأکید مجدد بر نقاط قوت و جایگاه اثر به‌ویژه در زمان انتشار، و یادآوری سابقه برگزاری یک نشست تخصصی دیگر برای نقد و بررسی این کتاب با همت انجمن جامعه‌شناسی ایران در سال ۹۴، محور صحبت‌های خود را به نقد «روش مؤلف و تئوری اثر» اختصاص داد. ایشان با اشاره به مطالب دیگر همکاران‌شان درباره زندگی علمی استاد کیوانی، سعی

کردند به بازنمایی فرضی شرایط انتخاب موضوع این کتاب به عنوان پایان نامه دکتری جناب کیوانی در دانشگاه دورهام انگلستان از سال ۱۳۵۵ تا زمان دفاع در سال ۱۳۵۸ خورشیدی بپردازند و بر همین اساس، با توجه به نتیجه گیری اثر، این فرضیه را طرح کرد که شاید نقطه آغاز پژوهش دکتر کیوانی، تحولات جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر بود و کیوانی بعد از آن، برای تبارشناسی این تحولات به سراغ تاریخ اجتماعی عصر صفوی رفته‌اند.

در ادامه درباره رویکردها و نگاه استاد کیوانی در این اثر، نکات و فرضیه‌هایی با محوریت «گسست تاریخی»، «نگاه نه چندان مثبت به حکومت عصر صفوی» و همچنین لزوم حفظ قواعدی برای مقایسه ادوار تاریخی ایران و کشورهای مشخص اروپایی و... طرح شد. آخرین عضو طرح، سعید نجار، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور بود که از منظر نقد درون‌متنی به بررسی کتاب پرداخت. ایشان در زمینه محورهای چون: کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی؛ کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی؛ جامعیت محتوا و موضوع؛ نقد منابع و مآخذ مورد استفاده و استفاده کافی از منابع و... برای تبیین موضوعات؛ روزآمدی داده‌ها و اطلاعات؛ میزان دقت در ارجاعات و استنادات و... نکاتی ارائه کردند.

در ادامه دکتر یزدان فرخی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور به عنوان مترجم اثر، ضمن ذکر یادیه از مؤلف محترم کتاب و تأکید بر اینکه شایسته بود شرایط حضور استاد کیوانی در این جلسه فراهم می‌شد، خاطر نشان کرد: «با حضور دکتر کیوانی شاید روند جلسه و مباحث به گونه‌ای دیگر پیش می‌رفت و ایشان مسلماً برای بسیاری از نکات طرح شد. نکات تکمیلی و همچنین پاسخ‌هایی داشتند که قابل طرح بود.» دکتر فرخی در ادامه به تشریح شرایط انتخاب اثر برای ترجمه و همچنین سختی‌ها و مشکلاتی که در دوران ترجمه و بعد از آن تا زمان چاپ اثر پیش آمد اشاره کرد. وی ضمن شرح ویژگی‌ها و شاخصه‌های ارزشمند کتاب «پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی: جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران» افزود: «متأسفانه با گذشت بیش از سه دهه از تدوین و انتشار این کتاب، نه تنها اقدامی برای ترجمه آن صورت نگرفت، بلکه جامعه علمی تاریخ نیز آنچنان که شایسته بود به اثر رجوع نکردند. در حالی که بلافاصله بعد از چاپ و انتشار کتاب، نقدهای مهم و البته گاه گزنده‌ای از سوی تعدادی از محققان توانمند آن روزگار در غرب منتشر شد. موضوع مهم‌تر اما اینجاست که محورهای طرح شده بسیاری در این اثر هست که همچنان به صورت کار نشده باقی مانده است و زمینه‌های پژوهشی فراوانی در حوزه تاریخ اجتماعی اصناف و پیشه‌وران همچنان مغفول باقی است.»

دکتر فرخی ضمن اشاره به ارزش‌های این پژوهش که از سوی یکی ایرانی با امکانات محدود چند دهه پیش صورت پذیرفت به برخی کاستی‌ها و ضعف‌های پژوهش‌های انجام شده از سوی محققان غربی اشاره کرد و افزود: «متأسفانه برخی از این آثار غربی به شدت مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار گرفته و بدون رویکرد انتقادی مورد استناد و استفاده واقع می‌شوند، در حالی که باید از پژوهش‌های قدیمی گذر کرد و با رویکردها و روش‌های جدید، نگاهی نو به منابع کهن داشت و زمینه تحقیقات جدید را فراهم ساخت.» این نشست بعد از گذشت ۲ ساعت با طرح سؤالاتی از سوی دیگر حضاران و ارائه پاسخ توسط استادان حاضر در جلسه و اعضای طرح نقد، پایان یافت.



نشست ارائه و نقد ایده مبانی تاریخ اجتماعی ایران

در قالب نقد و بررسی کتاب «مبانی تاریخ اجتماعی ایران»

پژوهشکده علوم تاریخی با همکاری انجمن ایرانی تاریخ نشست نقد کتاب «مبانی تاریخ اجتماعی ایران» را با حضور دکتر شهرام یوسفی فر و دکتر ملایی توانی روز یکشنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۹۶ برگزار کرد. این جلسه چهارمین نشست تخصصی از سلسله نشست‌های مطالعات تاریخ اجتماعی و اولین نشست از سلسله کرسی‌های ترویجی با رویکرد ارائه و نقد ایده علمی به حساب می‌آید که با حضور مؤلف اثر، دکتر فریدون اللهیاری برگزار گردید.

دکتر شهرام یوسفی فر، رئیس هیأت مدیره انجمن و دکتر علیرضا ملایی توانی، رئیس پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه، نقد و ارزیابی اثر را بر عهده داشتند. در ابتدای نشست دکتر حسنی فر مدیر جلسه، توضیحاتی در باب نشست ارائه داد و جهت آغاز جلسه از دکتر یوسفی فر برای ایراد سخنانشان دعوت کرد.

دکتر یوسفی فر در ابتدا برای مقدمه بحث، به طرح فلسفه، تشکیل نشست‌های نقد و محاسن و مضار آن پرداخت و معیارهای مهم نقد علمی را تشریح و تبیین نمود. در ادامه دکتر ملایی توانی نکاتی در باب ویژگی‌های



کتاب ذکر نمود و تفاوت‌های اثر آن را با تحقیقات پیشین از جمله کتاب «مبانی تاریخ اجتماعی ایران» تألیف دکتر رضا شعبانی ذکر کرد. وی به ارائه نکاتی پیرامون آسیب‌شناسی نشست‌های نقد آثار علمی در ایران پرداخت.

در ادامه نشست، دکتر اللهیاری، مؤلف اثر به معرفی کتاب، انگیزه‌ها و اهداف نگارش اثر پرداخت. ایشان به سختی‌های مضاعف کار در حوزه تاریخ اجتماعی و ضرورت‌های پرداختن به این حوزه اشاره کرد و گفت: «رویکردهای آغازین توجه به تاریخ اجتماعی در ایران توسط افرادی که گرایش‌های مارکسیستی داشتند مورد توجه قرار گرفت. عدم وجود منبع آموزشی مناسب برای درس تاریخ اجتماعی در مقاطع مختلف دانشگاهی از دلایل توجه به این موضوع به حساب می‌آید. تغییر سرفصل‌های متون دانشگاهی سبب گردید با این رویکرد جدید به تدوین این اثر منجر گردید. تعریف ۴

رساله در مقطع دکترای دانشگاه اصفهان در حوزه تاریخ اجتماعی نقطه آغازین این تلاش قرار گرفت. در فصل اول کتاب به شناسایی هویت اجتماعی ایرانیان پرداخته شد. سه محور اصلی بحث جغرافیا، جمعیت و حاکمیت است. فصول دیگر این کتاب به گونه‌های اجتماعی و ترکیب جمعیتی، تقسیم‌بندی اجتماعی و حکومت در تاریخ ایران پرداخته است.»

در ادامه نشست، دکتر یوسفی فر به بیان نکات خود پیرامون موضوع تاریخ اجتماعی، اهداف و مأموریت این نظام دانشی و چگونگی تحقیق در این حوزه پرداخت. دکتر یوسفی فر تأکید کرد: «این کتاب در چارچوب متون دانشگاهی مورد توجه و نقد قرار خواهد گرفت. به دلیل عدم وجود سابقه پیشینی مدون در زمینه تاریخ اجتماعی در ایران، نوشتن کتاب در این حوزه بسیار دشوار است.» ایشان در ادامه به امکان تأسیس دانش تاریخ اجتماعی در ایران اشاره کرد و گفت: «امکان ایجاد حوزه معرفتی دانش تاریخ اجتماعی در ایران که مدتی اندکی است که با آن آشنا شده‌ایم چگونه است؟ تاریخ اجتماعی در جوامع توسعه یافته تولید شده است و البته مصرف‌کننده اصلی هم آنها هستند. در ایران موانعی وجود دارد که امکان تأسیس و توسعه این نظام دانشی با دشواری‌هایی در حوزه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی همراه است.» وی تأکید کرد: «تاریخ اجتماعی، تاریخ روایت نشده‌هاست نه منحصرأ تاریخ فرودستان. به عنوان مثال تاریخ نظام‌های اخلاقی، تاریخ ذهنیات مردم از جمله موضوعات این

حوزه مطالعاتی است. تاریخ اجتماعی بخش‌های روایت نشده جامعه را که از حیث رسمی و جریان مسلط بر جامعه ارزش روایت ندارند را مورد توجه قرار می‌دهد. سخن گفتن از مردمان و فرهنگ و ذهنیت مردمانی که ارزش روایت به تعبیر ساختار سیاسی و فرهنگی مسلط بر جامعه ندارد، در حوزه تاریخ اجتماعی مورد توجه است. هنگامی که می‌خواهید در باب گروه‌ها، جریان‌های اجتماعی، نهادها و آموزه‌ها که تحت قرائت رسمی جامعه قرار ندارند، روایت کنید با مقاومت نظام‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و قوانین رسمی مواجه می‌شوید؛ چرا که آنها از پیش داوری شده‌اند و این امر به عنوان اولین مانع در این حوزه، نمود می‌یابد. دانش تاریخ اجتماعی در ارتباط با توسعه و تعمیق دموکراسی در جامعه کارکرد دارد از این معمولاً حیث مورد توجه حاکمیت قرار نمی‌گیرد. بحث‌هایی که در تاریخ اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد امکان اقدامات دموکراتیک و توسعه دموکراتیک را فراهم می‌آورد چراکه تاریخ اجتماعی به حوزه‌هایی چون حقوق اقلیت‌ها و گروه‌ها و افراد غیررسمی می‌پردازد و امکان رسمیت یافتن حقوق آنها را فراهم می‌آورد. از مشکلات حوزه تاریخ اجتماعی در دانشگاه‌های ایران، بخش آموزش است. برای آموزش دروس دانشگاهی سرفصل‌های مشخصی را پیش روی نویسندگان می‌گذارند که از آن می‌توان به بحران سرفصل‌ها یاد کرد. سرفصل‌هایی که جامع و به روز نیست و امکان مشکلات و بدفهمی‌های را در دروس فراهم می‌آورد. بازنگری در نحوه نگرش محققان تاریخ اجتماعی به موضوع‌های اجتماعی در گستره تاریخی، باید متناسب با معیارهای استاندارد حوزه نظام دانشی تاریخ اجتماعی باشد که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. باید احتیاط کرد که نگاه رسمی حاکم بر تاریخ‌نگاری رسمی، بر تحقیقات تاریخ اجتماعی تسلط نیابد. متأسفانه تسلط تاریخ سیاسی بر محورهای درسی و سرفصل‌های درسی دانشگاهی همچنان وجود دارد و ما نتوانستیم این چارچوب‌ها را تغییر دهیم.»

وی در ادامه گزارشی از حوزه‌های اصلی مطرح در مطالعات تاریخ اجتماعی که در کتاب مورد نظر مطرح نشده است، ارائه کرد.

در ادامه دکتر ملایی توانی نکاتی پیرامون نقد کتاب مبانی تاریخ اجتماعی ایران ارائه کرد و اظهار داشت: «مؤلف با توجه به این نکته که انتشارات دانشگاهی «سمت»، متولی نشر این اثر نبود می‌توانست خود را از چارچوب‌های مشخص متون دانشگاهی رها کند و با فراق بال بیشتری به نگارش متن بپردازد. در اثر حاضر مسئله ما در تاریخ اجتماعی مشخص نیست؟ دشواره‌ها و چالش‌ها چیست؟ چه نوع مناقشات نظری، مفهومی و اجتماعی پیرامون موضوع وجود دارد؟ یکسری ایده‌ها در خصوص تاریخ اجتماعی ایران پیشتر توسط افرادی طرح شده که باید بدان‌ها پرداخته می‌شد. مشکل دیگری که در این کار است، عنوان اثر است. در کتاب به توصیف ساختارهای اجتماعی ایران پرداخته می‌شود. در حالیکه در مبانی باید به پس پرده ساختارهای اجتماعی رفت و بر اساس دستگاه‌های نظری و مفهومی ساختارها را بررسی کنیم. نکته دیگر وجه میان رشته‌ای موضوع است. ما انواع تاریخ‌نگاری در حوزه تاریخ اجتماعی داریم. دکتر اللهیاری مشخص نکردند از چه منظر و رهیافتی می‌خواهند به مباحث اجتماعی بپردازند. در این اثر هیچ نظریه‌ای در باب حیات اجتماعی ایران و مبانی تاریخ اجتماعی ایران طرح نشده است. راز ماندگاری ساختارهای اجتماعی ایران چیست در حالی که ما در معرض تهاجمات شکننده‌ای قرار داشته‌ایم؟ این پرسش می‌توانست در این اثر پاسخ داده شود. این ساختارها از زمان آشنایی ایرانیان با مدرنیته غربی تغییر کردند که چگونگی آن نیز می‌توانست مورد بحث قرار گیرد. چگونه مباحث تاریخ اجتماعی ایران را در ساحت زمان اکنون مان بینیم؟ نهاد‌های اجتماعی مانند خانواده و مذهب که در تاریخ ایران بسیار مورد اهمیت بوده است مورد توجه در کتاب قرار نگرفته است. شیوه زیستی و معیشتی ایرانیان نیز مورد بحث قرار نگرفته است.»



شانزدهمین کرسی ترویجی

«خوانش فرهنگی از متن؛ شرط لازم در تحلیل متون تاریخ‌نگارانه (مطالعه موردی دوره اول قاجار)»

دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی پژوهشگاه علوم انسانی با همکاری دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره، شانزدهمین کرسی ترویجی خود را با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی، با عنوان «خوانش فرهنگی از متن؛ شرط لازم در تحلیل متون تاریخ‌نگارانه (مطالعه‌ای در دوره اول قاجاریه ۱۲۶۴-۱۲۱۰ ه.ق)» را با ارائه دکتر محمد امیر احمدزاده در ۲۰ مهر ۱۳۹۶ برگزار کرد.



دکتر احمدزاده عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی، در زمره کسانی است که در حدود یک دهه است مطالعات پژوهشی خود را بر روی تاریخ فرهنگی متمرکز کرده و در این مسیر به نقش مناسبات هویتی، ساخت‌های زبانی، مؤلفه‌های روان‌شناختی در خلق معنا در متون تاریخ‌نگاری توجه کرده است. احمدزاده چندی پیش در شانزدهمین کرسی ترویجی با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی به بیان دیدگاه‌های خود در رابطه با تاریخ‌نگاری فرهنگی پرداخت و ضمن نقد رویکردهای مبتنی بر تاریخ‌نویسی سیاست محور کوشید که نشان دهد که

تاریخ ایران چه میزان نیازمند به کار بست رویکرد فرهنگی برای تحلیل و درک بیشتر از متونی است که در یک بستر فرهنگی-اجتماعی خلق شده‌اند. وی عمدتاً در مطالعات خود بر روی تحلیل و تفسیر از منابع تاریخ‌نگارانه نیمه نخست حکومت قاجاریه تمرکز کرده است و علت این امر را اهمیت این دوره به عنوان عصر رویارویی بزرگ و وقوع بحران جدی در عرصه جغرافیای سیاسی، شکل‌گیری و تکوین مفهوم مرز سیاسی، مسأله هویت، مسأله روابط خارجی و مسأله مشروعیت ساختار قدرت برشمرد. او در تحلیل فضای تاریخی نابرابری که در ادوار گذشته رقم خورده بود آثار غفلت حکام ایرانی از تحولات دنیای پیرامونی را مواجهه‌ای نابرابر و رقم خوردن شکست‌هایی دانست که نخبگان سیاسی و فکری ایران را به ضرورت تغییر در جهان بینی و نوع نگرش نسبت به جهان جدید آگاه ساخت. دکتر احمدزاده معتقد است که آثار این تغییرات اجتناب‌ناپذیری که در اثر رویارویی سخت نظامی رخ داد را می‌توان در وقوع تغییرات تدریجی در پارادایم فکری تولیدکنندگان متون تاریخی مشاهده کرد. بدین ترتیب، در بررسی منابع تاریخ‌نگاری ایران نیمه اول قرن نوزدهم علی‌رغم تداوم مؤلفه‌های پیشین، دگرگونی در لایه‌های معنایی و فهم مورخان نسبت به روایت تاریخ رخ داده است. در ادامه بخشی از نتایج پژوهش‌های این استاد تاریخ که در جلسه نقد ایده خود بیان کرد را می‌آوریم.

نقد رویکردهای موجود

دکتر احمدزاده در ابتدا به دو رویکرد اساسی در تحلیل منابع و متون تاریخ‌نگاری اشاره کرد و گفت:

«این منابع شامل: الف) رویکرد غالبی معتقد است که کنکاش و بررسی در منابع تاریخ‌نگارانه سنتی را همچون «جستجوی دانه‌های گندم در انبار بزرگ کاه» تلقی می‌کند. این تعبیر را فریدون آدمیت در خصوص غالب تاریخ‌نگارهای سنتی ایرانیان به کار برده و بخش مهمی از اساتید و پژوهشگران حوزه مطالعات تاریخ‌نگاری با درجات کمتر و بیشتر به آن باورمندند. این گروه معتقدند که اگر بخواهیم با استفاده از پیشرفت‌های روش‌شناختی و میان‌رشته‌ای سعی در تفسیر اغراق‌آمیزی از متن تاریخ‌نگارانه انجام بدهیم ناگزیر تاریخت (Historicity) متن را مورد چالش و آسیب قرار داده‌ایم. باور دوم این پژوهشگران که عمدتاً از نقطه کانونی رشته تاریخ به افق می‌نگرند آنکه در انتقاد از متون تاریخ‌نگارانه تا مشروطه و حتی پس از آن بر این باورند این متون فاقد رویکردهای اجتماعی به جامعه و رویکرد انتقادی به قدرت سیاسی هستند و از جامعیت لازم برخوردار نیستند. متون یک بعدی نیستند و علت نوع رویکردشان متأثر از گفتمان‌های شکل گرفته در جامعه خود بوده همچنان که در فرانسه هم تا جامعه به ایفای نقش اساسی برای خود در تحولات گوناگون حرکت نکرد بازخوردی در تاریخ‌نویسی مورخان نداشت. سایر ممیزات تاریخ‌نگاری مدرن اروپایی در تواریخ و ذهنیت مورخان ایرانی بازخوردی پیدا نکرده است. در این رویکرد به طور خاص، اساتید گرانقدر همچون دکتر زرگری‌نژاد (در چند مقاله در مورد رستم‌التواریخ و سبک استرآبادی و...) به نقد و گاه ردّ رویکرد مورخان پرداخته‌اند.

ب) رویکرد دوم که غالب باورمندان به آن یا دانش آموخته تاریخ نبوده و یا از رشته تاریخ به افق بحث ننگریسته‌اند. برخی از آنان شامل محمد توکلی طرّقی، محسن خلیلی، فیاض انوش هستند اما اغلب آنان در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و ادبیات به بررسی متون تاریخی پرداخته‌اند؛ از جمله آنان، سه کار ابراهیم برزگر در مورد روان‌شناسی شخصیت آقامحمدخان، ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه است و یا دکتر خلیلی در رساله دکتری خود به تفسیر سیاست خارجی عصر ناصری بر اساس رویکردی روان‌شناختی و فرهنگی از ناصرالدین‌شاه پرداخته است. توکلی طرّقی باورمند به تجدد بومی و طرح ضرورت بازاندیشی در تاریخ است. او نشانه‌ها و مثال‌های متعددی از رویکرد بیولوژیک مورخان در تحلیل مسائل سرزمینی و وطنی را ارائه داده است و این امر را نوعی نوزایی بومی در پیشبرد تاریخ‌نگاری می‌داند. توکلی تجدد را فر آورده خرد غربی ندانسته و یک ساحت نیز برای آن قائل نیست. از نظر او تجدد برساخته روند آمیزش و پیوند فرهنگ‌ها و مردمان و شکل‌گیری تجارب نوین در بازنگری و بازآرایی خود بوده است. به باور او طرح و بازپردازی مفاهیم ملت، ایران، ملت ایران زمانی در گزارش تاریخ و گفتمان سیاسی مورخان دوره قاجار مطرح شد که رویارویی و داد و ستد فرهنگی با فرنگ در قرن نوزدهم آغاز شد. مفهوم ایران و ملت نوپرداخته و برآمده از متون کهن و آثار باستانی به بازتولید و گزارش جدیدی از گذشته تاریخی، زبان و فرهنگی ایرانی انجامید.»

ضرورت گذار از تاریخ‌نگاری سیاسی

وی با ارائه تعریفی از تاریخ‌نگاری سیاسی و لزوم خروج از آن یا تقلیل این گفتمان قدمایی حاکم بر رویکرد مورخان و محققان، اظهار داشت: «برای قرن‌ها تاریخ‌نویسی نه تنها در ایران بلکه در همه جهان تحت سیطره سیاست و تاریخ جنگ‌ها قرار داشت و مورخان که اغلب وابستگان به دربار بودند، راوی شرایط زیست حاکمان و کنش‌های آنان به صورت گزیده، بودند. این شرایط در تاریخ‌نویسی از چنان هژمونی برخوردار بود که حتی معدود تاریخ‌نویسان بیرون از حکومت نیز جز این زاویه، رویکرد دیگری را در کار خود نمی‌شناختند.»

وی ادامه داد: «در سنت علمی اروپا رشد توسعه علوم اجتماعی متأثر از روش‌شناسی علوم تجربی صورت گرفت که منجر به غلبه نگاه پوزیتیویستی بر علوم اجتماعی نیز گردید که بازخورد بهره‌گیری از این سنت متدولوژیک در تاریخ باعث شد که مورخان اثبات‌گرایی ظهور نمایند که با استفاده از روش‌های آرشئولوژی و اسنادی می‌کوشیدند به واقعیت تاریخ دست پیدا کنند. به این ترتیب، مورخ کاشف حقیقت به‌شمار می‌رفت و نه بازسازی کننده آن. اما این سنخ از مورخان نیز همچون مورخان پیشین، بر این باور بودند که واحد تاریخ و آنچه که شأنیت توجه و ثبت به مثابه «امر تاریخی» را



دارد، همانا رخدادها و حوادث عرصه سیاسی است. با کمرنگ شدن رویکردهای پوزیتیویستی در علوم اجتماعی، این نگاه در تاریخ نیز تخفیف پیدا کرد و زوایای دیگری برای مطالعه تاریخ از جمله تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دستور کار قرار گرفت. اگرچه چنین رویکردهایی در برابر قرن‌ها تاریخ‌نگاری سیاسی و درباری هنوز نتوانسته مسیری مناسب به داخل آکادمی در ایران پیدا کند، اما در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی در این رابطه صورت گرفته که بتواند با چرخش زبانی و فرهنگی به ارائه فهم متفاوت و کشف معانی عمیق‌تری در پرتو بررسی لایه‌های پنهان رخدادها و تاریخ‌های پیردازد. بدین ترتیب، گسست رویکردی در خوانش تاریخ از طریق بهره‌گیری از رویکردها و نظریات بینا رشته‌ای ممکن شد و سنت‌های پیش رونده‌ای که در برخی از مکاتب تاریخ‌نگاری جدید، ظهور یافتند که از رابطه و تأثیر فرهنگ بر تولید متن به عنوان مسأله‌ای مهم سخن گفتند و کاربست آنرا برای فهم عمیق‌تر از گذشته تاریخی را آغاز نمودند. در این راستا، بازخوانی‌های متعدد و تردیدهای زیادی نسبت به حقیقت‌های قطعی صورت گرفت که از جمله اقدام مورخی بنام والا بود که در دوره پس از قرون وسطی به بررسی مجدد میزان حقیقتی به‌ظاهر قطعی تا آن زمان یعنی «عطیه کنستانتین» پرداخت. او بدون توجه به روایات متون زبان رومی و روایت آنان از پدیدارهای تاریخی عصر یونان بر آن شد تا آگاهی و شناخت خود را در پرتو منابع اصیل یونانی بدست آورد. در نتیجه، به یادگیری زبان یونانی پرداخت و در مطالعه منابع یونانی به تردید خود نسبت به عطیه مذکور، قطعیت بخشید. در واقع، این اقدام از اولین تلاش‌های مهمی بود که مشهورات تاریخی را به زیر کشاند و واقعیت و شناخت دقیق را جایگزین آن کرد. در ادامه این روند می‌توان از تلاش‌های دو ادیب ایتالیایی بنام‌های پترارک و بوکاچیو اشاره داشت که نقش مهمی در تحول ادبیات ایفا کردند و زمینه تولید متون تاریخ‌نگاری که بر زبان و ادبیات استوار بود، دچار دگرگونی‌های مثبتی شد که آگاهی و شناخت تاریخی را نیز بتدریج، متأثر کرد.

تاریخ به مثابه روایت

این عضو هیأت علمی ادامه داد: «مفهوم «خوانش» را از این حیث به کار برده‌ام که اساساً عقیده دارم علم خالص، ناب(اصیل) و علم قطعی و یقینی در علوم انسانی به‌ویژه تاریخ وجود ندارد بلکه با مجموعه‌ای از خوانش‌های علمی که به شکل گفتمان درآمده‌اند، مواجه‌ایم. در دانش تاریخ هر کسی در مطالعه گذشته تاریخی سعی بر آن دارد تا با پرسش یا مسأله‌ای مشخص به صورت‌بندی داده‌هایی از دل متون مختلف دست یابد که مدعی او را به لحاظ علمی، تأیید کند. در مورد خوانش‌های مورخ (مؤلف تاریخ) می‌توان گفت بنا به نسبت بین تحلیل و نقش آفرینی مؤلف در ارائه چهره‌ای از گذشته تاریخی (رابطه مورخ-گذشته تاریخی)، سه امکان تحت عنوان بازسازی، بازاندیشی و بازآفرینی وجود دارد. در مورد اول، مورخ (یا پژوهشگر تاریخ) بیشترین تقید را به گذشته تاریخی دارد هر چند که امکان ارائه جامع و کاملی از آن را به عنوان واقعیت اصیل نخواهد داشت. در مورد دوم بر نقش تحلیل و رویکرد مؤلف در بازنمایی بخش کم‌تری از گذشته تاریخی افزوده می‌شود و در مورد بازآفرینی، بیشترین خلاقیت و تولید معرفت را مورخ انجام داده و نقش گذشته تاریخی در خلق معرفت تاریخی به حداقل می‌رسد.

به این تعبیر، من بر خوانشی بودن معرفت تاریخی و حتی عصری بودن آن باور دارم. به گونه‌ای که گاه از یک رخداد(event) تاریخی در یک عصر و زمانه‌ای، یک قرائت یا خوانش مطرح است حال آنکه در عصر دیگر از همان رخداد، خوانشی متفاوت ارائه شده است. مثلاً در خصوص تاریخ اسلام (خوانش مکتبی در یک دوره و خوانش انقلابی در دوره‌ای دیگر علی‌رغم ریشه واحد رخداد تاریخی وجود دارد و موارد کثیر دیگر...). این خوانش‌ها ضمن آنکه دربردارنده جامع واقعیت و به عبارت دیگر معرفت تام نیست اما بخشی از آن هستند و می‌توانند به‌مثابه «رژیم‌های حقیقت» (Truth Regime) سال‌ها و قرن‌ها زیست نمایند. در واقع؛ با توجه به ظهور خوانش‌های روشمند در علم نمی‌توان در هر علمی از یک رژیم حقیقت نام برد بلکه رژیم‌های حقیقت وجود دارد.»

خوانش فرهنگی از متن (پیش نهادۀ ایده حاضر)

احمدزاده در اشاره به خوانش فرهنگی از متن گفت: «این مفهوم ترکیبی، برآمده و اقتباس شده از مطالعات حوزهٔ جامعه‌شناسی فرهنگی است که بنا به الزامات تئوریک در این مطالعه مورد بهره‌برداری قرار گرفته تا از طریق آن بتوان به صورت‌بندی بحث پردازم. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین آشخورهای فکری در تحلیل این ایده، همین حوزه مطالعاتی مهم در علوم اجتماعی است.

در جامعه‌شناسی فرهنگی چهار سطح مسأله در شکل بخشیدن به فهم و شناخت وجود دارد: پیشینه، زمینه، رهیافت و موضوع که در هر بررسی با توجه به اثرگذاری هر یک موارد مذکور لازم است بازخورد آنان در ارزیابی نیز دیده شود. پیشینه، زمینه و رهیافت فرهنگی ایرانیان در متون و منابع تاریخ‌نگاری در قالب‌های گوناگونی انعکاس یافته است از جمله؛ بهره‌گیری از تمثیلات و کوتاه‌نویسی، داستان‌سرایی در متن، بهره‌گیری از ادبیات دینی، استفاده از زبان ایهام، ایماء و اشاره، طنز، اشعار و مضامین تاریخی آنان و... با توجه به اینکه، هر متن نوشتاری برآیند فرهنگی و اجتماعی مؤلف است برای فهم آن در هر دوره زمانی باید ساختارهای فرهنگی- اجتماعی آن عصر شناخته شود تا پروسه تحقیق به کشف معانی بیشتری (معرفت تاریخی به مثابه معرفتی اکتشافی- استنادی) منجر شود. ساختارهای فرهنگی در بسط موضوعات و معانی هر عصری نقش بی‌بدیل دارند و این امر در خصوص فاعل شناسایی که قصد بررسی گذشته تاریخی یک دوره مشخص را دارد، اثر می‌گذارد. لازم است که این مسأله نیز در خوانش فرهنگی از متون تاریخی، مورد توجه قرار گیرد. رسوب عناصر فرهنگی در ذهنیت مورخ به انعکاس اشتراکات گوناگونی همچون سرزمین، تاریخ، زبان، دین، ساختار سیاسی، آداب و سنن، هنر، آیین‌ها و مناسک و خودآگاهی بین‌الذهانی در متن تولید شده می‌انجامد. ذهن مورخ به عنوان یکی از سه ضلع مهم و مؤثر بر تولید معرفت تاریخی (زیست جهان مورخ، ذهن مورخ، زبان مورخ) دربردارنده دو جزء مهم و اثرگذار بر تولید معرفت تاریخی یعنی حافظه (Memory) و ذهنیت (Mentality) است. حافظه در ثبت ذهنی رخدادهای معاصر نقش مهمی دارد که هر گونه فراموشی به معنای وقوع خلاءهای معرفتی خواهد بود و به تعبیر برخی از مورخان تاریخ‌نگاری زائیدهٔ ذهن خلاق مورخ است. همچنین، برای تحلیل عمیق‌تر از مؤلفه‌های زبانی متن تولید شده از سوی مورخ ناگزیر از بهره‌گیری از حداکثر امکانات زبان‌شناسی هستیم.

وجه دوم خوانش فرهنگی که در این ایده مورد توجه بنده قرار دارد و می‌تواند به فهم عمیق‌تر از منابع تاریخ‌نگاری منجر شود، استفاده از نظریه‌های تحلیل فرهنگی و نظریه‌های تحلیل ادبی متن در بررسی منابع تاریخ‌نگاری است زیرا متن تاریخ‌نگارانه، پیش از هر چیز یک متن برآمده از ادبیات و فرهنگ فردی و اجتماعی مورخ است. در مورد کاربرد رویکرد فرهنگی در تاریخ‌نگاری دکتر ناصر صدقی در کتاب تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی به این حوزه وارد شده است. در حوزه نظریه‌های ادبی نیز تحلیل بسیاری از داستان‌ها مورد مطالعه جزئی قرار گرفته است.

از سوی دیگر، زمینه‌های کاربرد خوانش فرهنگی در تحلیل تاریخ ایران به شکل قابل توجهی موجود است از جمله در؛ ویژگی‌های چندفرهنگی، زبانی، اجتماعی (ایلی، روستایی، شهری)، تنوعات رخدادها، گسست محوری در تحلیل‌ها به جای کاربرد تاریخ تداوم محور، مبنای عمل قرار گیرد. برخی از تحقیقات تاریخی که بیرون از ایران انجام شده‌اند به تقویت رویکرد جزئی‌نگر و ارائه خوانش متفاوتی از مسائل و وقایع تاریخ ایران دوره قاجار پرداخته‌اند؛ ونسا مارتین و... علی‌رغم آنکه رویکرد غالب در باب تاریخ قاجاریه متأثر از غلبه رویکرد علی اصغر شمیم به عنوان مورخ دورهٔ پهلوی بوده، اما از مباحث و موضوعات متنوعی از تاریخ صدر قاجاریه سخن گفته است که هرگز طی سالیانتمادی شکل نگرفته بوده است. این به آن معناست که عدم شکل‌گیری فهم عمیق‌تر در معرفت تاریخی یک دورهٔ خاص (دوره قاجار) به خاطر خلاء داده‌ها در منابع تاریخی نیست بلکه ناشی از ضعف در رویکرد و عدم کاربرد متناسب با روحیات و روح حاکم بر جامعه ایران است. بخش قابل توجهی از داده‌های مرتبط با تاریخ اجتماعی در ایران به چشم می‌خورد که به دوره مدنظر



مربوط است. در منابع ادبی، متون جهادیه نویسی، دینی و... نیز مطالب متعدد موجود است که به عنوان منابع تکمیلی به درک رویکردهای مورخانه، معین خواهند بود.»

متون تاریخ نگارانه

برخی از مورخان در تعریف خود معتقدند متون تاریخ نگارانه، منابعی هستند که مؤلف آن را به قصد نگارش تاریخ و ثبت رخدادهای گذشته نوشته است. اما این تلقی چندان مدنظر بنده نیست. از منظر بنده، تاریخ نگاری؛ یعنی انعکاس زیست جهان مورخ در ذهن او و بازنمایی آن در زبانش مبنای مهمی است که برای تحلیل متون تاریخ نگارانه از این زاویه نگریسته می شود. این تعریف به مراتب به نوع نگاه من در این ارائه نزدیک تر است زیرا نگاهی وسیع تر و میان رشته ای را با نظر داشت رویه شکل گیری معرفت تاریخی دنبال کرده است (فرایندی سه جانبه از زیست جهان مورخ، ذهن مورخ، زبان مورخ که به تولید معرفت تاریخی منجر می شود). زیست جهان (World Life) می تواند انعکاس دهنده گفتمان عصر و زمانه مؤلف در نوشتار و تولید فکری او باشد. این موضوع را در هر نوشتار دیگری از جمله ادبیات و... هم می توان یافت (رستم التواریخ، عبید زاکانی و...).

اهمیت و ضرورت توجه به مفاهیم زبانی در کشف لایه های پنهان و معانی متن

دهه های اول قرن نوزدهم میلادی که در خود عصر تأسیس و عصر بحران های بزرگ در جغرافیای سیاسی، شکل گیری و تکوین مفهوم مرز سیاسی، عصر ورود به معاصریت جهان (هم زمانی تقویمی در کنار تفاوت های تقویم تاریخی) را دارد. در این دوره، جامعه غالباً ایلی (به روایت بستان السیاحه) ۷۵ درصد ایلی، ۱۵ درصد روستایی و اندکی شهری بودند. بازخورد تنوع فرهنگی، قومی و زبانی در تواریخ قابل بررسی است.

بازخورد گفتمان دینی این عصر نیز در قالب ادبیات متن تاریخ نگارانه کاملاً مشهود است؛ این مسأله در نحوه ورود به مباحث، جهان بینی کلان، کاربست مفاهیم و کلام قابل پیگیری است. لذا برای کشف معانی مستور در کلام نیاز به تجهیز به ابعاد هر زبانی شد. مورخ در ماجرای رخداد آقامحمدخان در کرمان به ارائه آیه ای از قرآن می پردازد که تنها در قالب فهم دینی می توان به کنه معنا پی برد. بهره گیری از زبان استعاره و تمثیل از مهمترین ممیزات نوشتاری و اندیشه ورزی ایرانیان و هر ملت دیگری بوده که در اینجا مؤلف به اشارتی کافی دانسته تا جمع عاقلان را به حقیقتی سر بسته ارشاد نماید.

زبان ایرانی همواره زبان قصارگویی و کوتاه نویسی بوده که در قالب طنز، ضرب المثل، خلسه و... به ارائه نمونه هایی مختلف از خود پرداخته است. بازتاب این مسأله را نیز باید در تواریخ و متون تاریخ نگارانه هر دوره ای می تواند مبنایی برای تحلیل و تفسیر قرار گیرد و محقق به ظواهر متن، متوقف نشود. دستاوردهای کاربست رویکرد تاریخ فرهنگی در تحلیل متون تاریخ نگاری های قاجاریه (۱۲۶۴-۱۲۱۰ ه.ق)

متون تاریخ نگاری ذیل برای عملیاتی کردن خوانش فرهنگی از متن مورد بهره برداری قرار گرفتند؛ تعدادی از آنان نسخه خطی بودند از جمله؛ تاریخ ایل قاجاریه از امامقلی میرزا قاجار، مآثر محمدی تألیف محمود میرزا قاجار، شمس التواریخ از میرزا عبدالوهاب اصفهانی قطره چهارمحالی، زینه التواریخ تألیف میرزا محمدرضی تبریزی، تاریخ قاجاریه از میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار و میرزا محمدصادق مروزی. تعدادی هم از آثار منتشره مرتبط با این دوره بررسی شده اند از جمله؛ تاریخ محمدی از ملافتح الله بن محمدتقی ساروی (تألیف ۱۲۰۰ تا ۱۲۱۱ هجری)، مآثر سلطانیه از عبدالرزاق بیگ مفتون دنبلی (تألیف ۱۲۴۱ هجری)، تاریخ ذوالقرنین از فضل الدین بن عبدالنبی خاوری شیرازی، (تألیف ۱۲۴۹ تا ۱۲۶۲ هجری)، اکسیر التواریخ از علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه (تألیف بین ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۹ هجری)، تاریخ نو جهانگیر میرزا قاجار (تألیف ۱۲۶۷ هجری).

در این متون می توان بن مایه های اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوره قاجار را یافت؛ (۱) امکان استخراج موضوعات و مسائل متعدد در بازخوانی متون تاریخ نگاری

مباحث هویتی در متون تاریخ‌نگاری

در این متون، تاریخ‌نگاری ایران مدار جایگزین تاریخ‌نگاری اسلامی شد و گذشته‌های خاموش و فراموش شده پیشااسلامی، پرشکوه جلوه کرد. روایت مورخان این دوره از گذشته روایت گذشته‌نوساخته‌ای بود که کیومرث را انسان نخستین و اولین پادشاه بشر، مزدک را نظریه‌پرداز آزادی و برابری، کاوره اهنگر مؤسس جنبش‌های ملی، انوشیروان پادشاهی عادل و مشروطه مسلک تلقی شد (توکلی طرقي، ص ۷ و ۹). ظهور رگه‌های تاریخ‌نگاری جدید در ایران متأثر از به هم پیوستگی زمان تاریخی و مکان و نوبافت شدن گزارش تاریخ بر اساس شرح‌هایی ایران‌مدارانه و زمان‌مدارانه از تاریخ است. تجاوزات جهان جدید (روسیه تزاری و بریتانیا) به قلمرو ایران باعث انعکاس نگرانی در باب آینده در روایت مورخان از تاریخ گردید. این مسأله به مثابه رخدادی مهم در تاریخ‌نگاری این دوره رخ داد زیرا در نتیجه بحران‌ها و شکست‌ها، مورخ از روایت محض گذشته تاریخی فراتر رفت و از تاریخ به مثابه وسیله‌ای برای برانگیختن ملت و همگانی کردن حکومت بهره برد. در روایت مورخان صدر قاجاریه نوعی کوشش برای شناساندن مبدا خویش به مردمان، پی افکندن تاریخ آگاهی بخش برای ملت ایران، تأکید بر پیشینه ایرانی داشتن رسوم و باورهای مثبت فرهنگی، تأکید بر بازگشت به ادوار شکوه و عظمت ایران از طریق اقتباس از فرنگ، بهره‌گیری از متون دساتیری، و مهم‌تر از همه ارائه روایت‌های به هم پیوسته از گذشته و حال ایران کاملاً مشهود است (توکلی طرقي، ص ۲۳-۲۴ و ۵۲ و ۵۴).

یک چرخش مهم فکری در مورخان دوره قاجار رخ داد و آن اینکه هدف روایت‌پردازی مورخان، تلاش برای بازنمایی ایران در ادوار مختلف تاریخی با هدف ایجاد دگرگونی‌های مطلوب در آینده بود. آنان به ارائه گزارشی کشورمدار از گذشته منسوخ باستانی پرداختند تا مسیر بازسازی هویت فرهنگی ایران را هموار سازند. جهانگیرمیرزا و اعتضادالسلطنه درصدد نوآوری در گزارش تاریخ بر آن شدند تا روایت ایران مدار از گذشته و حال را ارائه دهند. اعتضادالسلطنه نظام جدید را نه اقتباس از فرنگ بلکه بازگشت به خویشتن و بازآموزی رسوم ایرانی می‌دانست. او به گونه‌ای این مشی فرهنگی را رصد و پیگیری کرد که «دفتر پهلوی» را از کیومرث آغاز و به محمدشاه قاجار ختم کرد.

روایت‌های زیادی دال بر هویت‌سازی و پذیرش عناصر ایرانی سرزمین، مرز، فرهنگ و دین و قومیت در این منابع طرح شده است که اغلب نوعی کارکرد فرهنگی را در تاریخ‌نگاری از طریق برجسته‌سازی مفاهیم و معانی زبانی، دینی، و ملی را نشان می‌دهد. تأکید بر سرچشمه‌های تاریخی و مکانی هویت در متون تاریخی متأثر از تلاش مورخ برای بهره‌برداری از خوانش فرهنگی از گذشته و حال تاریخی قرن نوزدهم بود.

برخی از مفاهیم فرهنگی مورد توجه مورخان در تقویت هویت فرهنگی در عصر بحران عبارتند از: زبان فارسی، تشیع، نوروز، فرهنگ و تمدن پیش از اسلام، تأکید بر خاستگاه تاریخی، دینی و طبقاتی هویت ایرانی، تأکید بر تعریف هویت ملی با محوریت ظرف فرهنگی و تمدنی ایران. در این متون، هویت امری برساخته از طریق تاریخ بوده که در چارچوب روایت‌های تاریخی نیز قوام و دوام یافته است. تلاش برای پارسی کردن زبان وحی در قالب یک خوانش فرهنگی از سوی مورخان با هدف تشدید فرایند هویت‌سازی در شرایط بحرانی صورت گرفته است.

مورخان به شکل مستتر و مضمهر به طرح مفاهیم و معانی در متن صامت و مصنوع تاریخی پرداخته‌اند. هدف آنان از تلاش برای تقویت خودآگاهی محلی، ملی، قومی، نژادی؛ فرهنگی، زبانی، مذهبی، فرقه‌ای، جنسی همه از ماهیتی فرهنگی - تاریخی برخوردار بود.

به تعبیر کیت جنکینز، تاریخ به خودی خود ساخت یا سازه‌ای است عقیدتی که به طور مداوم و مستمر در حال بازسازی، بازتدوین و سامان دهی مجدد است (کیت جنکینز، بازاندیشی تاریخ، ترجمه حسینعلی نودری، تاریخ معاصر ایران، سال ۸، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۸۵). در واقع، او معتقد است که نگارش متن تاریخی به امکان بازسازی محیط یک گروه تاریخی خاص، جو روانی، فکری و اخلاقی و نیز مفاهیم و تصورات این گروه از زندگی، دنیا، مذهب و سیاست مربوط است. در متون تاریخ‌نگارانه دوره اول قاجاریه چند گفتمان در باب مسائل فرهنگی وجود دارد: هویت اسلامی با مفاهیم مختلفی در این منابع منعکس شده است؛ از جمله آنان تقدیرگرایی، جشن و سرور مذهبی، تعزیه دینی، زیارت، تزئین



مشاهد شریفه، مقام ظل الهی و شأن مذهبی پادشاه بود. مفاهیمی که در منابع این دوره در باب هویت ایرانی مطرح شده‌اند عبارتند از: ذکر صفات و کردار و کارکرد و حقانیت پادشاه، جایگاه اسطوره در تاریخ، مفهوم مرز، پدرسالاری، نقش عوام و توده مردم.

مورخ دوره قاجار بتدریج به طرح مفهوم فرنگ به شکلی مبهم و سپس به ارائه تعریف از آن بر اساس کارکرد و جغرافیای فرنگ، هنر صنعت و باسمة خانه و حتی وجه استعماری آن می‌پردازد (بنگرید به تاریخ محمدی، تاریخ ذوالقرنین، مآثرسلطانیه، تاریخ نو، و...).

- بازتاب مباحث سیاست خارجی در متون تاریخ‌نگاری

- مباحث مربوط به جنگ‌ها

در منابع مرتبط با مسأله جنگ‌ها می‌توان رویکردها و خوانش‌های مهمی را کشف کرد؛ الف) تلقی از مفهوم جنگ در منابع تاریخ‌نگاری قاجاریه، یک تلقی یک بعدی و رسمی نیست بلکه در پرتو بررسی متون مرتبط با تاریخ جنگ از جمله در کتاب مآثر سلطانیه و کتاب آهنگ سروش و... می‌توان تلقی اسلامی از جنگ (تقابل اسلام و کفر)، تلقی ایرانی از جنگ (تقابل خیر و شر)، تلقی حماسی از جنگ (بازتولید اسطوره‌ها، حماسه‌ها، قهرمانان)، تلقی شیعی از جنگ (بازنمایی امام حسین و قیام عاشورا و مسأله جنگ به مثابه جهاد)، و تلقی غربی از جنگ (ضرورت تجهیز ایران به هنر صنعت جنگی و ابزارهای مدرن) را در متون تاریخ‌نگاری استخراج کرد. بخش مهمی از اندیشه مورخان قاجار در تفسیر جنگ را می‌توان در قالب طرح موضوع مهمی بنام آرمان صلح نیز دریافت. این مسأله از مهم‌ترین مباحث مدنظر مورخان نیز بوده است که با رویکردی واقع بینانه در شرایط سخت تاریخی و درک ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی به ضرورت صلح جهت رشد و تحول مناسب، پی برده‌اند.

انعکاس بالندگی فرهنگی در منابع تاریخ‌نگاری علی‌رغم شکست‌های سیاسی - نظامی از نقاط پراهمیتی است که در منابع تاریخ‌نگاری نیمه اول قرن نوزدهم در ایران مشاهده می‌شود. انعکاس نظم و نثر در روایت‌پردازی از رخداد‌های تاریخی و بهره‌گیری از ماده تاریخ برای ثبت وقایع از نشانه‌های این موضوع است. ستایش رزمندگان و تحریض به مقاومت به طور مشخص در روایت مورخان از قتل جواد خان گنجه‌ای در مبارزه با لشکر روسیه تزاری کاملاً مشهود است. منابع تاریخ‌نگاری جنگ به سه مسأله مهم در روایت خود تمرکز داشته‌اند؛ توجیه حقانیت ایران با طرح نحوه اداره ممالک و مسلمان بودن ساکنان آنان، و یادکرد نیاکان در ادب مقاومت که در قالب ذکر مفاخر و نیاکان و گذشتگان و توجه به تاریخ ملی آمده است، تحریک به شجاعت برای دفاع از ممالک و قلمرو، توصیف واقعیت و بیان خوی سبعت مهاجمان و کفار بنی ازرق روس تزاری. مجموعه این مباحث بیانگر وجود آگاهی‌های متنوع و وسیع در منابعی است که در عصر جنگ‌ها تحریر شده‌اند.

در لابلای متون تاریخ‌نگاری که اشعار زیادی را طرح کرده‌اند از جمله خاوری شیرازی می‌توان پیوند حماسه و غنا را دید.

۲) تردید به برخی مشهورات تاریخی در باب تاریخ قاجاریه

- در بررسی منابع تاریخ‌نگاری دوره اول بتدریج که از زمان وقوع جنگ‌ها فاصله می‌گیریم رویکرد نقادانه در بررسی علل شکست مشهود است حال آنکه اغلب محققان امروز به ارائه یک تعمیم و یکدست بودن نسبت به این منابع باورمندند و گسست‌های نسبی و معرفتی نسبت به منابع را قائل نیستند. منابع صدر قاجاریه عمدتاً حتی روایتی پیروزمندانه از این شکست‌ها ارائه داده‌اند اما روایت مورخان به این سطح از تحلیل، متوقف نماند.

- در بررسی شکست‌ها گرچه متون اولیه تاریخ‌نگاری قاجار سعی بر آن داشته‌اند که شکست‌ها را به مثابه شکست نظامی تفسیر کنند اما بتدریج آثار اقدامات عباس میرزا بیانگر درک این واقعیت از سوی دربار تبریز است که شکست‌ها عمدتاً متأثر از علل سیاسی از جمله عدم درک نقش انگلستان و دخالت آن در تحمیل صلح بر ایران در شرایط شکست و نیز مخالفت‌های دربار دارالخلافه طهران نسبت به پرداخت مواجب قشون، خیانت برخی سران نظامی، عدم آگاهی سیاسی در

شرایط جنگی و... در منابع تاریخ‌نگاری منعکس شده است. این سنخ از روایات به معنای آن است که صرفاً به یک گونه تفسیر و تحلیل در بررسی پدیدارهای تاریخی از سوی مورخان مواجه نیستیم بلکه روایت‌های نقیضی هم در لابالای سطور موجود است که نیاز به کشف معانی دارند.

- مسأله سوم در خصوص برخی قرارها و معاهدات است. اینکه در تصور عمومی عمدتاً از متارکه گلستان به مثابه یک قرارداد قطعی یاد می‌شده است حال آنکه در بررسی گفتگوهای مأموران سیاسی به‌ویژه عباس میرزا با نماینده انگلیس مشخص می‌شود که آتش بسی که در پی مذاکرات قریه گلستان صورت گرفت به معنای توافق صلح از سوی ایران و روسیه تزاری نبوده و دگر زرگری نژاد مشخصاً در یک مقاله مهم به این موضوع توجه کرده است.

- انعکاس موضوعات مربوط به مشروعیت

- مشروعیت قاجارها اگرچه در ابتدای حکمرانی آنان عمدتاً سعی بر برجسته سازی هویت قومی، زبانی، جغرافیایی، کارکردهای تاریخی آنان (نظامی‌گری، کشاورزی، کسب مناصب در ادوار مختلف) دارد اما گرچه در ابتدای حکمرانی قاجارها از آنان به عنوان حاکمان فاتح با لقب جهانگیر یاد شده بتدریج مورخان برای تأکید بر ضرورت یادگیری آداب ملکداری از سوی قاجارها بر آنند که به آنان القاب ایرانی جمشید شکوه، فریدون‌فر و جهاندار بخشند تا هم هویت ایرانی را پررنگ نمایند و هم جهانداری را متفاوت با جهانگیری (فتح سرزمین‌ها) بدانند. در واقع گرچه در منابعی همچون ملوک الکلام و کلام الملوک، شمایل خاقان و... بر هویت ایللی قاجارها تأکید شده اما در تاریخ محمدی، تاریخ ذوالقرنین، تاریخ نو، و... وجوه ایرانی و اسلامی پادشاه قاجار غالب می‌گردد و از یک سلطان ایللی به سوی یک حاکم ملی جهش پیدا می‌کند.

- مسأله دوم اینکه فتحعلی‌شاه برای کسب مشروعیت سیاسی به روابط بسیار نزدیکی با علمای شیعه می‌رسد و علما تنها در شرایط بحران و خطر روس‌ها و جنگ‌های آن دوره به فتحعلی‌شاه به عنوان فرمانده قشون اسلام، مشروعیت نسبی می‌بخشند. اقدامات مذهبی فتحعلی‌شاه در توسعه اسلام و نهادهای دینی از جمله ترویج القاب مذهبی، توسعه، تأسیس و تجهیز مساجد از جمله بخشی از تلاش‌های شاه قاجار است که نیاز به تأیید نیروهای مذهبی داشته است. مورخان به هر دوی این مسائل که برخاسته از مسأله مشروعیت است پرداخته‌اند.

۳) کشف معانی عمیق‌تر در بررسی مفاهیم

الف) تطورات در مفهوم هویت از شکل تعریف هویت با استناد به خود (در قالب مفاهیمی همچون ایران، اسلام، وطن، ملت، مردم، من، ما) به سوی تعریف هویت با استناد به دیگری (بیگانه، دشمن، اجنبی، کفار، زندیق)

ب) طرح مفاهیم اخلاقی در پرتو تعریف هویت به مثابه خلق و خوی (پدرسالاری، شیخوخت، قداست قدرت، مطلقه بودن قدرت و...).

ج) توجه به ابعاد هویتی آموزه دینی در منابع تاریخ‌نگاری

تأکید بر ضرورت حفظ اسلام در برابر کفار، تأکید بر سازگاری زندگی اجتماعی و حقوق فردی در چارچوب احکام شرعی)

د) برخی از مفاهیم هویتی منعکس شده در متون تاریخ‌نگاری از جمله: ایرانی، شاه، میهن، وطن، افتخارات پیشین، کیان پادشاهی، پرچم، جنگاوری، سرود، طرح آداب و عادات ملی)

ه) طرح مفهوم استعمار از سوی رستم الحکماء. در منابع دیگر دوره فتحعلی‌شاه سه تلقی از غرب مطرح می‌شود؛ تلقی تاریک و غیرروشنی که از غرب به‌مثابه ممالک فسیح‌المساحه‌ای که دور از ایران هستند، تلقی از غرب به عنوان مرکز هنر صنعت (تأکید بر بعد تکنولوژیک فرنگ)، معرفی فرنگ به عنوان دول قدرتمند که درصدد نفوذ در شرق هستند. این روایات متعدد به معنای شکسته شدن رویکردهایی است که غالباً منابع تاریخ‌نگاری را دربردارنده یک وجه بعدی تلقی می‌کنند.

و) ثبت متن قرارداد ترکمانچای از سوی یکی از مورخان با هدف درک مخاطبان از محتوای زبان‌بار آن.



هفدهمین کرسی ترویجی

«نخبه‌گرایی مشارکتی»

بر مبنای بازسازی مفهوم «نخبه» در گفتمان دموکراتیک

دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی پژوهشگاه با همکاری دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره هفدهمین کرسی ترویجی با رویکرد «عرضه و نقد ایده علمی» را با عنوان «نخبه‌گرایی مشارکتی»، با ارائه دکتر پگاه مصلح، روز شنبه ۲۹ مهرماه برگزار کرد. در ابتدای نشست دکتر مصلح به مسئله‌ای که انگیزه شکل‌گیری ایده و نگارش «نخبه‌گرایی مشارکتی» شده، اشاره کرد و گفت: «آنچه موجب شکل‌گیری نخبه‌گرایی مشارکتی شده، تأثیر تقابل متصلب‌الیت-توده بر فرهنگ سیاسی است که مشارکت سیاسی مردم را به شرکت در انتخابات تقلیل می‌دهد، و سبب بازتولید ساخت اقتدارگرایانه قدرت و صوری شدن فرایندهای انتخاب سیاسی می‌شود. پرسش برآمده از مسئله یاد شده این است که از چه راهی می‌شود چنین تصلبی را شکست و به نظریه‌های راهگشا و مناسب‌تر دست یافت.»



وی ادامه داد: «پیش از این شاهد کوشش‌هایی برای نزدیک‌سازی و ترکیب دموکراسی با نظریه‌الیت‌یسم زیر عنوان «الیت‌یسم دموکراتیک» بوده‌ایم که نه تنها هیچ گونه تأثیری بر تصلب دوگانگی‌الیت-توده نداشته بلکه به آن دامن زده است. افزون بر این، چنین نظریه‌ای دموکراسی را به یک روش انتخابی بی‌محتوا فرو می‌کاهد. این شکست حاصل منطقی چنان التقاطی است؛ زیرا می‌کوشد اصطلاح «الیت» را که از ابتدای ورودش به حوزه سیاست در گفتمان اقتدارگرا معناسازی شده، با گفتمان دموکراتیک پیوند دهد که به طور بنیادی بر نفی اقتدارگرایی و سلطه یک گروه یا طبقه خاص استوار است. در آثار متفکرانی چون پارتو و موسکا تعریف «الیت» سیاسی بر اساس قدرت بالفعل، تعریفی دوری است. به این ترتیب هنگامی که پرسیده شود چه کسی قدرت را در دست دارد پاسخ داده می‌شود الیت، و اگر پرسیده شود چه کسی الیت است پاسخ داده می‌شود آن که قدرت دارد. این نگرش سبب هویت‌سازی کاذبی شده که در آن عده‌ای خود را به طور فطری صاحب «حق» سروری دانسته‌اند و گروهی نیز در جایگاه نظریه‌پرداز، چنین نگرشی را توجیه کرده‌اند.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه، اشاره کرد: «اصطلاح‌های «نخبه» و «نخبگان» نیز به سبب ترادفی که با «الیت» پیدا کرده‌اند مانند آن تبدیل به نوعی «سنگوازه» شده‌اند که همان تأثیر را بر فرهنگ و فرایندهای سیاسی ایران می‌گذارند. در حالی که «نخبگی» حامل دو عنصر ناگسستنی «زبدگی» و «انتخاب» است که آن را با «الیت»، در تعریف ذکر شده، متفاوت و از ظرفیتی دموکراتیک برخوردار می‌کند. از این منظر، «نخبه شدن» به جای «نخبه بودن» می‌نشیند و نخبگی، خصیصه‌ای ذاتی برای فرد یا گروه خاصی انگاشته نمی‌شود. تعریف نخبه باید به جای تمرکز بر داشته‌های بالفعل و دستاوردمحوری، بر فرایند حصول دستاوردها و بر انتخاب مخاطبان هر حوزه مبتنی باشد که در حوزه سیاسی مخاطبان همانا همه مردمان یک سرزمین‌اند.»

وی تأکید کرد: «نخبه‌گرایی مشارکتی به منزله کوششی برای پیوند دادن اندیشه‌ورزی سیاسی با نظریه‌پردازی سیاسی، مبتنی بر این فرض است که می‌شود با بازسازی مفهوم نخبه در گفتمان دموکراتیک به دیدگاه جدیدی رسید که در آن نخبه و مردم دو قطب متناظر و متنافی نیستند. نشان دادن پیوند درونی فرایند نخبه‌سازی و مشارکت مردمی، بدون چسباندن و التقاط گفتمان‌ها، می‌تواند بر فرایند هویت‌سازی سیاسی در جهت بهبود روندهای سیاسی تأثیرگذار باشد. در نخبه‌گرایی مشارکتی، به منزله رویکردی اصلاحی درون نظریه کلان دموکراسی، فرایندهای نخبه‌سازی با مشارکت مردم و از درون جامعه روی می‌دهد. در این رویکرد، به جای تکرار منفعلانه روندهای موجود که به بازتولید الیت پوپولیست و مرزبندی روزافزون آن با مردم می‌انجامد، مشارکت فعال در طرح‌هایی همچون «دموکراسی در بوروکراسی» و تغییر روند انتخابات بر مبنای «نظام موازنه مثبت آرا» پیشنهاد می‌شود. در مجموع در «نخبه‌گرایی مشارکتی»، نقد نظریه‌های موجود، بازسازی مفهومی و نوآوری روش‌شناختی، برای بهبود روندها و تقویت گفتمان دموکراتیک به ارائه راهکارهای عملی پیوند داده می‌شود.»

در پایان نشست، منتقدان و حاضران به نقد و پرسش و پاسخ پرداختند.

نشست «نسبت علم کلام و علم تاریخ در عاشوراشناسی»

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده علوم تاریخی در ادامه سلسله نشست‌های تاریخ و مطالعات بینارشته‌ای، نشست «نسبت علم کلام و علم تاریخ در عاشوراشناسی» را با سخنرانی حسن حضرتی روز چهارشنبه ۱۲ مهر، برگزار کرد.

در ابتدای این نشست، حضرتی به باور عموم شیعیان، در خصوص امامان پرداخت و گفت: «امامان از شأن قدسی و آسمانی برخوردارند. شأنی که ایشان را از برخی ویژگی‌های فراطبیعی بهره‌مند می‌نماید. برخوردار از علم غیب، عصمت و کرامات، برخی از این توانایی‌های فراطبیعی است که در اعتقاد شیعیان نسبت به امامان (ع) همواره مورد تأکید است. این ویژگی‌ها موجب شده که برخی از افعال امامان در



قالب پدیده‌ها و رویدادهای طبیعی و قاعده‌مند همانند آگاهی از آینده، مصونیت از گناه و یا کراماتی که به ایشان نسبت داده می‌شود، قرار نگیرد.»

وی ادامه داد: «تاریخ‌شناسی دانشی است که مهم‌ترین ویژگی آن، طبیعی و قاعده‌مند دیدن پدیده‌ها و رویدادهای انسانی است. در این دانش - با تکیه بر ابزار و امکاناتی که برای تاریخ‌شناسان به اعتبار این دانش فراهم است - سوژه‌ها بالضرورة طبیعی و قاعده‌مند دیده می‌شوند، از آن رو که امکان ارائه

توصیف و تحلیل‌های تاریخی (= طبیعی و قاعده‌مند) از آنان فراهم شود.»

حضرتی براساس آنچه گفته شد، مسأله این مقاله را اینگونه عنوان کرد: «که چگونه می‌شود از تاریخ امامان (ع)، که علاوه بر مقام اثباتی مشترک با دیگر انسان‌ها، از مقام ثبوتی نیز برخوردارند، آیا می‌شود یک بررسی تاریخی به معنای طبیعی و قاعده‌مند دیدن افعال آنان، ارائه کرد؟ آیا ارائه بررسی تاریخی از فعل امامان مستلزم نفی‌شان فراتاریخی (= ثبوتی) ایشان است؟ و یا اینکه می‌شود شأن ثبوتی و اثباتی این انسان‌های قدسی را در درون پژوهشی تاریخی جمع کرد؟»

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران در ادامه به طرح مسأله پرداخت و گفت: «تاریخ‌شناسی معرفتی است همانند معارف دیگر که غایتی جز شناخت موضوعات مورد نظر خود ندارد. گاهی موضوعاتی که مورخان به دنبال شناسایی و تبیین آن‌ها هستند، موضوعاتی طبیعی اند، با کنش‌های طبیعی که برای هر انسان دیگری آن کنش‌ها قابل فهم و درک است. اما گاهی مورخان در مطالعه گذشته انسانی با سوژه‌های فراطبیعی روبرو می‌شوند، سوژه‌هایی که همه کنش‌های آنان طبیعی و قاعده‌مند نیست و نیز فهم و تبیین آن‌ها هم در درون دانش تاریخ، به آسانی و سهولت مقدور و ممکن نیست. انسان‌های قدسی و کنش‌های آنان از این دست سوژه‌های تاریخی‌اند که مورخان به دنبال شناسایی و شناساندن رفتار و گفتار آنانند. همه آن چه به دست این انسان‌های قدسی انجام شده است، طبیعی و قاعده‌مند نیست. همه ویژگی‌های انسانی این بزرگان نیز انسانی نیست، بلکه آنان از توانایی‌های فرا انسانی و فراطبیعی؛ همانند معجزه، کرامات، آگاهی به علم غیب، عصمت، ارتباط با آسمان و... برخوردارند. طبیعی است که این سوژه‌های قدسی، به سبب برخوردار از این توانایی‌های فرا انسانی در گفتار و افعال، گاهی به گونه‌ای متفاوت از انسان‌های معمولی عمل کنند. حال مسأله اصلی این است که آیا مورخان می‌توانند میان وجه قدسی شخصیت



انسان‌های الهی و وجه طبیعی آنان ارتباط مناسبی برقرار کنند، به گونه‌ای که در شناخت این بزرگان، این دو وجه (قدسی و زمینی) مکمل یکدیگر قرار بگیرند و نه متناقض هم؟ آیا اساساً جمع این دو وجه در پژوهشی تاریخی مقدور و میسر است؟ یا به ناگزیر اثبات یکی به نفی دیگری می‌انجامد؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان مقام اثباتی و مقام ثبوتی انسان‌های قدسی را در پژوهشی تاریخی مدنظر قرار داد و از هر دو مقام در امام‌شناسی (به‌طور مشخص در تاریخ تشیع) استفاده کرد؟ یا این که اساساً چون پژوهش ماهیتاً تاریخی است، باید مقام ثبوتی نادیده انگاشته شود و یا مسکوت بماند و صرفاً به وجه اثباتی این سوژه‌های ویژه توجه شود؟ اگر این گونه عمل شود، آیا می‌توان امام را به طور کامل و به مثابه یک امام شناخت، بدون این که به کرامات، معجزات و نیز ویژگی‌های خاص ایشان مانند عصمت، آگاهی به علم غیب و... توجه شود؟ آیا چنین امام‌شناسی می‌تواند به معنای واقعی امام‌شناسی باشد؟ با توجه به آنچه گفته آمد، می‌توانیم پرسش بنیادین این پژوهش را این گونه طرح کنیم که چگونه می‌توان مقام ثبوتی و مقام اثباتی انسان‌های قدسی را در پژوهشی تاریخی جمع کرد تا به شناخت کاملی از آنان دست یافت؟ اگر این تجمیع ممکن است، چگونه؟ و اگر ممکن نیست، چرا؟»

وی ادامه داد: «از آن جا که مقام اثباتی انسان‌ها از موضوعاتی است که متعلق دانش تاریخ است و مقام ثبوتی نیز از مقولاتی است که علم کلام خود را متولی تبیین و دفاع از آن می‌داند، فلذا به طور جداگانه - فهم خود را از تعریف و قلمرو دو دانش یاد شده ارائه می‌کنیم تا مدعیاتی که خواهد آمد، مبتنی بر تعاریفی دقیق و درست از مفاهیمی باشد که مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

حضرتی در پایان مسأله و سخن اصلی را اینگونه بیان کرد: «که چگونه می‌توان در پژوهشی تاریخی درباره امامان (ع)، نسبت مکمل بین رویکرد تاریخی و رویکرد کلامی برقرار کرد. نشان دادیم که این دو رویکرد در ماهیت و اساس، هیچ تناقضی با هم ندارند و اگر هر کدام در جای خود نشانده شوند، می‌توانند پروژه امام‌شناسی را با کمک یکدیگر به طور کامل به انجام برسانند. بدون حضور یکی از آنها، امام‌شناسی نمی‌تواند کامل بشود. این نکته را هم در این پژوهش مورد تأکید قرار دادیم که اگر احیاناً میان این دو رویکرد، تناقضی رخ نمود، رجحان و اصالت با رویکرد تاریخی است. زیرا در اساس، دانش کلام در حوزه امام‌شناسی، ذیل تاریخ‌شناسی قرار می‌گیرد، به این اعتبار که علم کلام فاکت‌های خود را درباره امامان، مع‌الواسطه مورخان و گزارش‌های تاریخی تحصیل می‌کند. بنابراین اصالت با دانش تاریخ است، حتی اگر قرار باشد درباره صحت و سقم باورهای دینی از حیث پدیدارشناسانه قضاوت کرد.»



نشست «ورای مقاومت: چالش جنسیت در روایت زنان ایرانی»

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی، هفتمین نشست رساله‌های علوم انسانی و نیازهای جامعه، با ارائه رساله دکتری، دکتر نفیسه شریفی فارغ‌التحصیل دانشگاه لندن با عنوان «ورای مقاومت: چالش جنسیت در روایت زنان ایرانی» در روز دوشنبه سیزدهم شهریورماه برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر نفیسه شریفی اظهار داشت: «آنچه که دغدغه من در این تحقیق بود روایت دو نسل از بدن و سکسوالیته در ایران بود. به این معنی که زنان دهه ۳۰ و دهه ۶۰ از این لحاظ چه نقاط مشترک و چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ به بیان دیگر چه هنجارهایی بازتولید می‌شود و چه هنجارهای جدیدی ایجاد می‌شود؟»

وی با تشریح شیوه انجام تحقیق به شکل تحلیل روایت تأکید کرد: «در این پژوهش، ۸۰ مصاحبه کیفی و نیمه ساختاریافته انجام شده که ۴۰ مصاحبه از میان زنان متولد دهه ۳۰ و ۴۰ مصاحبه با زنان متولد دهه ۶۰ صورت گرفته و تلاش شده مصاحبه شونده‌گان از طبقات مختلف اجتماعی باشند تا تفاوت‌ها نشان داده شود. همچنین سعی شد تا نوعی اعتمادسازی با مصاحبه‌شونده‌گان ایجاد شود تا مطمئن شوند که هویت آنان افشاء نخواهد شد و این امر کمک نمود تا بتوان در مصاحبه‌ها وارد جزئیات روابط خانوادگی افراد شد.»

این استاد دانشگاه در تبیین دستاوردهای پژوهش تصریح کرد: «این تحقیق نشان می‌دهد که خانم‌های دهه ۳۰ که در فضای اجتماعی و انقلابی گروه‌های اسلام‌گرا و چپ‌گرای آن دوران به سن ازدواج رسیدند، دچار بحران جنسی شدند. آنها از یک سو در عرصه اجتماعی تشویق به پوشیدن زنانگی می‌شدند و اهداف والاتر در نظرشان جلوه می‌کرد و به تعبیر دیگر نمایش زنانگی تقبیح می‌شد و از سوی دیگر بعد از ازدواج باید زنانگی را نشان می‌دادند و لذا این امر آنها را دچار دوگانگی و احساس گناه نموده بود.»

وی با بیان این نکته که یکی از اتفاقات زبانی در فارسی این است که کلمات مشخصی برای همه اعضای بدن وجود ندارد، خاطر نشان کرد: «در کشورهای مختلف به ویژه زنان مسلمان در خاورمیانه، عاملیت زن متفاوت است و خود زن عاملیت را جور دیگری تعریف می‌کند. به تعبیر دیگر عاملیت و مقاومت در متن زندگی زنان و توسط خود آنان بازتعریف می‌شود.»

دانش آموخته دانشگاه لندن با نقد نگاه دوگانه‌ای که به زنان وجود دارد، اظهار داشت: «بعضی به گونه‌ای زنان را تقسیم‌بندی می‌کنند که یا زنان مدرن، فعال و در برابر هنجارها مقاوم هستند و یا سنتی، منفعل و در برابر هنجارها تسلیم هستند. در صورتیکه طیفی از آدم‌ها داریم که در شکل‌های دیگر مقاومت می‌کنند و یا در یک سطح مقاومت می‌کنند و در سطح دیگر تسلیم می‌شوند. لذا باید از ساده‌سازی‌های دوگانه برای فهم رفتار زنان اجتناب کرد.»

وی در تشریح بخش دیگری از یافته‌های تحقیق خود گفت: «نتایج نشان می‌دهد که از دهه ۳۰ تا دهه ۶۰ سن ازدواج زنان افزایش داشته است. در کنار آن زنان در عرصه اجتماعی فعال‌تر شده‌اند. همچنین مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که هر میزان زنان از نظر اقتصادی استقلال بیشتری داشته باشند، در مورد بدن خود راحت‌تر تصمیم می‌گیرند.»

خانم دکتر شریفی با اشاره به تفاوت‌های دو نسل تأکید کرد: «معنای ازدواج و معنای باکرگی برای دو نسل متفاوت است. دختران در حال حاضر مرسوم است که دوست پسر داشته باشند و یا با خواستگار خود به سینما بروند، امری که در نسل گذشته سابقه نداشته است. لذا در نسل دهه ۶۰، امر جنسی به صورت یک دغدغه برای زنان درآمده است. به بیان دیگر امر جنسی در نزد زنان مشروعیت لذت را پیدا کرده و دیگر به مثابه تولید مثل صرف به آن نگرسته نمی‌شود.»

وی در پایان ضمن اشاره به اینکه امروزه اطلاعات بسیار راحت‌تر در اختیار نسل جدید قرار دارد، تأکید کرد: «آنچه که اهمیت دارد این است که به تجربه زنان، نوع زیست آنان و فهم و معنای خودشان از این نوع زیست باید احترام گذاشت و از کلیشه‌سازی‌های رایج اجتناب کرد.»

در انتهای جلسه خانم دکتر شریفی به پرسش‌های حاضران پاسخ گفت.



نشست «سینمای اجتماعی: چالش‌ها و چشم‌اندازها»

معاونت فرهنگی - اجتماعی، به مناسبت روز ملی سینما، نشستی تحت عنوان «سینمای اجتماعی: چالش‌ها و چشم‌اندازها» را با حضور علی ژکان، محمد مهدی عسگریور از کارگردانان سینما و دکتر محمد نجاری از کارشناسان سینما، روز دوشنبه ۲۰ شهریور در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار کرد.

در ابتدای این نشست، دکتر حیاتی دبیر نشست، ضمن خوشامدگویی به مهمانان اظهار داشت: «چند سالی است که مطالعات بین رشته‌ای بین کنشگران علوم انسانی مطرح است. اهمیت این مطالعات به این دلیل است که توسعه آن می‌تواند به بازسازی فرهنگ بینجامد و همچنین ما را به علوم انسانی کاربردی نزدیک کند تا بتوانیم بخشی از مشکلات اجتماعی را رفع کنیم. بدین سبب یکی از برنامه‌های معاونت فرهنگی - اجتماعی ایجاد گفتگو بین اصحاب علوم انسانی و شاخه‌های دیگر علمی و هنری از جمله اهالی صنعت سینما است و شاید یکی از بزرگترین اقدامات برای توسعه مطالعات بین رشته‌ای همین ایجاد گفتگوهای مشترک و فهم و درک مشترک است.»

وی در ادامه به طرح پرسش‌هایی که در رابطه با سینمای اجتماعی وجود دارد، پرداخت و گفت: «آیا اساساً اصطلاح سینمای اجتماعی درست است؟ تقابل سینمای اجتماعی با کدام سینما است؟ سینمای سرگرمی‌ساز یا سینمای تخیلی؟ آیا ژانری به نام سینمای اجتماعی داریم و باید‌ها و نبایدهای آن چیست؟ مؤلفه‌های آن چیست؟ و چه نسبتی با مفاهیم علوم انسانی پیدا می‌کند؟»

در ادامه، علی ژکان از کارگردانان سینما با اشاره به اینکه سؤالات دامنه وسیعی دارد و نمی‌توان در یک جلسه به آن پرداخت، گفت: «جای رابطه سینماگر و پژوهشگران خالی است تا بتوانیم به زوایای مشترک برسیم و بینیم مشکلات کجاست؟»

وی ادامه داد: «در سینمای اجتماعی مسائل اجتماعی مطرح است. یعنی محتوای اثر سینمایی، یک رابطه و نسبتی با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم آن کشور دارد. این مؤلفه بارزترین شکلی است که می‌توانیم ارزیابی کنیم که یک فیلم آیا سینمای اجتماعی است یا خیر؟ اگر به این مؤلفه قائل باشیم، من فکر می‌کنم برجسته‌ترین چالش این سینما چه در قبل انقلاب و چه در بعد از انقلاب، چالش ممیزی و کنترل و نظارتی است که روی این گونه سینمایی اعمال شده است. اگر مقررات و کنترل و نظارتی که در این سال‌ها اعمال شده مورد مطالعه قرار گیرد، شاهد هستیم که چه فیلم‌هایی در این چالش آسیب دیدند، در صورتیکه ژانرهای دیگر سینمایی کمتر با این چالش مواجه بودند.»

وی تأکید کرد: «حمایت دولت، مخصوصاً پس از انقلاب همیشه یاور سینمای اجتماعی بوده است. اما کنترل و نظارتی را با خود به دنبال آورد که به شکل محترمانه و خیرخواهانه بود. یعنی با شعار حمایت، هدایت و نظارت، سینمای اجتماعی تحت کنترل و مهار دولت قرار می‌گیرد.»

این کارگردان سینما در بخش دیگری از صحبت‌های خود اظهار داشت: «سینمای اجتماعی در تقابل با سینمایی است که تحت عنوان فیلم فارسی مطرح می‌شود. این نوع فیلم‌ها رابطه مستقیمی با ترسیم واقعیات اجتماعی ندارند و در واقع به شکل احساساتی به موضوعات می‌پردازند که ربطی به مسائل واقعی مردم ندارد. ضمن آنکه اینگونه از سینما به گونه محتوایی ارزیابی می‌شود نه با نگاه فنی و ساختاری مثل میزانشن، نورپردازی، بازی یا... سایر عناصر سینما مثل یک ژانر بسازد. در گونه‌های سینمایی یا مؤلفه‌های ساختاری را مورد توجه قرار می‌دهیم یا محتوایی و یا هر دو. در مورد سینمای اجتماعی اگر قبول کنیم ژانر است، بیشترین مؤلفه آن محتوای اثر است و نگاه فیلم‌ساز به مساله‌ای که مطرح می‌کند.»

علی ژکان خاطر نشان کرد: «ذات سینما هنر بین رشته‌ای است. سینما در واقع پیش از خودش پشته تاریخی نداشته است. یعنی حاصل تحولات تکنیکی و صنعتی شدن جهان بود و وقتی به وجود آمد، هیچ چیزی پیش از خودش نداشت و برای حیاتش به هنرهای دیگر رجوع کرد، مثل تئاتر، ادبیات، عکاسی و نقاشی و... لذا هنر سینما اساساً هنر بین رشته‌ای است و از این منظر باید نگاهش کرد.»

وی افزود: «بین سینما و اجتماع قطعاً رابطه دو طرفه وجود دارد. نه در ایران، بلکه در سراسر دنیا، سینما همیشه بر جامعه‌اش تأثیر می‌گذارد و از خود جامعه هم برای طرح مسائل و فیلم‌های بعدی‌اش تأثیر می‌گیرد. تأثیر در تمام سطوح زندگی بشری اتفاق می‌افتد. خیلی‌ها اساساً تحت تأثیر فیلم‌ها، مثل آنها زندگی می‌کنند، مثل آنها عاشق می‌شوند. به هرحال تأثیر حد و مرز ندارد و به دلیل قدرت تأثیرگذاری آن است که سینما همیشه مورد توجه است. حکومت هم برای همین به دنبال تحت سلطه قرار دادن آن است.»



علی ژکان در پایان سخنانش تأکید کرد: « برای ما افتخار است که سینمای ایران به عنوان یک سینمای اجتماعی توانسته در سطح جهان مطرح شود و جوایز بین‌المللی بگیرد. این برای صنعت سینمای ایران، که چالش جهانی شدن دارد، بسیار حائز اهمیت است.»

در ادامه این نشست، عسگریور از کارگردانان سینما و تلویزیون اظهار داشت: «واقعیت این است که اگر تاریخ سینمای را مرور کنید، اولین چیزی که در سینما شکل گرفت، این بود که مردم می‌آمدند در سینما که سرگرم شوند و سینما هم این ادعا را داشت که می‌خواهد مردم را سرگرم کند. اما در ادامه سینما نشان داد که می‌تواند به خیلی از مسائل اجتماعی روز خودش هم اشاره کند که می‌تواند نقاط ملتهب هر جامعه باشد. به دنبال آن ممکن است هر فرد و نهادی عکس‌العمل‌های خاص خودشان را داشته باشند. حکومت‌ها یک جور، دولت‌ها یک جور و مردم و نهادهای اجتماعی یک جور عکس‌العمل داشته باشند و آن مدل فیلم‌سازی را تحت تأثیر قرار دهند. همچنانکه مدل فیلم‌سازی هم می‌تواند مردم را تحت تأثیر قرار دهد.»

وی با ارائه دسته‌بندی کلی نوع مواجهه و تعامل جوامع مختلف با این سینما خاطر نشان کرد: «بین این سینما و رشد اجتماعی هر کشور و میزان ظرفیت نقدپذیری آن جامعه رابطه وجود دارد. شما در مورد ایران زیاد شنیدید که می‌گویند سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی سیاه‌نمایی می‌کند و چهره درستی از ایران نشان نمی‌دهد. در صورتیکه اساساً جشنواره‌ها چنین کارکردی پیدا کرده‌اند. بدان معنی که اگر بروند و فیلم‌های جشنواره‌ها را نگاه



کنند، از هر کشور، فیلم‌هایی که عمدتاً سینمای اجتماعی است، حضور پیدا می‌کند و معمولاً هم نقادانه به موضوعات اجتماعی خودشان نگاه می‌کنند. خیلی کشورها این وضعیت را دارند و فیلم‌هایی که پذیرفته شدند را نگاه کنید می‌بینید که چه نگاه‌های تند انتقادی به وضعیت کشور خودشان دارند و به عنوان نماینده آن کشور هستند و جایزه هم بگیرند، در کشور خودشان به آنها افتخار می‌شود.»

وی با مقایسه این وضعیت با ایران افزود: «ما با خیلی از کشورهای دنیا متفاوتیم و نمی‌توانیم یکسان بدانیم. دلیل آن هم عمدتاً این است که ما در حوزه فرهنگ و هنر استراتژی مشخصی حداقل بعد از انقلاب نداشتیم. چون نسبت خیلی مشخصی بین استراتژی فرهنگی یک حکومت با سینمای اجتماعی که ممکن است در یک کشور رشد کند، وجود دارد. به دلیل نبود این استراتژی، با وضعیتی مواجه هستیم که هیچکدام از دولت مردان نسبت به افتخارات همین سینما نمی‌توانند عکس‌العمل نشان دهند، یعنی کجای دنیا است که مسئولین فرهنگی نمی‌توانند راجع به جایزه اسکاری که کشورشان گرفته اظهار نظر کنند؟»

این کارگردان سینما تصریح کرد: «عمده دلیل آن این است که جامعه ما نقدپذیر نیست. شما زیاد شنیدید که سینماگران نسبت به هیچ گروه اجتماعی نمی‌توانند انتقاد داشته باشند. به همین دلیل شخصیت‌های منفی در فیلم‌ها اکثراً شغل ندارند. یعنی ما در جامعه‌ای که نقدپذیر نیست و تحمل مطلقاً وجود ندارد، می‌گویند حتماً شما انتقاد کن، اما مدیران به شدت محافظه‌کار هستند و به محض اینکه احساس کنند کوچکترین خطری برای میز و صندلی آنها دارد، حاضر نیستند پای اینها بایستند. بنابراین ما نه استراتژی مشخصی داریم و نه جامعه نقدپذیر. جامعه هم همین پالس را به مدیریت می‌دهد. البته مدیران باید بتوانند طراحی درست کنند. چون به نیابت از مردم در این مدیریت‌ها قرار گرفتند و مردم هم البته باید کمک کنند.»

عسگریور تأکید کرد: «با تمام این تفاسیر، شما می‌بینید فیلم‌هایی از کشور ما ساخته می‌شود که اتفاقاً به دل مخاطب هم می‌نشیند و در خارج از کشور هم بعضاً مورد عنایت قرار می‌گیرد و این افتخار بزرگی است برای سینمای ایران



که با این وضعیت توانسته چنین فیلمی بسازد.»

وی در ادامه گفت: «خود این، طبیعت فیلم‌ساز را به سمتی سوق می‌دهد که به اصل موضوع خیلی وقت‌ها نمی‌تواند بپردازد. در صورتیکه ما سرمایه‌های نهفته زیادی داریم، فیلم‌سازان زیادی هستند که به هر حال در این مملکت وقتی فیلم می‌سازند، به عنوان نظریه‌پرداز اجتماعی مطرح هستند. ما تقریباً نتوانستیم از سرمایه‌های خودمان استفاده کنیم که بتوانیم حتی به معضلات اجتماعی خودمان نزدیک شویم. در واقع عملیات فیلم‌سازی به خصوص در حوزه اجتماعی مثل کار چریکی می‌ماند. یعنی انواع و اقسام پیچ و خم‌هایی وجود دارد، تنها به این خاطر که آدم‌ها دچار سوء تفاهم نشوند و این نه فقط فیلم‌ساز که مدیریت و اساساً جامعه ما را در بر گرفته است.»

وی در انتهای سخنان خود اظهار داشت: «من فکر می‌کنم سینمای اجتماعی ایران می‌تواند به همین لایه‌ها اشاره کند و باید به دنبال آن باشد که چگونه می‌تواند لایه‌های خودسانسوری را بردارد و خود واقعی را نشان دهد. ما خیلی خود واقعی خودمان نیستیم. من امیدوارم که بتوانیم به خود واقعی خودمان نزدیک بشویم. البته در نتیجه آن ممکن است آن فیلم‌ساز مورد علاقه را بیشتر دوست داشته باشید یا اصلاً دیگر دوست نداشته باشید. ما اصولاً خیلی خود واقعی نیستیم.»

در قسمت پایانی این نشست، دکتر نجاری، کارشناس سینما در مورد سینمای اجتماعی گفت: «نام‌گذاری گونه سینمای اجتماعی از جمله اشتباهات مصطلح می‌باشد که در کشور ما به وفور رخ داده است. در هیچ کجای جهان ژانری به نام سینمای اجتماعی وجود ندارد. چون اساساً سینما غیر از اجتماع نیست، وقتی ما در مورد یک کنش صحبت می‌کنیم، الزاماً قهرمان در مقابل اجتماع است و قهرمان می‌خواهد یک وضعیتی را تغییر دهد و در نتیجه یک کنش اجتماعی رخ می‌دهد. بنابراین این اصطلاح ساخته و پرداخته منتقدان است.»

وی افزود: «سینمای اجتماعی را می‌توانیم ذیل درام‌ها بررسی کنیم، مثل درام‌های اجتماعی. سینمای اجتماعی یک سینمای ضد تخیل است که تکنیک‌های درام را بکار می‌گیرد و کنشگر اصلی سعی می‌کند در یک سفر رمانتیک، این نوع سینما را خلق کند.»

این منتقد سینما با اشاره به دوره‌های مختلف سینمای اجتماعی خاطر نشان کرد: «در دهه ۴۰ و ۵۰ در سینمای اجتماعی، قهرمان‌هایی هستند که علیه وضعیت اجتماعی دست به عصیان می‌زنند و حرکت می‌کنند. اگر چه سرنوشت آنها تراژیک است، اما حیثیت قهرمان را حفظ می‌کنند. شخصیت‌های این فیلم‌ها کسانی هستند که امیدی به اجتماع و قانون ندارند. بعد از پیروزی انقلاب، سال‌های دوره جنگ، به تعبیری سینمای اجتماعی نداریم. هر چه که در این سینما رخ می‌دهد، به پیش از انقلاب مربوط می‌کنیم. سینمای اجتماعی در این دوران اگر هم وجود دارد به اعتیاد، مذمت مهاجرت به خارج، طلاق و دعوای خانوادگی بسنده می‌شد. نکته مهم این است که هیچ سیاستگذاری مدونی نداشتیم و نداریم و جای بسی تأسف است.»

وی در ادامه به دوران اصلاحات اشاره کرد و افزود: «در سال‌های اصلاحات، سینما هر چه بغض فرو خورد داشت، به زبان می‌آورد. آنچه که در این سال‌ها متولد می‌شود، سینمایی است شعاری و پر از فریاد که بیشتر نقد سیاسی است. در دهه ۸۰، نوک پیکان نقد اجتماعی از سیاست گرفته می‌شود و به سمت مردم و جامعه می‌رود. در این دهه طبقه متوسط شخصیت‌های اصلی قصه هستند. سیاست به حاشیه می‌رود و خانواده و فرد و درگیری‌های فرد با جامعه مسیر خودش را باز می‌کند. ضمن آنکه در این دهه مدیران هم می‌خواستند دچار مشکل نشوند و لذا هر فیلمی که دستشان رسید، دچار سانسور شد که این فقط دشمن شادکن بود.»

دکتر نجاری تأکید کرد: «سینمای اجتماعی در دنیا متأثر از چپ است، اما در ایران هیچ جایگاه مشخص سیاسی ندارد. از سوی دیگر فیلم‌سازها مداومت هم ندارند. اگر یک آسیب‌شناسی از این سینما انجام دهیم، از یک طرف می‌بینیم که فیلم‌سازان ادبیات را فراموش کردند و از طرف دیگر به سمت‌های و هوی سینمای شعاری و سطحی که حرف‌های بسیار ابتدایی زده می‌شود، رفته‌اند.»

وی در پایان تصریح کرد: «اگر این سینما سیاستگذاری مدون نداشته باشد و با ادبیات آشتی نکند، ما به سمتی می‌رویم که تنها برای تیتراهای جنجالی جواب می‌دهد که این هم تا یک جایی جواب می‌دهد و تا یک جایی از این سینما می‌توانیم برای جشنواره‌ها استفاده کنیم. در صورتیکه من تأکید می‌کنم که آنچه در این حوزه از سینما رویداده است، شعار و ملغمه‌ای است که به ناکجا آباد می‌رود، در حالیکه سینما نیازمند واقع‌گرایی است. امیدوارم روزی آزادی، برادری و برابری از طریق سینما رشد پیدا کند و سینمای ایران بتواند پیام صلح و نوع دوستی را به گوش جهانیان برساند.»

در انتهای این نشست، مهمانان به پرسش‌های دانشجویان و پژوهشگران پاسخ گفتند.

نشست « بررسی برخی زمینه‌های حقوقی قیام عاشورا و تحولات پس از آن »



پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی، نشست علمی با عنوان «بررسی برخی زمینه‌های حقوقی قیام عاشورا و تحولات پس از آن» را با سخنرانی دکتر محمدعلی فتح‌الهی در ۴ مهرماه ۹۶ برگزار کرد.

در ابتدای نشست، دکتر فتح‌الهی ضمن بیان عهدنامه صلح امام حسن(ع) به عنوان زمینه حقوق اساسی برای واقعه عاشورا گفت: «در این سند قانونی آمده بود که حکومت از امام حسن(ع) به معاویه منتقل می‌شود و بعد از معاویه مجدداً به امام حسن(ع) بر خواهد گشت. اگر هم برای امام حسن(ع) حادثه‌ای اتفاق بیفتد، امام حسین(ع) حکومت را برعهده خواهد داشت. لذا جامعه آن روز خصوصاً در عراق برطبق عهدنامه، بعد از مرگ معاویه در انتظار حکومت امام حسین علیه‌السلام بودند که آن نامه‌های فراوان دعوت از ایشان را ارسال کردند. امام حسین(ع) از لحاظ حقوقی اساسی باید قیام می‌کردند، هرچند که متوجه قدرت بنی‌امیه و بی‌وفایی اهل عراق بودند و می‌دانستند عملاً بعید است که حکومت به دست ایشان بیفتد.»

وی در ادامه گفت: «این پابندی به حقوق اساسی تا زمانی بود که حر بن یزید رباحی با لشکری از طرف ابن زیاد آمد و با امام برخورد کرد. مسئولیت حقوقی عهدنامه از عهده امام برداشته شد و نامه‌هایی که نوشته شده بود بلا اثر شدند. لذا امام از آنها خواست که بگذارند تا به مدینه برگردد یا حتی جایی غیر از مکه و مدینه برود؛ که نگذاشتند و حضرت را بین کشته شدن و تسلیم مخیر کردند و حادثه عاشورا رخ داد. صرف رسیدن به حکومت راه‌های دیگری هم داشت اما امام می‌خواستند حرمت عهدنامه را حفظ کنند و اینکه بنای حکومت در اسلام این است که براساس عهدنامه و حقوق اساسی صورت بگیرد. سابقه این اقدام امام هم به حکومت پیامبر اسلام(ص) در مدینه که بر پایه منشور مدینه شکل گرفت، برمی‌گشت.»

ایشان ضمن بیان اهمیت حادثه عاشورا به عنوان تفکیک‌کننده اسلام واقعی و کاذب گفت: «این حادثه هدف مؤسس اسلام را تکمیل کرد. این معنی برای اقوام تازه مسلمان شده و به‌ویژه ایرانیان که ناظر حوادث جهان اسلام بودند، پیام بسیار جدی‌تری را همراه داشت. لذا با گذشت دو سال از قیام عاشورا، ایرانی‌ها به رهبری مختار قیام کردند. تفکیک اسلام واقعی از اسلام کاذب و صوری، باعث شد تا قدرت قضاوت بین مردم و ایرانی‌ها که تجربه‌های حکومتی و سیاسی داشتند ایجاد شود و انسجام هویتی پیدا کنند. شکل‌گیری حکومت اموی - رومی در شام هم مزید بر علت بود که بازسازی حکومت ساسانی در قالب اسلامی مورد توجه ایرانیان قرار گیرد. این حرکت به خلافت بنی‌عباس که خلافت ایرانی بود منجر شد و ایران به عنوان مرکز تمدن و تحولات اسلامی رخ نمود.»



نشست «آینده برجام در پرتو تحولات اخیر»

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل، هفتاد و هفتمین نشست علمی خود را با عنوان «آینده برجام در پرتو تحولات اخیر» با سخنرانی دکتر جهانبخش ایزدی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل روز سه شنبه ۹۶/۷/۲۵ برگزار کرد.

در ابتدای نشست، دکتر جهانبخش، ابعاد تئوریک و چهارچوب نظری بحث را چنین مطرح کرد: «تئوری موازنه قوا (Balance of Power) که جزء تئوری‌های کشمکش و منازعه است، هم برای تبیین دوران



تاریخی مبتنی بر توازن قوا ارائه شده است و هم برای توصیه سیاستی که اساس آن را موازنه قدرت شکل دهد. این تئوری در حال حاضر نیز یکی از کارآمدترین نظریه‌ها در رهیافت واقع‌گرایانه از روابط بین‌الملل می‌باشد. از این رو موازنه قوا، مقوله مناسبی برای توضیح سیاست آمریکا در خصوص برجام است. توزیع قدرت، منابع، ارزش‌ها و... در

ایجاد موازنه بسیار مهم است و بازدارندگی نیز یکی از اصلی‌ترین موضوعات و مفروضات در موازنه قواست. منتهی تفاوتی در موازنه قدیم و جدید داریم که در دستگاه‌های تحلیلی باید به این مسئله پرداخته شود. کسینجر معتقد است نظریه سنتی موازنه قوا بر دو بعد نظامی و صنعتی تمرکز داشت، اما هم اکنون موازنه قوا بر سطح استعدادها، توانایی‌ها و تولیدات و داشته‌های علمی کشورها متصور است. وقتی انحصار موازنه - مثلاً در خصوص هسته‌ای - در سطح قدرت‌های بزرگ از بین می‌رود، موازنه قوا نیز شکننده می‌شود. نگاه آمریکایی‌ها به موضوع هسته‌ای ایران را از این منظر می‌توان تحلیل کرد.»

وی ادامه داد: «باید گفت که Establishments (رهبران و شخصیت‌های تأثیرگذار، احزاب، نهادها، رسانه‌ها، کنگره و...) همه آنها به نوعی محافظه‌کار هستند و این محافظه‌کاری با واقع‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا همراهی دارد. در این چارچوب، آمریکایی‌های محافظه‌کار در سیاست خارجی خود با برنامه هسته‌ای ایران حتی از دهه ۱۹۶۰ میلادی نیز مخالف بودند و معتقد بودند موازنه قوا در منطقه از بین می‌رود. ایران کشوری انقلابی است و از نظر آمریکا، روحیه انقلابی (آرمان‌گرایانه) در کنار برنامه موشکی و برنامه هسته‌ای، توأمان موازنه قوای منطقه‌ای و جهانی آمریکا را برهم می‌زند. لذا ایران علاوه بر برهم زنده بودن نظم آمریکایی منطقه‌ای، با ایدئولوژی و سابقه تمدنی خواهان تغییرات در سطح جهانی نیز هست. این برداشت در تمام سطوح ساختاری و سیستمی آمریکا وجود دارد و هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه این تفکر را قبول دارند، لذا غنی‌سازی هسته‌ای را به هیچ وجه قبول نمی‌کردند و این مسأله در سخنرانی‌های آقای ترامپ کاملاً مشهود است. تغییر موازنه قوا در منطقه از نظر آنها چند نتیجه دارد. اول اینکه امنیت اسرائیل به خطر می‌افتد. دوم اینکه متحدین عرب آمریکا تهدید می‌شوند. سوم اینکه نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه در خطر قرار می‌گیرند. اگر صنعت هسته‌ای و موشک بالستیک در خدمت نظام انقلابی آرمان‌گرای ایران باشد از نظر آمریکایی‌ها برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه برهم می‌خورد و به دلیل اهداف هژمونیک ایران، متحدین عرب آمریکا در خلیج فارس در وضعیت تهدید سرزمینی و امنیتی قرار می‌گیرند و عواقب اقدامات ایران، فرامنطقه‌ای خواهد بود و نظم بین‌المللی غرب‌محور به خطر می‌افتد. لذا از حیث تئوریک می‌توانیم بگوییم آمریکایی‌ها با هرگونه امتیازدهی به

ایران در این حوزه‌ها از جمله هسته‌ای مخالفند.»

این استاد دانشگاه افزود: «در این چهارچوب یک هیاهوی سیاسی طی چهار دهه اخیر علیه ایران راه انداختند و یک بروکراسی در این رابطه در داخل آمریکا علیه ایران شکل داده‌اند. نفوذ لابی‌ها، کنش و واکنش‌ها، تفکر موازنه قوایی، هیاهوی سیاسی و جنجال تبلیغاتی، ایران را کشوری انقلابی، حامی تروریسم و جنگ افروز به سیستم و به افکار عمومی آمریکا، معرفی می‌کند. لذا ساختار محافظه کار آمریکا به سمت سیاست‌های مداخله جویانه علیه ایران سوق پیدا می‌کند. حتی در زمان اوباما نیز می‌بینیم او قدرت شکستن این انحصار را نداشت و کنگره علی‌رغم تصویب برجام و قطعنامه شورای امنیت، برجام را تصویب نکرد و آن را موکول به راستی‌آزمایی از سوی آژانس نمود و تحریم‌ها تعلیق شد. به اعتقاد کسینجر به عنوان مغز متفکر در دستگاه فکری ترامپ، سه کار برای کنترل ایران باید انجام شود: (عدم دستیابی ایران به سیستم پرتاب موشک - عدم اجازه ساخت کلاهک هسته‌ای به ایران - عدم پذیرش هیچگونه غنی‌سازی توسط ایران). این سه جنبه را در سخنان ترامپ مشاهده می‌کنیم. لذا ترامپ تعهد ایران به برجام را از لحاظ تکنیکی تأیید نکرد و در کنار آن ادعای عدم بازرسی از سایت‌های نظامی را مطرح نمود. علاوه بر آن سخنان ترامپ معطوف به نقض روح برجام بود. در این رابطه، بحث نفوذ منطقه‌ای، توسعه فعالیت‌های موشکی ایران و حمایت از تروریسم را مطرح کرد و بخش دیگر سخنان او متوجه سپاه پاسداران بود که در چارچوب موازنه قوا قابل بررسی است. ترامپ برخلاف دوره اوباما که به کنگره میدان نمی‌داد، کنگره را مأمور این کار کرد و به نوعی در این رابطه به کنگره مسئولیت داد. تلاش دیگر ترامپ برای ایجاد فاصله میان مردم و دولت ایران بود که در این زمینه با کاربرد واژه جعلی خلیج عربی سخنان او تأثیر مثبت یا مطلوبی بر مخاطب ایرانی نداشت. شاید دلیل این اقدام آمریکایی‌ها حمایت از متحدین عربی بود. به‌طور کلی نکات کلیدی بحث ترامپ عبارت از تحریم سپاه از جانب وزارت خزانه داری به دستور ترامپ، عدم تأیید پایبندی ایران به برجام و تمرکز روی محدودیت‌های هسته‌ای ایران نه به‌صورت زمانی، بلکه همیشگی بود.»

دکتر جهانبخش به مزیت اقتصادی این توافقنامه اشاره کرد و اظهار کرد: «برجام برای آمریکایی‌ها

هیچ مزیت اقتصادی ندارد و این توافق‌نامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به رسمیت شناخته و برجام امکاناتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که موجب می‌شود ایران در منطقه جسورتر شود و موازنه منطقه‌ای مطلوب آمریکا را از بین می‌برد. آقای ترامپ استراتژی جدید خود را این گونه توضیح داد: اول؛ کار با شرکای منطقه‌ای برای جلوگیری از حمایت ایران از تروریسم. دوم؛



جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های متعارف که کشتی رانی را تهدید می‌کند. سوم؛ جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای. وی گفت تمرکز ما روی نارسایی‌های برجام هست و اگر کار مشترک در این زمینه با شرکای اروپایی جواب نداد، از برجام خارج می‌شویم. خنثی‌سازی نفوذ منطقه‌ای ایران، مهار و محدودسازی ایران، و... را می‌توان به عنوان اهداف اعلام شده ترامپ دانست. بر این اساس دولت ترامپ احتمالاً قانون نظارت بر توافق هسته ایران (اینار) را دوباره در دستور کار قرار می‌دهد و همچنین به شکلی قانون کاتسا نیز موضوعیت پیدا می‌کند. در قانون کاتسا به سه نکته حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و سلاح هسته‌ای اشاره شده است و به آمریکا اجازه می‌دهد با ایران برخورد کند. واکنش اروپایی‌ها به سخنان ترامپ عمدتاً ناشی از نگرانی و ضعف بود. البته باید توجه داشته باشیم که بخشی از سخنان ترامپ در اروپا خریدار دارد. واکنش مهم‌تر در داخل کنگره بود؛ که این اشکال به ترامپ گرفته شد که خود ترامپ



می‌توانست برجام را لغو کند و چرا توپ را به زمین کنگره انداخت. چین و روسیه هم در حد اعلام موضع از برجام حمایت کردند.»

وی در بخشی دیگری از سخنرانی به راهکارهای ایران در مواجهه با این شرایط اشاره کرد.
- خروج از برجام که بعید است ایران در این شرایط بنا به خواسته آمریکایی‌ها از برجام خارج شود.
- ایران در برجام باقی بماند و از طریق سازو کارهای درونی برجام مطالبات خود را پیگیری نماید. در این صورت با توجه به مکانیسم ناقص و ضعیف طراحی شده در برجام، بعید است راه حلی پیدا شود.
- باقی ماندن در برجام و همکاری با اتحادیه اروپا که اروپا معتقد است برجام صرفاً در خصوص برنامه هسته‌ای ایران است و لذا آنها می‌توانند در خصوص مفاهیم دیگر از جمله حقوق بشر با آمریکایی‌ها همکاری کنند.

- واکنش متقابل به اقدامات ترامپ که به دلیل این که رابطه اقتصادی خاصی با آمریکا نداریم، هر نوع تحریم آمریکا از جانب ایران تأثیر چندانی ندارد.
- تجدید نظر در برجام از طریق مذاکره که ایران آن را تاکنون رد کرده است. اما به فرض قبول، باید ببینیم نوع مذاکره چگونه خواهد بود.

راهکارهای طرف مقابل نیز عبارتند از:
- در حال حاضر یکی از سناریوهای آنها تشدید تحریم‌ها و وادار کردن ایران برای خروج از برجام و انداختن مسئولیت آن بر ایران است.

- خروج یک جانبه آمریکایی‌ها از برجام، در اینجا این بحث مطرح می‌شود که آمریکا با این کار در سطح جهان منزوی می‌شود. ترامپ و تیم او از این موضوع ابایی ندارند و اعلام کردند از یونسکو و... خارج می‌شوند. از سوی دیگر موضوع انزوا را نیز باید درست تعریف کنیم.

- تلاش برای افزودن مکمل‌های مورد نظر در برجام از طریق مذاکره با ایران و شرکای اروپایی.
- لغو برجام و ممانعت از اجرای آن.

در پایان نشست صاحب‌نظران و حاضرین در جلسه به ارائه نظر و نقد پرداختند.

- اگر بپذیریم ساختار آمریکا محافظه‌کار است، این ویژگی‌ها چرا در دوره اوباما و مذاکرات برجام کارایی خود را نشان نداد؟ به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها متوجه هستند که جمهوری اسلامی ایران از مواضع خود عدول نمی‌کند. لذا بر این اساس باید ببینیم آینده برجام با چه سناریوهایی رو به روست. باید به این موضوع بپردازیم، چه اتفاقی در آمریکا افتاده که از اشتیاق به مذاکره برای دستیابی به توافق هسته‌ای، به این موضع رسیدند و خواهان بلا اثر کردن برجام هستند؟

- ما باید سه سطح را از هم تفکیک کنیم: سطح اول، داخل کشور آمریکا و منازعاتی که در داخل این کشور وجود دارد. در حال حاضر طرف‌هایی که خواهان مهار و محدود کردن ایران هستند در آمریکا تقویت شده‌اند. سطح دوم، سطح منطقه‌ای در خاورمیانه است. روابط ایران و اعراب، بخصوص با عربستان، تا حدودی خصمانه شده و ارتباط این دولت‌ها با دولت آمریکا موضوع مهمی است. سطح سوم

سطح سیستمی است. مناسبات آمریکا

با قدرت‌های بزرگ و نوع روابط ایران با روسیه، چین و اتحادیه اروپا بسیار مهم است. بر این اساس به نظر می‌رسد آمریکا به دنبال سنگین کردن فضای امنیتی علیه ایران است که به معنی خروج از برجام نیست و کنگره به راحتی این امر را نخواهد پذیرفت.

- آمریکا همواره در دو سطح با ایران پس از انقلاب برخورد داشته یک سطح سیاسی است که ایران موازنه قوای مورد



نظر آمریکا در منطقه را آسیب زده و سطح دوم سطح فرهنگی و تمدنی است که به استراتژی کلان ایران در منطقه برمی‌گردد. البته در کنار عوامل ساختاری، عوامل ارادی نیز در این شرایط تأثیر داشته

اند. مانند حرکتی که اوپاما انجام داد و الان ترامپ نوع دیگری برخورد می‌کند. لذا می‌توان گفت که تاکتیک آمریکایی‌ها عوض شده است. اما در مجموع می‌بینیم اختلاف جدی در سطح کارگزاری و ارادی و ساختاری آمریکا وجود ندارد.

- در تحلیل‌هایی که نسبت به مواضع آمریکا در خصوص منطقه و ایران می‌شود کمتر بر نقش فعال ایران، رفتار، قدرت و سیاست ایران تأکید می‌شود. در صورتی که اقدامات آمریکا نوعی واکنش به کنش‌گری ایران در منطقه محسوب می‌شود.

- دو رویکرد داخل آمریکا وجود دارد رویکرد استفاده از قدرت سخت مانند کاری که بوش پسر انجام داد و رویکرد استفاده از قدرت هوشمند توسط اوپاما. ایران باید در سه سطح منطقه‌ای، بین‌المللی و اقتصادی برنامه‌ریزی کند و ابتکار عمل نسبت به مسائل منطقه‌ای بین‌المللی و اقتصادی داشته باشد.

- آنچه که برای ترامپ و تیم او اهمیت دارد، این است که وضعیتی که اوپاما ایجاد کرده قابل قبول نیست. لذا آنها از نظر بین‌المللی خواهان کاهش نقش روسیه در منطقه و نظام جهانی و ارتباط آن با ایران هستند. از سوی دیگر ترامپ با ساکت کردن لابی اسرائیل و عربی خواهان این بود که اقدامات خود را در داخل و خارج آمریکا پیش ببرد. در این شرایط اروپایی‌ها نیز می‌توانند برای کنترل وضعیت به امتیازگیری از ایران و حتی آمریکا روی بیاورند.

- هرگاه آمریکایی‌ها مشکل داخلی داشتند با افراط‌گری در سیاست خارجی واکنش نشان داده‌اند. در پایان دکتر جهانبخش به جمع‌بندی مطالب پرداخت و گفت: «ساختار و سیستم آمریکا هیچ‌گاه با جمهوری اسلامی ایران بر سر مهر نبوده و نخواهد بود. اما اقدام به حمله نظامی نمی‌کند، مگر ناخواسته باشد. جان‌کری در ماه‌های پایانی و روزهای پایانی دولت اوپاما گفت، باید برای برنامه موشکی ایران نیز برجام دیگری راه انداخت. لذا ترامپ نیز به دنبال این است که بحث‌های دیگر به برجام اضافه شود و ضعف‌های برجام پوشش داده شود. به نظر می‌رسد ایران از برجام خارج نمی‌شود، مگر این که برجام هیچ خاصیتی نداشته باشد. آمریکایی‌ها نیز حتی المقدور سعی می‌کنند ظاهر را حفظ کنند، اما تلاش می‌کنند با اعمال فشار، برجام را از داخل تهی کنند. در حال حاضر ایران به وضع موجود راضی است و نفوذ منطقه‌ای ایران، بخشی از موازنه قوا شده است که منافع آمریکا را برهم می‌زند. نگاه اوپاما این بود که ایران را باید یک ضلع موازنه در منطقه دید، اما ترامپ به این دیدگاه قائل نیست و به سمت جهان عرب روی آورده است. البته آمریکا به هیچ وجه خواهان این نیست که ایران به حوزه استراتژیک روسیه نزدیک شود.»



«ضرورت بازنگری در مبانی نظری روش تحقیق در ادبیات عرفانی»

در راستای اجرایی کردن تفاهم‌نامه همکاری میان پژوهشگاه علوم انسانی و قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی دانشگاه اصفهان، در بهار سال ۱۳۹۵ جلسات متعددی میان دکتر محمد محمدنژاد، رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات پژوهشگاه و دکتر میرباقری‌فرد، مدیر قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی، برگزار شد و مقرر گردید که قطب علمی دانشگاه اصفهان چندین کارگاه و نشست با همکاری پژوهشکده زبان و ادبیات برگزار نماید که نخستین آنها، «کارگاه آموزشی به کارگیری تخصصی رایانه در تحقیقات زبان و ادبیات فارسی» بود که در ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ در سالن ادب برگزار گردید.

«ضرورت بازنگری در مبانی نظری روش تحقیق در ادبیات عرفانی» نیز نخستین نشستی است که در چارچوب تفاهم‌نامه فوق، با سخنرانی دکتر سیدعلی‌اصغر میرباقری‌فرد مورخ ۲۵ مهرماه ۱۳۹۶ برگزار گردید.



در ابتدای این جلسه که استادان پژوهشکده زبان و ادبیات و برخی دانشجویان تحصیلات تکمیلی حضور داشتند، دکتر محمد نژاد با اشاره به سابقه همکاری میان پژوهشکده زبان و ادبیات با «قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی» و خوشامدگویی به حاضران و تشکر از سخنران جلسه، بر ضرورت تداوم این جلسات تأکید و خواستار برگزاری جلساتی در موضوع مولوی و شمس پژوهی شد.

دکتر میر باقری فرد نیز در آغاز سخنرانی با اشاره به ضرورت و اهمیت موضوع سخنرانی، گفت: «یکی از برنامه‌های قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی، بررسی و نقد مبانی روش تحقیق در ادبیات عرفانی بود که از ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ به طول انجامید. این سخنرانی حاصل این تحقیق و تحقیقات بعد از آن است که حدوداً یازده سال صرف آن شده است. پژوهش‌های عرفانی ظرفیت‌های فراوان و متنوعی دارد زیرا بخش اعظم و مهمی از آثار ادبی و فرهنگی ما را آثار عرفانی تشکیل می‌دهد. علی‌رغم اقبال فراوان پژوهشگران به تحقیق در آثار عرفانی، آسیب‌هایی هم در این حوزه وجود دارد که از این میان می‌توان به «برنامه‌محور و هدفمند نبودن پژوهش‌ها» و «نبودن مبانی نظری برای روش‌شناسی پژوهش‌ها»، «متناسب نبودن کمیت و کیفیت پژوهش‌ها» اشاره کرد. این عوامل موجب شده‌اند تا بسیاری از حوزه‌های عرفانی مغفول بمانند و بسیاری از کارها نیز تکراری و تقلیدی باشند.»

وی تأکید کرد: «برای برطرف کردن مشکل مبانی نظری روش تحقیق، در گام نخست باید ساختاری کلی از عرفان اسلامی ارائه گردد که در آن مرزبندی دقیق و متناسبی با اقتضات عرفانی اسلامی رعایت شده باشد. بهتر است عرفان اسلامی به دو سنت اول و دوم تقسیم شود. سنت عرفانی اول از آغاز پیدایش عرفان تا سده هفتم هجری را شامل می‌شود و سنت دوم از سده هفتم به بعد را در بر می‌گیرد. این دو سنت با هم تفاوت‌هایی دارند که در تحقیقات عرفانی باید مد نظر قرار گیرد.

۱. تفاوت در غایت و هدف: در هر دو سنت غایت و هدف، معرفت است اما تفسیر متفاوتی از معرفت ارائه می‌دهند. در سنت اول عرفانی، معرفت بر دو رکن انسان و خدا استوار است اما در سنت دوم، معرفت بر سه رکن خدا، انسان و هستی استوار است.

۲. تفاوت در رویکرد و روش: در سنت اول روش شناخت خدا بر کشف و شهود نهاده شده است اما در سنت دوم علاوه بر کشف و شهود از عقل و نقل نیز یاری گرفته می‌شود.

۳. تفاوت در موضوعات و مفاهیم: دیگر تمایز دو سنت در موضوعات و مفاهیم و رده‌بندی آنهاست. مثلاً در سنت اول تجلی را ذیل حال مشاهده می‌گنجانند ولی در سنت دوم تجلی با دید هستی‌شناسانه دیده می‌شود.

۴. تفاوت دیگر در زبان است: در سنت اول با عنایت به این که اساس کار بر کشف و شهود بود، عرفا می‌کوشیدند تا تجربیات عرفانی خود را به زبانی بیان کنند لذا هر کس با زبان خود تجربیات و مشاهداتش را بیان می‌کرد از این رو در سنت اول اصطلاح عرفانی وجود ندارد و برخی کلمات دارای چندین معنی هستند و هر عارفی آن را به معنای خاص خود به کار برده است. اما در سنت دوم اصطلاحات عرفانی پیدا می‌شود که معنای ثابت و مشخصی دارند مانند حضرات خمس و فیض اقدس... .

۵. تمایز دیگر در نظام تعلیم و تربیت است: نظام تعلیمات عرفانی، در سنت اول مبتنی بر مرید و مرادی است اما در سنت دوم بر محور استاد و شاگردی استوار است.»
در پایان نشست نیز جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.



«آیا خدایی هست؟»

نشست اول از سلسله نشست‌های تخصصی «انسان و خدا در جهان معاصر»

گروه کلام و فلسفه دین پژوهشکده حکمت معاصر، جلسه اول از سلسله نشست‌های تخصصی «انسان و خدا در جهان معاصر» را با عنوان «آیا خدایی هست؟» با سخنرانی امیر صادقی روز شنبه ۱۵ مهر، برگزار کرد.

در ابتدای نشست صادقی گفت: «پرسش از وجود خدا شاید پرسشی جدید باشد، هرچند موضوع چستی خدا به قدمت تاریخ بشر است، اما اینکه بشر بپرسد اساساً خدایی هست یا نه؟ مربوط به عصر جدید است.»

وی ادامه بحث خود را با نگرش تاریخی به موضوع آغاز کرد و گفت: «شاید بتوان ردّ نخستین نگرش‌های

غیردینی به عالم را از ابتدای قرن هفدهم میلادی جستجو کرد. ابتدا کپرنیک و گالیله با طرح خورشید مرکزی به جای زمین مرکزی جغرافیای عالم را که پیش از این، دین انحصار ترسیم آن را داشت، تغییر دادند و سپس نیوتن با ارائه قوانین فیزیکی روابط بین اشیاء و چگونگی وقوع رویدادهای طبیعی را تشریح کرد. پیش از این هرگونه تفسیری از طبیعت بنا بر تفسیر دین حاکم در ید قدرت الهی صورت می‌گرفت. هیوم چهره شاخص این دوره، نماینده تام تجربه‌گرایی و ردّ هرآن چیزی بود که ورای تجربه می‌دانست. تأثیر هیوم بر معرفت‌شناسی آنچنان عمیق بود که اکنون با گذشت بیش از دو سده، بخش بزرگی از دین‌مداران نیز می‌کوشند با همان مرکزیت «تجربه» به تبیین دیدگاه خود بپردازند.»

وی ادامه داد: «بلافاصله پس از هیوم و نیوتن، این کانت بود که پا به عرصه فلسفه گذاشت و با جدا کردن حوزه عقل عملی و نظری و کنار گذاشتن دین و احکام آن از قلمرو «فهم» بشر آخرین پایه‌های کنار گذاشتن دین از معادله طبیعت محکم شد. این روند که پس از روشنگری شنابلی چشم‌گیر داشت تا دوره معاصر کم و بیش به رشد خود ادامه داد تا اینکه در این دوره برخی متفکران که خلأ دین را در زندگی روزمره بشر احساس کرده بودند به بازسازی این ارتباط همت گماردند.»

صادقی در ادامه اظهار داشت: «فوئرباخ به عنوان نمونه، پاسخ منفی به پرسش آیا خدایی هست؟ با تمایز نهادن میان سرشت عام انسانیت به عنوان لایه درونی زندگی انسان که متناظر با آگاهی انسانی (نوع انسانیت) و ادراک کلیات است از یک سو و «من» محدود به عنوان لایه بیرونی رفتار انسان در مواجهه با عالم خارج و دیگران که جنبه پست انسان دانسته می‌شود، وی معتقد است که «سرشت تو تا هرجا برسد خودآگاهی ناکران‌بسته است به همانجا می‌رسد و تا آنجا خدایی» (فوئرباخ، ۳۷۳۱، ۴۱) و به وجود آمدن دین را نتیجه فراقنی «من علوی» بشر به عنوان خدا می‌داند و می‌گوید بشر از آنجا که خودش را با همه ردایبش شایسته صدور مفهومی همچون خدا نمی‌دانسته سرچشمه این فضایل را به امری بیرونی که همان خدا است اطلاق کرده که این آغاز دین است.

به جز مبانی فلسفی فوئرباخ که متأثر از کانت و هگل است وی به لحاظ کلامی نیز از انگاره «خدا



برای ما (من) «لوتر و جنبه» حضور در جهان خدا» در الهیات اشلایرماخر و دست آخر از این اعتقاد اشتراوس که مدعی بود بخش عمده مطالب عهد جدید گزارش عینی وقایع تاریخی نیست، تأثیر پذیرفته بود.»

وی تأکید کرد: «با این پیش زمینه‌ها فوئرباخ منکر وجود مستقل از ذهن مفاهیم دینی مانند خدا می‌شود، ولی منکر سودمندی دین برای بشر نیست. وی دین را امری سودمند و ارزشمند و بیانگر متعالی‌ترین ارزش‌های اخلاقی و معنوی آدمی می‌داند. در اینجا فقط اشاره انتقادات فراوانی که بر ایده‌آلیسم شده برای متزلزل کردن مبانی فلسفی فوئرباخ، البته از دیدی بیرونی کفایت می‌کند. اما به لحاظ درون سیستمی نیز انتقاداتی به این نگاه وارد است که به تفصیل بیان شد.»

صادقی در ادامه ضمن ارائه نموداری از نحوه درک ما از اشیا، به براهین اثبات وجود خدا پرداخت و گفت: «در طول تاریخ براهین فراوانی از سوی متکلمان و فیلسوفان برای اثبات وجود خدا عرضه شده، از جمله: امکان وجود، حرکت و حدوث، امکان فقری، وجودی، صدیقین، نظم، معجزه، تجربه دینی، اخلاقی، فطرت، بهترین تبیین تمامی این براهین بین طرفداران و مخالفان همچنان محل بحث هستند که نشانگر تقابل نظریه‌های خداشناسی و نظریه‌های رقیب است. اما مجموع شواهدی نظیر وجود جهان، سامان‌مندی جهان، وجود انسان‌ها به عنوان موجودات باشعور، معجزات و... قرینه‌ای بر وجود امر متعالی که خالق و راهبر هستی است، می‌باشد.»

ایشان در بخش دیگری از اظهارات خود به نحوه استدلال سوئین‌برن درباره وجود خدا پرداخت و گفت: «با مقایسه دو نوع تبیین از امور (تبیین ناظر به اشیا بی‌جان، تبیین ناظر به شخص) و اصل آسان‌باوری استدلال می‌آورد که «بهترین تبیین» برای جهان وجود خدا است.»

وی ویژگی‌های تبیین احتمالاً درست (بهترین تبیین) را در موارد زیر مطرح کرد:

الف) ما را به پیش‌بینی (درست) پدیده‌های زیاد و مختلفی که مشاهده می‌کنیم هدایت کند (و پدیده‌ای که عدم وقوعش ما را به پیش‌بینی آن هدایت کند مشاهده نمی‌کنیم)

ب) ساده (elpmis) باشد.

ج) با شناخت زمینه‌ای (egdelwonk dnuorgkcab) ما سازگار باشد.

د) بدون آن قانون نتوانیم این پدیده‌ها را پیش‌بینی کنیم. (برای مثال هیچ قانون رقیبی به خوبی قانون پیشنهادی، ما را به پیش‌بینی پدیده‌هایی که دارای ملاک‌های ۱ تا ۳ هستند هدایت نکند)

برای نمونه، قوانین نجومی بطلمیوس و کپلر بالتقیاس وجود خدا (وجود خداوند بهترین تبیین برای وجود جهان)

اجزاء بحث استدلال فوق را انشاءالله در نشست دوم تحت عنوان «امر متعالی در تجربه بشری» واکاوی خواهیم کرد.

صادقی در پایان متذکر شد: «آنچه برای ما اهمیت دارد نگاه عمیق به پرسش از خداست، مشخصاً آمدن پرسشی عمیق به سطح جامعه پاسخ‌های سطحی را در بر خواهد داشت که این خود نشانه بی‌کفایتی مباحث حوزوی و دانشگاهی در این موضوع است نه بی‌کفایتی مخاطبان نسبت به مواجهه با این پرسش.»



تحصیلات تکمیلی

جلسه دفاعیه علی کاوسی رحیم (دانشجوی دکتری تاریخ علم دوره اسلامی)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۶/۰۷/۰۲

موضوع: تبیین مبانی مابعدالطبیعی و فناورانه نظام کیمیایی حسن بن زاهد کرمانی (به همراه تصحیح انتقادی فصل «در صفت آلات تقطیر و کیفیت آن»)

استاد راهنما: دکتر رضا کوهکن

استادان مشاور: دکتر غلامحسین مقدم حیدری، دکتر عبدالرسول عمادی

استادان داور: دکتر علیرضا منصوری، دکتر بابک عالیخانی، دکتر یونس فرهمند

این جلسه مورخ ۹۶/۰۷/۰۲، حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به تاریخ علم در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار گردید.

در ابتدا دانشجو به مدت ۳۵ دقیقه به ارائه نتایج حاصل از پژوهش پرداخت. نخست ضمن معرفی موضوع پژوهش، مطالبی مقدماتی ذکر شد و به طور خاص، به اوضاع علمی و فرهنگی ایران و هند در زمان حسن بن زاهد اشاره شد. با توجه به گمنامی و ناشناخته بودن «حسن بن زاهد کرمانی»، بخشی از مطالب مقدماتی ارائه شده توسط دانشجو به معرفی احوال و آثار او اختصاص داشت. آنگاه، آقای کاوسی رحیم به طرح نظریه طبیعی کیمیا در نظر حسن بن زاهد پرداخته و مبانی مابعدالطبیعی آن را معرفی و تشریح نمودند. بطور خاص با ارائه یک مدل ابداعی توسط دانشجو، نظریه عالم اوسط بودن کیمیا در نظر حسن بن زاهد تبیین و ارائه شد. پس از آن مبانی فناورانه کیمیای حسن بن زاهد مورد بررسی قرار گرفت و دانشجو ضمن تأکید بر تقدم ماهوی تئوری بر عملیات و تجربیات کیمیا در نظر حسن بن زاهد، مؤلفه‌های عملی کیمیای حسن بن زاهد را در شش بخش جداگانه ارائه کرد. سپس، دانشجو ویژگی‌ها و برجستگی‌های کیمیای حسن بن زاهد را در پنج محور معرفی نمود. پس از آن، شیوه تصحیح انتقادی متن بر اساس نسخ خطی معرفی شد.

شایان ذکر است که این تحقیق، بخش‌های متنوعی اعم از: جستجو و تهیه نسخ خطی، تصحیح انتقادی متن، مطالعه و تحلیل محتوای آثار کرمانی و نهایتاً بازسازی نرم افزاری یکی از تجهیزات مورد اشاره در کتب وی را در برداشت. بر همین اساس، ۵ دقیقه پایانی ارائه دانشجو به ارائه یک پویانمایی (انیمیشن) در ارتباط با فرایند تقطیر در نظر حسن بن زاهد کرمانی اختصاص داشت.

پس از ارائه دانشجو، اساتید داور به بیان نظریات خود پرداختند. ابتدا دکتر فرهمند به عنوان یکی از اساتید داور مدعو، ضمن تحسین موضوع رساله، حضور نگارنده در بخش‌های مختلف رساله را که منجر به تحلیل مطالب شده است، بسیار مثبت ارزیابی نمود. ایشان سپس انتقاداتی نگارشی بر متن رساله وارد دانست که عموماً توسط دانشجو پذیرفته شده و نسبت به اصلاح آنها یادداشت‌های لازم به عمل آمد. ایشان همچنین فصول مقدماتی رساله را بیش از مقدار لازم ارزیابی کردند و بطور خاص، مطالب ناظر بر اوضاع علمی و فرهنگی ایران و هند در نیمه اول سده هشتم را غیر ضروری عنوان نمودند.

آنگاه دکتر عالیخانی، دیگر استاد مدعو از تدقیق و تبیین مسئله اصلی در رساله ابراز خوشحالی کرد و درباره سه موضوع «کیفیت‌های صوری عناصر»، «طبیعت پنجم» و «کیمیا در سرزمین هند» نکات و پیشنهاداتی ارائه نمود که مورد توجه و پذیرش دانشجو قرار گرفت.

سپس استاد داور داخلی دکتر منصوری ضمن تأیید کلیت رساله درباره تقدم تئوری بر عمل کیمیا و نیز بخش بازسازی فرایند تقطیر نکاتی را ارائه نمودند.



در ادامه، استاد مشاور اول دکتر مقدم حیدری درباره بخش روش‌شناسی پژوهش نکاتی را مطرح نموده و پیشنهادهای ارائه کرد که مورد پذیرش دانشجو قرار گرفته و قرار شد بخش مذکور بازنویسی شود. همچنین، دکتر عمادی دیگر استاد مشاور رساله، ضمن تشکر از کمیت و کیفیت کار ارائه شده در این رساله، اظهار نمود که نظرات اصلاحی ایشان که در جلسه «پیش‌دفاع» ارائه کرده بودند تأمین شده است و لذا پیشنهاد خاصی نداشتند.

در انتها، دکتر کوهکن ضمن تأیید رساله و محتوای علمی آن نکاتی درباره گمنامی حسن‌بن زاهد و اهمیت مسئله پژوهش بیان کردند و نیز اصلاحاتی در بخش‌های «کیمیا در سرزمین هند» و «اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران و هند» ارائه نمود.

پس از شنیدن نقطه نظرات همه اساتید محترم، دانشجو در ۱۰ دقیقه در پاسخ به نکات بیان شده هیأت داوران، توضیحاتی ارائه داد.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشست و با اعطای نمره ۱۹ و درجه بسیار خوب به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی تشخیص دادند.

جلسه دفاعیه حامد جوکار (دانشجوی دکتری انقلاب و تمدن اسلامی)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۶/۷/۳

موضوع: ساختار تمدن اسلامی در حوزه تشیع و تسنن (با تأکید بر فاطمیان و عباسیان در قرن چهارم) و نسبت آن با سنت نبوی (ص)

استادان راهنما: حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی مهدوی‌راد و دکتر محمود جنیدی‌جعفری
استاد مشاور: استاد مصطفی دلشادتهرانی

استادان داور: دکتر محمدعلی لسانی‌فشارکی، دکتر نیره دلیر، دکتر فاطمه جان‌احمدی

این جلسه روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۷/۳، با حضور هیأت داوران رساله و مهمانان در سالن پژوهش ساختمان فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

پس از قرائت آیاتی از قرآن کریم، در آغاز جلسه محتوای اصلی رساله و نتایج به دست آمده از آن، در بیست دقیقه توسط دانشجو و به ترتیب زیر معرفی و ارائه شد.

در ابتدا، کلیات و نکاتی درباره موضوع رساله و دلیل پرداختن به بحث تمدن اسلامی در دو حوزه تشیع و تسنن، هدف و پرسش اصلی آن، محدودیت‌های پژوهش ارائه و ضمن گزارش اجمالی از پیشینه عام و خاص رساله، تمایزهای اثر با آثار مشابه پیش از آن بیان شد. سپس با تبیین روش پژوهش، ادبیات تحقیق مورد اشاره قرار گرفت. در ادامه با ارائه فصل چهارم رساله که به یافته‌های پژوهش اختصاص داشت، ضمن بیان تعاریف مختلف از مفهوم تمدن، مؤلفه‌های تمدن‌ساز سنت نبوی در پنج بعد اصلی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی علمی و نظامی امنیتی به ترتیب ذکر شد.

در بعد سیاسی مؤلفه‌هایی چون توجه به وحدت، تأکید بر امامت، مدارا و رفق، عطف و مهربانی با دشمنان، مشورت و پرهیز از استبداد رأی، قانون مداری در امر حکومت، پای‌بندی به آزادی بیان، پای‌بندی به عهد و پیمان و برخورد قاطعانه با تخلفات عوامل حکومت به عنوان مهمترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز سنت نبوی در بعد سیاسی ذکر شدند. به همین ترتیب در سایر ابعاد پیش‌گفته نیز مؤلفه‌های به دست آمده مورد اشاره قرار گرفت. در ارائه فصل پنجم رساله ضمن بررسی مؤلفه‌های موجود در ابعاد پنج‌گانه دو خلافت فاطمیان و عباسیان مقایسه‌ای تطبیقی میان این دو حکومت با سنت نبوی و اصول حاکم بر سنت پیامبر اکرم صورت گرفت. در پایان و به عنوان نظریه نهایی بیان شد که اساساً ایجاد تمدن اسلامی بر اساس دیدگاه‌های فرقه‌ای و بدون توجه به وحدت اسلامی ممکن نیست و نیز آنچه به تمدن اسلامی در قرن چهارم و پنجم مشهور شده در حقیقت حاصل شکوفایی نسبی در برخی ابعاد تمدنی است و بهتر است از آن با عنوان تمدن مسلمانان یاد کرد.



سپس دکتر جان احمدی، استاد داور خارجی، ضمن تأکید بر گستردگی و دشواری موضوع رساله و بیان نقاط مثبت رساله، به ذکر ارزیابی خود از رساله پرداخت. ایشان پس از اشاره به لزوم اصلاح اغلاط املائی و رعایت نکات ویرایشی در متن رساله، بازنگری در چکیده، پرسش‌های فرعی و فرضیه‌های متناظر با آنها را ضروری دانست و تأکید کرد در بخش ادبیات پژوهش باید برخی مفاهیم مانند مفهوم شیعه، تفاوت خلافت، حکومت و سلطنت و دلیل انتخاب قرن چهارم به عنوان محدوده بحث، تبیین شود. وی همچنین با بیان برخی اشکالات موجود در مؤلفه‌های قید شده در خصوص خلافت فاطمیان، بر لزوم اصلاح برخی از این مؤلفه‌ها تأکید نمود. در ادامه خانم دکتر دلیر، استاد داور داخلی ضمن بیان برخی نکات در خصوص کلیات پژوهش از ضرورت اصلاح پرسش اصلی و به تبع آن فرضیه اصلی پژوهش گفت. از دیدگاه ایشان فصل‌بندی و ساختار کلی رساله نیز باید دچار تغییر و دگرگونی می‌شد. به علاوه وی با تأکید بر اینکه باید میان تشیع فاطمیان به عنوان شیعیان زیدی و دیگر فرقه‌های شیعی تفاوت قائل شد بر لزوم ذکر این نکته در رساله تأکید نمود. همچنین از نظر وی آنچه در سنت نبوی رخ داده نیز نمی‌تواند به عنوان ملاک و معیار تمدنی مورد توجه قرار بگیرد چه در دوره پیامبر تمدن سامان نیافته بود. این استاد داور همچنین با نادرست خواندن تعبیری چون حقوق شهروندی و پاسداشت حقوق اقلیت این مفاهیم را مفاهیم جدید دانست و تأکید کرد در سنت نبوی نمی‌توان از این مفاهیم نشانی یافت. به علاوه از نظر این استاد داور ارتباط میان سنت نبوی و قرآن نیز باید در رساله روشن می‌شد. همچنین وی با تأکید بر مفید بودن بخش روش‌شناسی گفت بهتر بود در همه بخش‌های رساله کدهای مربوط به فرایند کدگذاری و استخراج مضمون به تفصیل قید می‌شد. البته ایشان هم مانند دکتر جان احمدی تأکید نمودند این اصلاحات در صورت صلاحدید استادان راهنما و مشاور قابل اعمال خواهد بود. این استاد همچنین ساختار پنج فصلی رساله را نامناسب دانسته و بر تغییر آن تأکید نمود.

دکتر لسانی فشارکی دیگر داور داخلی نیز با تأیید برخی از مطالب طرح شده توسط اساتید به ویژه در خصوص فصل‌بندی و ساختار کلی رساله، ضمن بیان برخی از اشکالات و اغلاط املائی و ویرایشی در رساله بر اصلاح چکیده و نیز عنوان پیشگفتار تأکید نمود و عناوین برخی از بخش‌ها را نیازمند تغییر دانست. در ادامه و با توجه به محدودیت زمان استاد محترم مشاور، استاد دلشادتهرانی ضمن اشاره به ناوارد بودن برخی از اشکالات مطرح شده توسط داور داخلی اول از بیان تفصیلی نکات خویش صرف نظر نمود.

سپس استاد راهنمای دوم دکتر جنیدی جعفری ضمن بیان نکات مثبت رساله و دشواری‌های پیش‌روی این پژوهش تأکید کرد در رساله دکتری به هر حال بخشی از مطالب باید حاصل اندیشه دانشجوی و بیان‌گر نظرات و دیدگاه‌های محققانه وی باشد حتی اگر این نظرات را با دیدگاه‌های دیگران چندان هم‌راستا ندانیم.

دکتر مهدوی‌راد نیز به عنوان استاد راهنمای اول رساله با بیان گستردگی و نیز اهمیت و تازگی موضوع رساله و زاویه نگاه دانشجوی، وجوه مثبت و متمایز رساله را یادآوری و برای پاسخ به برخی پرسش‌های استادان داور مواردی را ذکر نمود. وی شیوه نقد استاد داور خارجی را بسیار علمی و منصفانه دانست و بیان داشت این روش نقد که همراه با پذیرش ساختار کلی رساله و نیز اذعان به مختار بودن دانشجوی در انتخاب روش پژوهش است و تنها می‌کوشد بر اساس ادعاهای خود رساله و و از رهگذر روش انتخاب شده در پژوهش، شیوه کار و همچنین دستاوردهای پژوهش را ارزیابی نماید، بسیار قابل تقدیر و ارج نهادن است. وی همچنین زیر سؤال بردن ساختار کلی و نیز پیش‌فرض‌هایی که رساله بر اساس آن سامان یافته را ناصواب دانست و تأکید کرد بنیان هر رساله‌ای زیر نظر گروه علمی متشکل از اساتید راهنما و مشاور سامان می‌یابد و در ادامه با طی فرایندهای علمی در گروه و توسط اساتید و صاحب‌نظران علمی مورد تأیید و تصویب قرار می‌گیرد. بنابراین نقد و ارزیابی اگر مبتنی بر متن موجود نباشد و بخواهد اساس آن را به تمامی زیر و رو نماید در حقیقت صرف بیان نظرات شخصی است و نقد محسوب نمی‌شود.

در پایان دانشجوی ضمن تشکر از نظرات و پیشنهادات مطرح شده توسط گروه اساتید و تأکید بر اعمال دیدگاه‌های مطرح شده بر اساس مشورت با استادان راهنما و مشاور، ساختار اصلی رساله را حاصل پایبندی به شیوه‌نامه تدوین رساله دکتری پژوهشگاه و رعایت دقیق الزامات آن دانست.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹/۷۵ و درجه عالی به رساله دانشجوی، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی تشخیص دادند.

جلسه دفاعیه سید سعید آریانزاد (دانشجوی دکتری انقلاب و تمدن اسلامی)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۶/۰۷/۰۴

موضوع: سهم و نقش عقل‌گرایی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر عقل حکمی

استادان راهنما: دکتر موسی نجفی، دکتر قاسم پورحسن

استاد مشاور: دکتر هادی و کیلی

استادان داور: دکتر یحیی فوزی، دکتر مهدی معین زاده، دکتر رضا اکبری

این جلسه مورخ ۹۶/۰۷/۰۴، با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به حوزه مطالعات تمدنی در دفتر پژوهشکده اندیشه اسلامی، انقلاب و تمدن اسلامی واقع در ساختمان مرکزی پژوهشگاه برگزار گردید.

در ابتدای جلسه دانشجو در حدود نیم‌ساعت به معرفی رساله و آراء اصلی مطرح شده و نتایج به دست آمده در آن به شرح زیر پرداخت:

در ابتدا اشاراتی شد از مصادیق صاحبان عقل حکمی که مدنظر نگارنده بوده که همانا فیلسوفان و حکمای نوصدرایی معاصر می‌باشند. در ادامه تبیین شد شباهت‌ها و تفاوت‌های مکتب نوصدراییان با حکمت متعالیه و ملاصدرا و شارحان بلافصل او. نیز توضیحاتی داده شد مبنی بر این که چرا از میان نوصدراییان، تنها به مرحوم امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری عطف توجه شده است. بعد از بیان مطالب فوق بحثی اجمالی در مورد امکان تمدن‌سازی ارائه گردید. این موضوع مقدمه ضروری برای مباحث تمدنی است.

نگاه امتناعی و نه امکانی این خلدون و دکتر سید جواد طباطبایی مورد نقد و چالش قرار گرفت. سپس به بایسته‌ها و مؤلفه‌های تمدن‌سازی از منظر متفکران نوصدرایی اشاره شد.

علامه برای تمدن‌سازی به مسئله اعتباریات می‌پردازند و امام خمینی بازگشت به اسلام ناب را عامل حرکت از برای تمدن‌سازی برمی‌شمرند و شهید مطهری از ضرورت تجدید حیات عقلی از برای در آغوش کشیدن تمدن نوین داد سخن می‌دهند.

اشاره شد که اعتباریات علامه آن‌گاه از منظر ایشان مفید فایده است که مبتنی بر عقل و فطرت و دین مبنی باشد.

نیز عقل مدنظر شهید مطهری هدایت‌گر آدمی به سوی دین مبین است و امام راحل نیز که به صراحت از رجوع به اسلام از برای ساخت تمدنی می‌گویند و در حقیقت همه نظرها و نظرگاه‌ها به اسلام منتج می‌شود هر چند که در نگاه اول تفتاتی ظاهری مشاهده می‌شود.

پس از ارائه دانشجو آقای دکتر اکبری، استاد داور خارجی، به ارزیابی خود از رساله پرداخت. وی در مورد مبحث اعتباریات ملاحظاتی را متذکر شدند و برخی اشکالات صوری را مطرح نمود و نیز در باب اطناب برخی مباحث مطرح شده در رساله و اشکالات وارده بر نظرهای دکتر سید جواد طباطبایی بیاناتی ایراد فرمودند.

پس از آن دکتر معین‌زاده استاد داور داخلی رساله به تبیین مواردی پرداختند که از منظرشان باید توضیح بیشتری داده می‌شد؛ از جمله لزوم تشریح بیشتر عقل حکمی و تفاوت این عقل با عقل مدنظر عرفا و عقل مدرن غرب را یادآور شدند که می‌بایست توسط دانشجو در رساله انجام شود.

پس از آن نوبت به نقطه نظرات دکتر فوزی دیگر داور داخلی رساله رسید. ایشان به شفاف‌سازی بیشتر بخش‌های مختلف رساله و ارتباط آن‌ها با هم پای می‌فشرده‌اند. مثلاً این که جایگاه بحث فطرت علامه و ربط آن با تمدن یا مبحث علم دینی آیت‌الله جوادی آملی با اعتباریات علامه باید با وضوح بیشتری ارتباطشان بیان شود.

پس از بیان نظرات اساتید داور، دکتر پورحسن استاد راهنمای رساله به برخی نقدهای اساتید داور پاسخ گفت. در ادامه دکتر موسی نجفی و دکتر هادی و کیلی هم به برخی نقد‌های داوران پاسخ گفته و برخی نقاط قوت رساله را مطرح نمودند، هر چند اشکالاتی نیز به نگاه دانشجو در بعضی مسائل مطرح شده داشتند.



پس از آن دانشجوی به پاسخ به پرسش‌های طرح شده پرداخت و به دفاع در برابر برخی از نقدها پرداختند و برخی از ایرادها را هم پذیرفتند. در پاسخ به نقدهای اساتید داور، دانشجوی در مقام دفاع برآمد و از اشکالات وارده بر دکتر سید جواد طباطبایی که خود مطرح کرده بود دفاع کرد. نیز در این میان سعی کرد در مورد ارتباط بخش‌های مختلف رساله توضیحاتی تکمیلی ارائه دهد. در نهایت پذیرفته شد که برخی اصلاحات در رساله و نتیجه‌گیری آن لحاظ شود. به علاوه کمی از مطالب تکراری حذف و رساله کوتاه شود. در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشستند و با اعطای نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی به رساله دانشجوی، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی تشخیص دادند.

جلسه دفاعیه صالح زارعی (دانشجوی دکتری انقلاب و تمدن اسلامی)

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۶/۰۷/۰۴

موضوع: بررسی رویکردهای ناظر بر تأثیر تصوف و عرفان بر تمدن اسلامی تا پایان عصر صفوی

استاد راهنما: دکتر قاسم پورحسن

استادان مشاور: دکتر فرهاد زیویار، دکتر هادی و کیلی

استادان داور: دکتر عبدالرحمن حسنی فر، دکتر سید رضا حسینی، دکتر جلال درخشه

این جلسه مورخ ۹۶/۰۷/۰۴، با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به حوزه مطالعات تمدنی در دفتر پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی واقع در ساختمان مرکزی پژوهشگاه برگزار گردید.

در ابتدای جلسه دانشجوی در حدود نیم‌ساعت به معرفی رساله و آراء اصلی مطرح شده و نتایج به دست آمده در آن، به شرح زیر پرداخت:

نخست در مورد مفاهیم اساسی رساله یعنی تصوف و عرفان و نیز تمدن مباحثی ارائه شد و سپس به طرح رویکردهای معاصر در حوزه مطالعات تمدنی در نسبت با جریان تصوف و عرفان پرداخته شد. در رویکرد اول به طرح سنت مطالعات غربی که در یکصد سال اخیر شکل گرفته پرداخته شد. این رویکرد سرچشمه‌های جریان عرفانی را به سرچشمه‌های اصیل اسلامی (قرآن و سنت نبوی) مرتبط می‌داند و به همین دلیل تمدن شکل گرفته در عالم اسلامی نیز مبتنی بر این سرچشمه‌هاست و می‌توان امر درونی و جوهری تمدن اسلامی را تصوف و عرفان اسلامی دانست.

در طرح رویکرد دوم به نقش عقلانیت اشاره شد که در مطالعات برخی اندیشمندان و متأثر از عقلانیت مدرن، سنت گذشته اسلامی را مورد نقد قرار می‌دهند. اساس این نظریه، مبتنی بر این امر است که جریان عرفانی، عامل اساسی تمدن و فرهنگ ایران اسلامی است.

در رویکرد سوم، به طرح اندیشه‌های اندیشمندانی چون دکتر نصر، زرین کوب و پورجوادی پرداخته شد. این رویکرد معتقد است جریان عرفانی، مهمترین ساحت درونی عالم اسلام است که بر حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی جوامع اسلامی تأثیر گذار بوده است. جریان عرفانی و جریان عقلی فلسفی، در عالم اسلامی در یک تأثیر و تأثر متقابل هیچگاه آنقدر از هم دور نبوده‌اند که بتوان جریان عرفانی را با عنوان خردستیزی توصیف نمود. در رویکرد آخر به پیوند جریان عرفانی و جریان تشیع پرداخته شد. از سده ششم به بعد زمینه‌های حضور پررنگ عناصر شیعی و صوفیانه در آثار و نیز حیات اجتماعی در بلاد سرزمینی ایران به وفور مشاهده شد. این امر، زمینه قیام‌ها و نهضت‌های صوفی شیعی را فراهم ساخت و با برآمدن صفویان به تعبیری مهمترین دوران سرزمینی ایران آغاز شد.

در نهایت نشان داده شد که عناصر عرفانی و صوفیانه در حیات اجتماعی جامعه اسلامی در ایران، نیز علاوه



بر ساحات فردی، نقشی سازنده و اساسی ایفا نمود و با شکل‌دهی به نظام سیاسی صفویه دورانی درخشان و تمدن‌ساز را در پهنه تاریخی ایران اسلامی رقم زد.

پس از ارائه دانشجو آقای دکتر درخشه، استاد داور خارجی، به ارزیابی خود از رساله پرداخت. ایشان در مورد نقش اجتماعی جریان عرفانی ملاحظاتی را متذکر شدند و برخی اشکالات صوری را مطرح نمود و نیز در باب نتیجه‌گیری رساله برخی موارد را متذکر شد.

پس از آن دکتر حسنی‌فر، استاد داور داخلی، در مورد ساختار رساله و طرح مسأله آن مطالبی مطرح کرد. ایشان معتقد بودند نظریات تمدنی واقع در مقدم باید با بسط بیشتری همراه باشد تا گویای طرح مطرح شده در رساله باشد. نیز ایشان معتقدند که سیر مباحث رساله بیشتر رنگ تاریخی به خود گرفته است.

پس از آن دکتر حسینی یکی دیگر از داوران داخلی رساله به طرح نکاتی نسبت به رویکرد اول و سوم موجود در رساله پرداختند؛ به عقیده ایشان برخی مباحث مطرح شده در نسبت جریان عرفانی و حوزه ساخت تمدنی گویایی لازم را ندارد.

پس از بیان نظرات اساتید داور، دکتر پورحسن استاد راهنمای رساله، به برخی نقدهای اساتید داور پاسخ گفتند. طرح این رساله خاستگاهی تمدنی و نه سیاسی دارد و اساس شکل‌گیری آن مبتنی بر یکی از جریان‌های مهم اسلامی یعنی تصوف و عرفان است. در ادامه دکتر فرهاد زیویار و دکتر هادی وکیلی به برخی نقد‌های داوران پاسخ گفته و برخی نقاط قوت رساله را مطرح نمودند.

پس از آن دانشجو به پاسخ به پرسش‌های طرح شده پرداخت و به دفاع در برابر برخی از نقدها پرداختند و برخی از ایرادها را هم پذیرفتند. در پاسخ به نقدهای اساتید داور، دانشجو به نقش جریانی عرفان و تصوف پرداخت. اینکه نظام خانقاهی تصوف را می‌توان با توجه به وجه باطنی‌گری در عالم اسلامی و به‌ویژه در ایران ذیل عنوان جریان عرفانی مطرح نمود. مباحث مطرح شده پیرامون نقش اجتماعی جریان تصوف را در نسبت با شکل‌گیری نظام تعلیم و تربیت خانقاهی و نیز در پیوند با جریان فتوت و مذهب تشیع را از مؤلفه‌های اساسی و بنیادی در تأثیرگذاری اجتماعی آن دانست. در نهایت پذیرفته شد که برخی اصلاحات در پایان رساله و نتیجه‌گیری آن لحاظ شود. به علاوه نظرات تمدنی بسط بیشتری یابد.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته انقلاب و تمدن اسلامی تشخیص دادند.

مدیرمسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سردبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچینی، محسن باباخانی، شهرام اصغری، سعیده زندی

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال تلگرام @ihcss